



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

عقلم

بسم
عزیزان

عقلم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پیام پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) عدالت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

نویسنده:

علیرضا ملازاده تقی پور

ناشر چاپی:

استوار

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	پیام پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) عدالت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
۶	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۰	فهرست
۱۱	پیشگفتار
۱۷	موقعیت اجتماعی زن نزد اعراب
۲۰	نمونه هایی از خرافات اعراب قبل از اسلام
۲۵	مبارزه اسلام با خرافات
۲۸	اوضاع اجتماعی عربستان در آستانه ظهور اسلام
۳۰	خلقت نوری حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)
۵۱	رأفت
۵۳	تقسیم بیت المال توسط خاتم الانبیاء (صلی الله علیه و آله و سلم)
۵۴	عدالت
۵۶	منافقین مانع عدالت گستری
۶۰	غدیر زمینه ساز حکومت مهدویت (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
۸۰	عدالت حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
۸۲	نحوه عدالت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
۸۸	مساوات در عهد حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
۱۱۵	اهمیت دعا برای ظهور
۱۴۴	کتابنامه
۱۴۸	درباره مرکز

پیام پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) عدالت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

مشخصات کتاب

سرشناسه : ملازاده تقی پور، علیرضا، 1340-

عنوان و نام پدیدآور : پیام پیامبر صلی الله علیه و آله عدالت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف / علی تقی پور ؛ ویراستار صابر بهلولی، محسن حسینی.

مشخصات نشر : مشهد : استوار، 1402.

مشخصات ظاهری : 139 ص.

شابک : 9-113-415-600-978

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : کتابنامه: ص. 137 - 139.

موضوع : مهدویت -- انتظار

Mahdism -- *Waiting

موضوع : محمد(ص)، پیامبر اسلام، 53 قبل از هجرت - 11 ق.

Muhammad, Prophet, d. 632

موضوع : محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، 255ق -

Muhammad ibn Hasan, Imam XII

موضوع : عدالت اجتماعی -- جنبه های مذهبی -- اسلام

Social justice -- Religious aspects -- Islam

رده بندی کنگره : 297/462

رده بندی دیویی : BP224/4

شماره کتابشناسی ملی : 9171186

اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیپا

ص: 1

اشاره

پیام پیامبر (صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم) عدالت قائم (عجل اللہ تعالیٰ فرجه الشریف)

علی تقی پور

ص: 3

فهرست 4

پیشگفتار 5

موقعیت اجتماعی زن نزد اعراب 11

نمونه هایی از خرافات اعراب قبل از اسلام 14

مبارزه اسلام با خرافات 19

اوضاع اجتماعی عربستان در آستانه ظهور اسلام 22

خلقت نوری حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) 24

رأفت 45

تقسیم بیت المال توسط خاتم الانبیاء (صلی الله علیه و آله و سلم) 47

عدالت 48

منافقین مانع عدالت گستری 50

فصل سوم:

غدیر زمینه ساز حکومت مهدویت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) 54

عدالت حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) 74

نحوه عدالت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) 76

مساوات در عهد حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) 82

اهمیت دعا برای ظهور 108

کتابنامه 137

منابع و مأخذ

ص: 4

بسان موسی آمده بود تا قومی را از فرعون جهل نجات دهد اما از موسی (علیه السلام) برتر بود. بسان عیسی آمده بود تا با نفسش ملتی را زنده کند اما از عیسی (علیه السلام) بالاتر بود. بسان ابراهیم آمده بود بت بشکنند، اما از ابراهیم (علیه السلام) شریف تر بود.

جانم به فدایش، آمده بود کرم را از دوباره تعریف کند، آمده بود تا بلاکش دیگران شود. از همه قومش بدی دید و ناسپاسی، نه تنها؛ بلکه فرزندان را نیز با تیغ کین گلو بریدند و زهر خوراندند.

اربابی که اربابی نکرد. بلکه رعایای او خود را از توحش، ارباب پنداشتند و بر فرزندان فرمان راندند در حالیکه غلامان ایشان بودند؛ اما همچنان او در فکر شفاعت قوم است نه شماتت!

چه رئوف است خاتم الانبیاء (صلی الله علیه و آله و سلم) که با همه وحشیگری ملت، خود و خاندان از همه بهترش را وقف هدایت ایشان کرد. با تمام سفارشی که داشت برای دینشان و با آن همتی که برای مسلمانان به خرج داد، از دین فاصله گرفتند. می خواست همه را تحت لوای قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) (ثقلین) به بهشت ببرد اما نخواستند. میخواست بگوید راه تمام خوبیها از تسلیم در برابر ذوات مقدسه (علیهم السلام) می گذرد. میخواست بگوید، کسیکه همه چیز را با عدل سامان می بخشد قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ایشان است. از برنامه های او گفت، از مهربانی اش، از

علمش، از زهدش، از دولت کریمه اش گفت و سفارش کرد و غصه خورد. مگر خدای او آیه نازل نکرده بود که:

(..قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى..) (1)

«..بگو: ”به ازای آن [رسالت] پاداشی از شما خواستار نیستم، مگر دوستی درباره ذوی القربی“..»

چگونه با خاندان پیامبر مودت گزیدند؟ مگر این حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیست زمین را از عدل پر می کند؟ مگر زمین جز به چهارده معصوم (علیهم السلام) اصلاح می شود؟ چرا در زمین فساد کردند؟ فسادی که تا این زمان باقیست و روز به روز بیشتر شده و ابعاد جدیدی به خود می یابد!

(وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا..) (2)

«و در زمین پس از اصلاح آن فساد مکنید..»

اما دیگر زمان آن گذشت. در زمین فساد کردند. زمینی که قرار بود با اقامه ولایت حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) اصلاح شود که سرباز زدند. حالا نوبت قائم آل محمد (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است که وعده خداوند را تحقق بخشد. برنامه های عدالت محور او و زحمات جدش برای اصلاح امت، مطالبی است که از لابلای احادیث در این مجال رقم خورده است. به امید ظهور نماینده خدا و خلیفه او در زمین! به امید تغییر! به امید عدالت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که پیام پیامبر ختمی مرتبت (صلی الله علیه و آله و سلم) بود.

ص: 6

1- سوره مبارکه شوری آیه شریفه 23

2- سوره مبارکه اعراف آیه شریفه 56

خرسند باش از اینکه چون محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) پیشاهنگ و رهبری بسوی رستگاری داشته باشی.

گریه و ضجّه های مادران دلسوخته به روی خاک گرم سرزمین حجاز صحنه هائی بس دلخراش را به نمایش میگذارد. در برابر چشمان مادران، دختران کوچک را زنده داخل گور می کردند.

نهایت شقاوت از ناحیه پدران سنگدل بدون توجه و ترحم به مادرانی که نیمه جان و غش کرده افتاده و بی اعتنا به چهره معصومانه شیریه جان خویش، با روحیه ای خشن، خاک را بر اندام ظریف و نحیف کودک می ریختند و بدینسان ضجه و گریه کودک آرام آرام زیر خاک مدفون و خاموش می گشت.

هر روزه در سرزمین حجاز و... این صحنه های دلخراش تکرار می گردید و این روش و سنتی بود که بالا جبار باید به اجرا در می آمد.

همه مادران داغدیده برای رهایی از این توحش دلخراش، در انتظار منجی ای که نجات دهنده آنان از چنگال مردان بیرحم و خونخوار باشد، خدا را فریاد می زدند.

چه کسی و کدامین قدرتی می توانست این حادثه مکرر و وحشتناک را از آن

ص: 7

سرزمین و قوم نادان و شقی، دفع نماید؟

قومی که مبنای زندگی آنان براساس بی رحمی، کشتار و خونریزی پایه گذاری شده بود. کسی که به نوزاد خود رحم نکند، رفتارش با دیگران چگونه خواهد بود؟

طعام ایشان را مار و سوسمار تشکیل می داد. آتش خشم و غارت و قتل که از عقده و کینه شعله ور می گشت، توحش و بیدادگری را به اوج خود رسانیده بودند تا جائیکه شفقت، ترحم و آرامش برای آنها معنا نداشت.

مفهوم و برداشت آنان از زندگی، خشونت و جنگ و ستیز بود. خونریزیهای فراوان در بین قبایل به عنوان افتخار و برتری تلقی می گشت. گرد و غبار این جنایات تمام فضای عربستان را ظلمانی نموده نفسهای بشریت در سینهٔ مظلومان بیچاره و ستمدیده به شماره افتاده بود.

مرگ و هلاکت ناشی از بیدادگری بر چهرهٔ مستضعفان نقش بسته بود. سنگدلیها بود که به اوج می رسید و خونها بود که می ریخت. و محکوم به نابودی می شدند. نمونهٔ بارز آن شقاوت و بی رحمی ها، کشتن دختران خردسال بود که انحطاط اخلاقی آنان را روشن می نمود.

راستی انسان باید تا چه اندازه گرفتار پستی و توحش باشد، که میوهٔ دل خود را پس از رشد و نمو، یا در همان روزهای ولادت، زیر خوارها خاک پنهان کند و از فریاد و نالهٔ او متأثر نشود!

نخستین طایفه ای که در این شقاوت و بیرحمی پیشقدم شدند، ”بنی تمیم“

ص: 8

بودند. «نعمان بن منذر»، فرمانروای عراق، برای سرکوب کردن مخالفان با لشکر انبوهی آنان را تار و مار ساخت. اموالشان را مصادره و دختران آنها را اسیر کرد. نمایندگان «بنی تمیم»، به حضور او رسیدند، و درخواست کردند که دختران آنها را بازگرداند ولی به خاطر اینکه برخی از اسیران در محیط زندان ازدواج کرده بودند، «نعمان» آنان را مخیر کرد که یا روابط خود را با پدران قطع کنند و در آن سرزمین با شوهران بسر ببرند؛ و یا اینکه طلاق گرفته به وطن خود بازگردند. دختر قیس بن عاصم، محیط زناشویی را مقدم داشت. آن پیرمرد سالخورده که خود، یکی از نمایندگان قبیله «بنی تمیم» بود، از این عمل، سخت متأثر شد و با خود عهد کرد که بعد از این دختران خود را، در آغاز زندگی نابود سازد؛ و کم کم همین رسم به بسیاری از قبائل سرایت کرد.

وقتی قیس بن عاصم، خدمت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) شرفیاب شد، یکی از انصار، از دختران وی سؤال نمود. «قیس»، در پاسخ گفت: من تمام دختران خود را زنده به خاک کرده ام، و کوچکترین تأثیری در دل خود احساس ننموده ام مگر یکبار و آن موقعی بود که من در سفر بودم، و ایام وضع حمل همسرم نزدیک بود. اتفاقاً سفرم به طول انجامید، پس از مراجعت، از حمل همسرم پرسیدم. وی در پاسخ من گفت: به عللی بیچه، مرده به دنیا آمد ولی در واقع دختر زائیده بود و از ترس من دختر را به خواهران خود سپرده بود. سالها گذشت و ایام جوانی و طراوت دختر فرا رسید و من کوچکترین اطلاعی از داشتن دختر نداشتم. تا اینکه روزی در خانه نشسته بودم، ناگهان دختری وارد خانه شد، و سراغ مادرش را گرفت،

دختری بود زیبا و گیسوانش را بهم بافته و گردنبندی در گردن انداخته بود. من از همسر خود پرسیدم که این دختر زیبا کیست؟ وی در حالی که اشک در چشمانش حلقه زده بود، گفت: این دختر تو است. همان دختریست که هنگام مسافرت تو به دنیا آمده؛ از ترس تو پنهان کرده بودم. سکوت من در برابر همسر، نشانه رضایت بود. او تصور کرد که من دست خود را، آلوده به خون وی نخواهم کرد. لذا روزی همسرم با خیال مطمئن از خانه خارج گردید، من به موجب پیمان و عهدی که داشتم؛ دست دخترم را گرفته به يك نقطه دوردست بردم، درصددِ حفر گودال برآمدم. هنگام حفر، دختر مکرر از من می پرسید که «منظور از کندن زمین چیست؟!». پس از فراغ از کندن گودال، دست وی را گرفته کشان کشان او را در میان گودال افکندم، خاکها را به سر و صورت او ریخته و به ناله های دلخراش وی گوش ندادم.

او همچنان ناله می کرد و می گفت: «پدرجان مرا زیر خاک می سازی؟! و در این گوشه تنها گذارده به سوی مادرم بر می گردی؟!». ولی من خاکها را می ریختم تا آنجا که او زیر خروارها خاک پنهان گردید، و خاک او را فرا گرفت. آری، یگانه موردی که دلم سوخت؛ همین مورد است. وقتی سخنان قیس پایان یافت، چشمهای رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) پر از اشک شده بود، این جمله را فرمود:

«إِنَّ هَذِهِ لَقَسْوَةٌ وَمَنْ لَا يَرْحَمُ لَا يَرْحَمُ» (1)

ص: 10

1- ابن اثیر، در «اسدالغابه» ماده قیس، از او نقل کرده که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) پرسید: تا کنون چند دختر زنده بگور کردی، گفت: 12 دختر. این سرگذشت در کتاب «حیة محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)» نگارش «محمد علی سالمین» نقل شده است.

این عمل سنگدلی است و کسی که رحم و عواطف نداشته باشد؛ مشمول رحمت الهی نمی گردند!

موقعیت اجتماعی زن نزد اعراب

مظلومیت کودکان از یک سو و جایگاه زنان در قوم عرب از سوی دیگر از موارد بسیار پر حاشیه و غمبار بود. زن در میان آنان، مانند کالائی خرید و فروش می شد، و از هرگونه حقوق اجتماعی و فردی، حتی حق ارث محروم بود. روشنفکران عرب، زن را در شمار حیوانات قرار داده و برای همین جهت در شمار لوازم و اثاث زندگی می شمردند. این مثل به عنوان عقیده ورد زبانیشان بود:

«وَأَنَّمَا أُمَّهَاتُ النَّاسِ أَوْعِيَةٌ»

مادران حکم ظروف را دارند که فقط برای جای نطفه آفریده شده اند.

چنین عقیده ای در میان آنان رواج کامل داشت. غالباً از بیم قحطی، و احیاناً از ترس آلودگی، دختران خود را روز اول تولد، سر می بریدند و یا از بالای کوه بلند به دره عمیق پرتاب می کردند و گاهی در میان آب غرق می نمودند.

قرآن؛ کتاب بزرگ آسمانی ما، که در نظر خاورشناسان غیر مسلمان، لااقل به عنوان يك کتاب تاریخی و علمی دست نخورده شناخته می شود؛ در این باره سرگذشت عجیبی را نقل می کند و می گوید:

«وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ * يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِنْ

سُوءَ مَا بُشِّرَ بِهِ أَيْمَسِكُهُ عَلَى هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ (1)

«هنگامی که خبر تولد دختر به یکی از آنان داده می شد؛ رنگ وی سیاه می گردید و در ظاهر، خشم خود را فرو می برد* براثر این خبر بد از قوم متواری می گردید، و نمی دانست آیا مولود مزبور را با خواری نگاهدارد؟! یا در خاک پنهان سازد؛ راستی چه حکم و قضاوت زشتی دارند؟»

یکی دیگر از موارد اسفناک، نظام ازدواج آنان بود که در جهان کم نظیر بود. مثلاً برای همسر، حدّ معینی قائل نبودند و برای خالی کردن شانه از زیر بار مهریه، زنان را اذیت می کردند. در حجاز رسم بود اگر زنی بر خلاف عفت رفتاری می نمود، مهریه او به کلی از بین می رفت.

گاهی از همین قانون سوء استفاده کرده، زنان خود را متهم می ساختند تا بتوانند از دادن مهر امتناع ورزند. ازدواج با همسران پدر، در صورت طلاق یا مرگ پدر؛ برای اولاد اشکال نداشت.

هنگامی که زنان از شوهران خود طلاق می گرفتند، حق ازدواج مجدد منوط به اذن شوهر اول بود. و اذن شوهر نخستین هم غالباً با دریافت مهر انجام می گرفت! وارثان، زن را نیز مانند اثاث خانه تملک می کرده؛ و با افکندن روسری به سر زن، مالکیت خود را اعلام می نمودند.

از نظر روحیه می توان گفت: اعراب قبل از اسلام، نمونه کامل يك انسانِ طمعکار و حریص بودند و علاقه وافری به مادیات داشتند. نگاه و دید آنان به

ص: 12

هر چیزی، از بعد منافع دنیوی صورت می گرفت.

همیشه برای خود، يك نوع کرامت و شرف و برتری نسبت به سایرین قائل بودند. آزادی و بی بند و باری را بی نهایت دوست داشتند و از هر چیزی که آزادی آنان را محدود می کرد متنفر بودند. (1)

خوی آنان غارتگری بود، هر چه در دیگران می دیدند تاراج می کردند. آنان رزق خویش را در پرتو شمشیر و نیزه فراهم می ساختند. (2)

گویند یکی از عربها پس از شنیدن صلح و صفای بهشت از زبان مبارک پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، پرسید: آیا در بهشت جنگ هم وجود دارد یا نه؟ همین که فرمودند: "نه" گفت: پس به چه درد می خورد.

بیش از «هزار و هفتصد» جنگ برای عرب قبل از اسلام ثبت شده است. برخی از این جنگها تا یکصد سال و بیشتر طول می کشید و گاهی يك مسئله جزئی سبب جنگهای طولانی و کشت و کشتار فراوان می گردید. (3)

ص: 13

1- يك مقایسه کوتاه: اگر خواننده گرامی حقوق زن را در اسلام ملاحظه کند؛ جداً اذعان خواهد نمود که این احکام و مقررات؛ و این قدمهای مؤثر در اصلاح و تحکیم حقوق زن، که به وسیله پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) برداشته شده، خود گواه بر حقانیت و ارتباط وی با جهان وحی می باشد. زیرا چه دلسوزی و مراعات بالاتر از این که (علاوه بر اینکه در آیات و احادیث، حقوق زن را تثبیت نموده و عملاً پیروان خود را به مهربانی با آنان دعوت کرده است)، در خطبه حجة الوداع نیز زنان را به این عبارت به مردان توصیه نمود: «ای مردم! شما بر زنان خود حقی دارید و آنها هم بر شما حقی، درباره آنان سفارش به نیکی کنید، زیرا کمک و مددکار شما هستند... از آنچه خود می خورید به آنها بدهید و از آنچه خود می پوشید بر آنها بپوشانید» - أَيُّهَا النَّاسُ فَإِنَّ لَكُمْ عَلَى نِسَائِكُمْ حَقًّا، وَ لِهِنَّ حَقًّا، وَ اللَّهُ تَوْصُوا بِالنِّسَاءِ خَيْرًا فَإِنَّهُنَّ عِنْدَكُمْ عَوَانٌ... اطعموهن بما تأكلون، والبسوهن مما تلبسون. این جمله ها در خطبه «حجة الوداع»، با تفاوتهای مختصری وارد شده است. به «تحف العقول» ص 33 و 34 رجوع کنید.

2- اسلام و جاهلیت 245 - ترجمه مقدمه ابن خلدون 1/285؛ 1/286

3- العرب قبل از اسلام 128- یکی از حوادث عرب قبل از اسلام جنگ ممتدی است، که در تاریخ به «حرب داحس و غبراء» معروف است که نام دو اسب است (داحس نام اسب قیس بن زهیر رئیس قبیله بنی عیس و غبراء نام اسب حذیفه رئیس قبیله بنی فزازه است) هر يك از این دو رئیس اسب خود را تندروتر از دیگری می دانستند کار به مسابقه اسب دوانی کشید، اما پس از پایان اسب دوانی هر کدام مدعی امتیاز مسابقه بودند و همین امر ساده سبب وقوع قتلی شد طایفه مقتول نیز شخصی از طایفه قاتل را کشتند ولی کار به همینجا خاتمه نیافت بلکه این دو قتل مقدمه آغاز جنگ سختی میان این دو قبیله بزرگ و هم پیمان آنان شد که از سال 568 تا 608 ادامه یافت و جمع بیشماری از اطرافیان کشته شدند. این مطلب در کتاب فروغ ابدیت 52 و در تاریخ العرب و آدابهم 47 و نیز در کتاب ابن اثیر 1/204 آورده شده است.

عرب جاهلی معتقد بود که خون را جز خون نمی شوید. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در یکی از خطبه ها اوضاع عرب پیش از اسلام را چنین می فرمایند:

«خداوند متعال حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) را بیم دهنده جهانیان و امین وحی و کتاب خود مبعوث نمود و شما گروه عرب در بدترین آئین و بدترین جاها بسر می بردید در میان سنگلاخها و مارها (بی که از هیچ صدائی نمی رمیدند،) اقامت داشتید. آبهای لجن را می آشامیدید و غذاهای خشن (مانند آرد هسته خرما و سوسمار) می خوردید، و خون یکدیگر را می ریختید، و از خویشاوندان دوری می کردید. بتها در میان شما سر پا بود و از گناهان اجتناب نمی نمودید» (1)

نمونه هایی از خرافات اعراب قبل از اسلام

عموماً برای اعراب قبل از اسلام به علت جهل و عوامل مختلف، غارت، چپاول گری، گرفتن اسیر و خونریزی کاری متداول بود و در نظر عرب قبل از ظهور پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله و سلم) اخلاق را با باده گساری و باده فروشی که رواج فراوانی نیز داشت تعریف می کردند. قتل و غارت و زنده بگور کردن، منس آنها را

ص: 14

شکل می داد. مضاعف بر آن بت پرستی و اعتقاد به خرافات نیز به تیره بختی آنان می افزود. اوهام، افسانه و جادو به عنوان یک اصل بر افکار و اعتقادات آنان حاکم بود.

در این میان یکی از کارهای مهم پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله و سلم) زدودن خرافات از افکار آن دیار بود. هنگامی که «معاذ بن جبل» را به یمن اعزام نمود به او چنین دستور داد:

«..وَأَمْتُ أَمْرَ الْجَاهِلِيَّةِ إِلَّا مَا سَنَّهَ الْإِسْلَامَ وَأَظْهَرَ أَمْرَ الْإِسْلَامِ كُلَّهُ صَغِيرَةً وَكَبِيرَةً..» (1)

ای معاذ... آثار جاهلیت و افکار و عقاید خرافی را، از میان مردم نابود کن و سنن اسلام را که همان دعوت به تفکر و تعقل است، زنده نما...

وجود مبارکش نیز اهتمام بر رفع کامل خرافات داشت. چنانکه نقل است مردی فرزندش دچار گلو درد شده بود. برای اینکه حال فرزندش بهبود یافته و به زعم خودش دیوها، دست از سر فرزندش بردارند، به او آویزهای به اصطلاح جادویی نصب کرده بود و با آن وضع به محضر پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) رسید. پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«فرزندان خود را با این آویزهای جادویی نترسانید لازم است در این بیماری از عصاره عود هندی استفاده شود» (2)

پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله و سلم) در برابر توده های زیادی از عرب که سالیان درازی افکار

ص: 15

1- تحف العقول 26 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 74/127

2- فروغ ابدیت 1/61 - التاج 3/14

جاهلی و عقائد خرافی بر آنها حکومت کرده بود؛ چنین فرمود:

«أَلَا إِنَّ كُلَّ شَيْءٍ مِنْ أُمْرِ الْجَاهِلِيَّةِ تَحْتَ قَدَمِي مَوْضُوعٌ» (1)

با پدید آمدن اسلام، کلیه مراسم و عقائد و وسائل موهوم، محو و نابود گردید و زیر پای من قرار گرفت.

برای روشن ساختن ارزش معارف اسلام، نمونه هایی را در این جا ذکر خواهیم نمود: شبه جزیره عربستان در بیشتر فصول با خشکی روبرو است. مردم آنجا برای فرود آمدن باران، چوبهائی را از درختی به نام «سَلْع» و درخت زودسوز دیگری به نام «عشر» گرد می آوردند و آنها را به دم گاو بسته، گاو را تا بالای کوه می راندند. سپس چوبها را آتش زده، به جهت وجود مواد محترقه در چوبهای «عشر»، شعله های آتش از آنها بلند می شد و گاو بر اثر سوختگی شروع به دویدن، اضطراب و نعره می کرد؛ و آنان این عمل ناجوانمردانه را، به عنوان يك نوع تقلید و تشبیه به رعد و برق آسمانی انجام می دادند. شعله های آتش را به جای برق، و نعره گاو را به جای رعد، محسوب می داشتند و این عمل را در نزول باران مؤثر می دانستند.

زمانی که گاوهای نر و ماده را برای نوشیدن آب، کنار جوی آب می بردند، گاهی می شد که گاوهای نر، آب می نوشیدند ولی گاوهای ماده لب به آب نمی زدند. آنان تصور می کردند که علت امتناع، وجود دیوهای است که در میان

ص: 16

1- المجازات النبوية 137 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 21/405 - النهاية في غريب الحديث والأثر 2/380؛ 5/51 - لسان العرب 15/324؛ 14/392

شاخهای گاو نر جا گرفته اند و نمی گذارند گاوهای ماده آب بنوشند و برای راندن دیوها به سر و صورت گاوهای نر می زدند.

اگر در میان شتران، بیماری پیدا می شد و یا قرحه و تاولی در لب و دهان آنها ظاهر می گردید؛ برای جلوگیری از سرایت این بیماری، شتر سالمی را می آوردند، لب و بازو و ران او را داغ می کردند. علت این کار روشن نیست. احتمال می دادند که جنبه پیشگیری داشته و یک نوع معالجه علمی بوده است؛ ولی از آنجا که از میان شتران زیاد فقط به سر یک شتر چنین بلائی را می آوردند، می توان گفت یک عمل خرافی بوده و علل موهومی داشته است.

اگر مرد بزرگی فوت می کرد، شتری را در کنار قبر او در میان گودالی حبس می کردند و آب و علف به او نمی دادند تا جان سپارد و معتقد بودند متوفی روز رستاخیز بر آن سوار شود و پیاده محشور نگردهد.

اگر شخص متوفی در دوران زندگی برای عزیزان و مهمانان خود، شتر نحر می کرد، بازماندگانش برای تکریم از متوفی و سپاس از او، در پای قبرش شتری را به طرز دردناکی پی می کردند.

این گونه اعمال علاوه بر اینکه هیچ کدام با منطق و اندیشه علمی سازگار نیست، [با افروختن آتش باران نازل نمی شود. زدن گاو نر، تأثیری در گاو ماده نمی گذارد و داغ کردن شتر سالم باعث بهبودی شتر بیمار نمی گردد و...]، ستم به حیوانات بوده است. اگر ما این عقائد و رفتار را با قوانین متقن اسلام که درباره حمایت از حیوانات وارد شده است مقایسه نمائیم، خواهیم گفت: تنها شریعت محمدی (صلی الله علیه و آله و سلم)، نقطه مقابل افکار محیط بوده است. من باب نمونه از

میان دهها دستور اسلامی دربارهٔ حمایت حیوانات، يك دستور را ذكر می نمائیم تا بعد فاصلهٔ بین اسلام و جاهلیت آشکار شود. حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرماید:

«هر حیوان سواری بر صاحب خود شش حق دارد:

1- در هر منزلی فرود آمد، آن را علوفه دهد. 2- اگر از آبی می گذرد، آب را بر حیوان عرضه بدارد. 3- بر صورت او تازیانه نزند. 4- موقع سخن گفتن طولانی، بر پشت آن قرار نگیرد. 5- بارِ زیادتر از توانائی بر آن حمل نکند. 7- حیوان را به پیمودن راهی که از توانائی آن بیرون است، و ندارد» (1)

با این سفارش در مورد حقوق حیوانات، می توان حدس زد اهمیت حقوق انسانها، نسبت به یکدیگر تا چه اندازه ای است؟

اگر عقرب و مار کسی را می گزید، بر گردن مارگزیده یا عقرب گزیده، زیورآلات طلائی می آویختند؛ و معتقد بودند که اگر مس و قلع همراه خود داشته باشد می میرد. بیماری «هاری» را که معمولاً از گاز گرفتن سگان بیمار به وجود می آید، با مالیدن کمی از خون بزرگ قبیله بر موضع جراحت معالجه می نمودند. و اگر علائم جنون در کسی ظاهر می گردید، برای راندن ارواح خبیثه به کثافات پناه برده، کهنهٔ آلوده و استخوان مردگان را به گردن وی می آویختند. برای اینکه فرزند آنها دیو زده نشود، دندانِ رویاه و گربه را به نخِ بسته و به گردن بچه می انداختند. هر گاه لب و دهانِ بچه ها کورک می زد، مادر

ص: 18

بچه غربالی به سر می گرفت و از خانه های قبیله، نان و خرما جمع می کرد و آنها را به سگها می داد تا دانه و کورک لب و دهان فرزندش بهبودی پیدا کند و زنان قبیله مواظبت می کردند بچه های آنها از آن نانها و خرماها نخورند، که مبادا آنها نیز به همین درد گرفتار شوند.

برای معالجه بیماری جلدی مانند ریختن پوست بدن، آب دهان به آن می مالیدند. اگر بیماری شخصی ادامه می یافت، تصور می کردند که بیمار، حیوانی را مانند مار و غیره که متعلق به دیوهاست کشته است. برای پوزش خواستن از دیوها، مجسمه هائی از گل به صورت شتر درست کرده و جو و گندم و خرما بر آن حمل نموده، در برابر سوراخ کوه می گذاشتند و فردا به همان نقطه باز می گشتند. اگر می دیدند که بارها دستخورده است، آن را نشانه قبولی هدایا دانسته می گفتند که بیمار خوب خواهد شد و در غیر این صورت، معتقد بودند که چون هدیه ناچیز بوده از این نظر مورد پذیرش دیوها واقع نگردیده است.

مبارزه اسلام با خرافات

اسلام با این خرافه ها، از طرق مختلفی مبارزه کرده است. در زمینه بیماریها، راه حل های پزشکی ارائه می داد و در زمینه معنوی، روشنگری می نمود و در هر موضوعی سخنی بر طبق حق بود که از لسان مبارک رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)، به سمع اصحاب می رسید و یا سیره ای بود که حضرت رسول ختمی مرتبت (صلی الله علیه و آله و سلم)، با عمل به آن مردم را از گرایش به خرافه وا می داشت. هنگامی عده ای از

اعراب بیابانی که با آویزه جادویی که در آنها سنگها و استخوانها به بند کشیده می شد بیماران خود را معالجه می کردند، خدمت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) شرفیاب شدند و درباره مداوا با گیاهان و داروهای طبی پرسش نمودند؛ رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«لازم است بر هر فرد بیمار سراغ دارو رود، زیرا خدائی که درد آفریده دارو را نیز آفریده است» (1)

حتی موقعی که سعد بن ابی وقاص (لعنت الله علیه) بیماری قلبی گرفت، حضرت (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: باید پیش «حارث کلد» طبیب معروف ثقیف بروید، سپس خود آن حضرت او را به داروی مخصوصی راهنمایی کرد.

علاوه بر این، بیاناتی درباره آویزه های جادویی، که فاقد هر گونه آثارند؛ وارد شده است. به نقل روایتی در این باره اکتفاء می کنیم. حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«إِنَّ كَثِيرًا مِنَ التَّمَائِمِ شِرْكٌ» (2)

بسیاری از بازوبندها و آویزه ها شرك است.

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و اوصیاء گرامی او با راهنمایی مردم به داروهای زیاد، که همه آنها را محدثان بزرگ اسلام، تحت عنوان طب و طب الرضا (علیه السلام) و... گرد آورده اند، بار دیگر ضربه محکمی بر این اوهام که گریبان اعراب دوران جاهلیت را گرفته بود؛ وارد ساخته اند.

ص: 20

1- بحار الانوار 59/68

2- طب الأئمة (عليهم السلام) 48 - وسائل الشيعة 6/237 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 92/5

برای رفع نگرانی و ترس، اینگونه رفتار می کردند: موقعی که وارد روستایی می شدند و از بیماری وبا یا دیو می ترسیدند، برای رفع ترس در بالای دروازه روستا، ده بار صدای الاغ می دادند و گاهی این کار را با آویختن استخوان روباه به گردن خود توأم می نمودند. و اگر در بیابانی گم می شدند، پیراهن خود را پشت و رو می کردند و می پوشیدند. موقع مسافرت که از خیانت زنان خود می ترسیدند، برای کسب اطمینان نخی را بر ساقه یا شاخه ای می بستند. موقع بازگشت اگر نخ به حال خود باقی بود، مطمئن می شدند که زن آنها خیانت نورزیده است؛ و اگر باز، یا مفقود می گردید، زن را به خیانت متهم می ساختند.

اگر دندان فرزند آنان می افتاد، آن را با دو انگشت به سوی آفتاب پرتاب کرده می گفتند: آفتاب! دندانی بهتر از این بده. زنی که بچه اش نمی ماند؛ اگر هفت بار بر کشته مرد بزرگی قدم می گذاشت، معتقد بودند که: بچه او باقی می ماند و... (1)

این بود مختصری از انبوه خرافاتی که محیط زندگی اعراب دوران جاهلیت را تارک نموده، و فکر آنها را از پرورش بازداشته بود.

ص: 21

1- تمامی این هفت مورد از کتاب تحقیقی فروغ ابدیت ج 1 اخذ گردیده است.

نخستین قدمی که بشر به سوی زندگی جمعی برداشت، زندگی قبیله ای بود. قبیله، مجموع چند خانواده و قوم و خویشاوند است که تحت ریاست شیخ قبیله به سر می برند و ابتدائی ترین صورت اجتماعی را به وجود می آورند. زندگی آن روز عرب به همین منوال بود. افراد هر قبیله، گرد هم جمع شده و اجتماع کوچکی را تشکیل داده بودند. همه از رئیس قبیله فرمان می بردند، چیزی که آنها را به هم مرتبط ساخته بود همان رابطه قومیت و پیوند قبیله ای بود. این قبائل، از هر لحاظ از هم جدا بودند، آداب و رسوم آنها هم با هم تفاوت داشت. چون تمام اقوام و قبائل دیگر اصولاً بیگانه به شمار می رفتند.

هیچگونه حقوق و احترامی نسبت به قبائل دیگر قائل نبودند. غارت اموال و کشتن افراد و دزدیدن و ربودن زنان قبائل دیگر را، جزء حقوق قانونی خود می دانستند. مگر اینکه با قبیله یا قبائلی، پیمانی داشته باشند. از طرفی، هر قبیله ای که مورد تجاوز قرار می گرفت، به خود حق می داد تمام افراد قبیله متجاوز را از دم شمشیر بگذارند. زیرا آنان معتقد بودند که خون را جز خون نمی شوید.

«عرب، با قبول اسلام، از حکومت قبیله ای به حکومت جهانی قدم گذاشت.» پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم)، توانست از قبائل پراکنده عرب امتی بزرگ تشکیل بدهد. (1) شکی نیست که تألیف امتی واحد، از قبائلی که در تاریخ به

ص: 22

1- اگرچه شیاطین قوم از هیچ تلاشی برای نابودی این جامعه آرمانی نبوی فروگذار نکردند.

نزاع و تخاصم و حمله و هجوم بر یکدیگر عادت کرده بودند، و خون همدیگر را می ریختند؛ در مدتی اندک، کاری بس بزرگ و معجزه اجتماعی بی نظیری بوده و هست. زیرا چنین تحوّل عظیم، اگر نتیجه سلسله تحولات و تطورات عادی بود، نیاز به تربیت طولانی و وسانلی بی شمار داشت.

«توماس کارلایل» می گوید: «خداوند، عرب را به وسیله اسلام، از تاریکیها به سوی روشناییها هدایت فرمود. از ملت خموش و راکدی که نه صدایی از آن در می آمد و نه حرکتی از آن محسوس بود، ملتی پدیدآورد که قرآن مجید درباره آنان می فرماید:

(.. وَ كُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا..) (1)

«ای جمعیت عرب قبل از اسلام، بر لب پرتگاه آتش بودید، خداوند متعال، به وسیله پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) شما را نجات داد»

«موسیورنان» یکی از مورخان نامی غرب در تاریخ خود می نویسد: تا زمان این حادثه حیرت انگیز (اسلام) که ناگهان نژاد عرب را در لباس جهانگیری و خلاق به ما نشان داد، هیچ يك از قسمت‌های حجاز، نه جزء تاریخ متمدن دنیا شمرده می شد و نه از حیث علم یا مذهب نشانی از آن بود. (2)

مردم حجاز را مردم «امّی» می خواندند به معنی درس نخوانده و برای شناخت میزان علم آن دیار تا قبل از ظهور اسلام، باید گفت فقط هفده نفر توانایی خواندن و نوشتن داشتند. (3)

ص: 23

1- سوره مبارکه آل عمران آیه شریفه 103

2- تمدن اسلام و عرب 87

3- فتوح البلدان ابوالحسن بلاذری 457 و 459

با توجه به این مطالب فشرده درباره مردم حجاز، عظمت تعالیم اسلام در جمیع شئون اعم از اعتقادی، اقتصادی، اخلاقی و فرهنگی نمایان می‌گردد که با در نظر گرفتن تمامی زوایای منحنی اخلاقی و مسائل دیگر که در نهایت تاریکی و شقاوت، اعراب را در خود غرق کرده بود، مبدل ساختن چنین جنگلی با انواع حیوانات درنده به بهشتی دلپذیر، خود از معجزات بزرگ وجود گرامی رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) است که در اثبات حقانیت دین پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نقش بسزائی ایفاء می‌کند.

خلقت نوری حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)

با توجه اجمالی به فرهنگ عمومی اعراب قبل از اسلام درمی‌یابیم مردمانی که با خوی درندگی و باورهای خرافی در تمامی ابعاد و جهات در اوج ظلمت، تباهی، ناباوری و ناامیدی کامل زندگی میکردند، در این هنگام ناگهان خورشید عنایت الهی بر آسمان تیره و تارشان نور افکند به گونه ای که نه تنها خاک حجاز بلکه تمامی کره زمین را تحت پوشش نورانیت خود قرار داد. در روایتی فرمودند:

«لما خلق الله محمداً (صلی الله علیه و آله و سلم) سراجاً اشرف نور حتی ملا العمق الا کبر یعنی به عالم الامکان» (1)

هنگامی که خدای متعال حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) را به صورت چراغی روشن آفرید نورش تابید تا این که نور مقدسش جمیع عالم امکان را فرا گرفت.

ص: 24

نوری در کالبد بشر، هنگام طلوع فجر هفدهم ربیع الاول برای نجات خلایق درخشید. چنانکه حامل این نور عظیم؛ حضرت آمنه (علیها السلام)، نحوه تولد هدیه الهی را اینگونه بیان می فرماید:

«إِنَّ ابْنِي وَاللَّهِ سَقَطَ فَأَتَقَى الْأَرْضَ بِيَدَيْهِ ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ إِلَى السَّمَاءِ فَنَظَرَ إِلَيْهَا ثُمَّ خَرَجَ مِنِّي نُورٌ أَضَاءَ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ ۖ وَسَجِعْتُ فِي الصُّوَّةِ فَأَيُّهَا يَقُولُ إِنَّكَ قَدْ وُلِدْتَ سَيِّدَ النَّاسِ فَسَمِّهِ مُحَمَّدًا (صلى الله عليه وآله وسلم)» (1)

به خدا قسم، فرزندم همین که متولد شد، دستها را بر زمین گذاشت و سر به سوی آسمان برداشت و نگاهی کرد، آنگاه نوری از وجود مقدس کودکم ساطع گردید که همه جا را روشن نمود و در میان آن روشنایی صدای گوینده ای را شنیدم که گفت: همانا فرزندی به دنیا آوردی که سرور همه خلایق است، نام او را محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) بگذار...

حضرت امام صادق (علیه السلام) در مورد پیدایش این نور الهی میفرماید:

همانا خدای متعال بود و هیچ پدیده ای وجود نداشت و سپس نور الانوار را آفرید.

«... وَهُوَ النُّورُ الَّذِي خَلَقَ مِنْهُ مُحَمَّدًا (صلى الله عليه وآله وسلم) وَعَلِيًّا (عليه السلام) فَلَمْ يَزَلَا نُورَيْنِ أَوَّلَيْنِ إِذْ لَا شَيْءَ كُؤْنَ قَبْلَهُمَا فَلَمْ يَزَلَا يَجْرِيَانِ طَاهِرَيْنِ مُطَهَّرَيْنِ فِي الْأَصْلَابِ الطَّاهِرَةِ حَتَّى افْتَرَقَا فِي أَطْهَرِ طَاهِرَيْنِ فِي عَبْدِ اللَّهِ وَ أَبِي طَالِبٍ (عليهما السلام)» (2)

ص: 25

-
- 1- الأمالی (للصدوق) 286 - البرهان فی تفسیر القرآن 3/335 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 15/258 - تفسیر نور الثقلین 3/6...
 - 2- الکافی (ط - الإسلامیة) 1/442؛ (ط - دارالحديث) 2/442 - مشارق أنوار الیقین فی أسرار أمير المؤمنین (علیه السلام) 60 - الوافی 3/681 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول 5/195 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 15/24؛ 54/197

آن همان نوری است که محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و علی (علیه السلام) را از آن آفرید، پس حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و حضرت علی (علیه السلام) پیوسته دو نور تابنده نخستین بودند؛ زیرا پیش از آنها چیزی بوجود نیامده بود. آن دو بزرگوار همواره پاک در صلبهای پاک بودند تا اینکه در پاکترین آنها یعنی در صلب عبدالله (علیه السلام) و ابوطالب (علیه السلام) از هم جدا گشتند.

آن نور الانوار، نشانه و علامت خدای یگانه بود که برای نجات بندگانش به صفات و اسمایش ظاهر شده بود.

«..یا محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) أَنْتَ عَبْدِي وَأَنَا رَبُّكَ فَإِيَايَ فَأَعْبُدْ وَعَلَى فَتَوَكَّلْ فَإِنَّكَ نُورِي فِي عِبَادِي وَرَسُولِي إِلَى خَلْقِي..» (1)

ای محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)! تو بنده من هستی و من پروردگار تو، پس مرا عبادت کن و بر من توکل کن پس همانا تو نور من در میان بندگان من هستی و رسول من به سوی مخلوقاتم می باشی.

ذات باری تعالی، وجود مبارک رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) را نمونه عینی نور خود در میان بندگان معرفی می فرماید. این نور مقدس محو کننده تمامی ظلمتها بود؛ زیرا که از نور خاصه حضرت باری تعالی خلق گشته بود:

«..إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ مُحَمَّدًا (صلی الله علیه و آله و سلم) وَعَلِيًّا (علیه السلام) وَالْأَيُّمَةَ الْأَحَدَ عَشَرَ (عليهم السلام) مِنْ نُورٍ

ص: 26

1- عيون أخبار الرضا (عليه السلام) 1/264 - كمال الدين و تمام النعمة 1/256 - علل الشرائع 1/6 - إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات 2/54 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 18/346؛ 26/337؛ 52/312 - تفسير نور الثقلين 3/125 - تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب 7/341؛ 14/531 - إلزام الناصب في إثبات الحجة الغائب (عجل الله تعالى فرجه الشريف) 2/243

همانا خدای متعال محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و علی (علیه السلام) و یازده امام معصوم (علیهم السلام) را از نور عظمت خویش آفرید.

وجود مقدسش جلوه ای تمام و کمال از رحمانیت و مهر خداوندی بود که در حال ناامیدی و ظلمت فراگرفته در سراسر عالم، با درخشش خویش، صفات فعل خدایی را با خود برای جمیع کائنات به ارمغان آورد. خدای تعالی به تمامیت رحمت به وسیله این نور در وجود مقدسش، در سراسر گیتی به صفات فعل، تجلی فرمود و به تمامی مخلوقات آسمانها و زمین، به زبان حال اعلام شد:

«هر کسی خواست من خدا را ببیند، پس بنگرد به چهره زیبا و دلربای حبیب محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) «وجه الله» و هرگاه خواستید چشم «عین الله» و دست «یدالله» و گوش «اذن الله» و قدرت «قدرت الله» و علم «علم الله» و...؛ ببینید پس بنگرید وجه ملکوتی، علم و قدرت خدایی او را که اوست ظاهر کننده علم، قدرت، رأفت و مهر من و بخوانید وجود مقدسش را به رحمة للعالمین که لباس خلیفة اللهی و سلطنت حقہ الهیه در ملک و ملکوت از آن اوست و خود مربی او گشته ام»

چنانکه وجود گرامی و مقدس رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

«أَنَا أَدِيبُ اللَّهِ وَ عَلِيٌّ أَدِيبِي...» (2)

ص: 27

-
- 1- الکافی (ط - دارالحديث) 2/692 - العدد القوية لدفع المخاوف اليومية 71 - إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات 2/88 - الإنصاف في النص على الأئمة الإثني عشر (عليهم السلام) 92 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 15/23؛ 25/15
- 2- مكارم الأخلاق 17 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 16/231 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 7/32

من تربیت شده پروردگارم و علی (علیه السلام) تربیت شده من است..

این چنین نور اعظم الهی بصورت نوزادی در هستی تجلی نمود تا تاریکی ها به برکت وجود مقدسش مبدل به روشنایی گردد و هر کس که طالب نجات و آرامش است، در شعاع نور مبارکش قرار بگیرد. در این باره حضرت امام صادق (علیه السلام) به نقل از پدرانش، از جد بزرگوارش حضرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«خُلِقْتُ مِنْ نُورِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ خَلَقَ أَهْلَ بَيْتِي مِنْ نُورِي وَ خَلَقَ مُجِيبِيهِمْ مِنْ نُورِهِمْ» (1)

من از نور خداوند متعال آفریده شدم، و اهل بیتم از نور من آفریده شده اند، و دوستان ایشان از نور آنها آفریده گشتند.

از برکت نزول این نور، صبح ولادت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) همه بتها در هر کجا بودند، رو بر زمین افتادند و چهارده کنگره ایوان کسری در هم ریخت و دریاچه ساوه، خشکیده و در وادی سماوه آب جاری گردید و آتشکده فارس که هزار سال خاموش نشده بود خاموش گشت و هنگامی که شب فرا رسید صدایی از آسمان شنیده شد که می فرمود (2):

(..جاء الحقُّ وَ زَهَقَ الباطلُ إِنَّ الباطلَ كانَ زَهُوقاً) (3)

«حق آمد و باطل نابود شد و همانا باطل نابود شدنی است»

ص: 28

1- بحار الأنوار (ط - بیروت) 15/20

2- القطرة 1/129 - امالی صدوق 36 - تفسیر برهان 2/189

3- سورة مبارکه اسراء آیه شریفه 81

نور مقدس با عقل (الهی و ملکوتی) ممزوج گشت و در کالبدی پاکیزه قرار گرفت. حضرت امام صادق (علیه السلام) در اینکه این ظرف (پیکر شریف) چگونه ظرفی است تا جایگاه آن نور مقدس گردیده و جایگاه آن عقل کامل را داشته باشد، می فرماید:

«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) إِذَا رُئِيَ فِي اللَّيْلِ الظَّلْمَاءِ رُئِيَ لَهُ نُورٌ كَأَنَّهُ شِقَّةُ قَمَرٍ» (1)

هنگامی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در شب تاریک دیده می شد اطراف چهره اش هاله ای از نور مشاهده می شد که گویا پاره ای از ماه است.

درباره این نور مقدس که با عقل در پیکر پاک حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) ممزوج شده بود، نقل است که فرمودند:

«..أَقْبِلْ فَأَقْبَلَ ثُمَّ قَالَ لَهُ أَدْبِرْ فَأَدْبَرَ ثُمَّ قَالَ لَهُ وَعِزَّتِي وَجَلَالِي مَا خَلَقْتُ خَلْقًا هُوَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْكَ...» (2)

خداوند عقل را آفرید سپس به او فرمود: روی آور پس رو کرد، بعد به او فرمود: روی بگردان پس روی گرداند، آنگاه فرمود: موجودی را نیافریدم که نزد من از تو محبوب تر باشد...

خداوند متعال در مورد عقل می فرماید:

«من نود و نه جزء آن (عقل) را به وجود نازنین حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) بخشیدم و یک جزء باقیمانده را بین مردم تقسیم کردم»

ص: 29

1- الكافي (ط - الإسلامية) 1/446؛ (ط - دارالحدیث) 2/456 - مكارم الأخلاق 24 - الوافي 3/704 - إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات 1/244 - هداية الأمة إلى أحكام الأئمة (عليهم السلام) 1/13 - مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم) 5/232 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 16/190؛ 16/237

2- تحف العقول 15 - وسائل الشيعة 1/41 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 1/117 - المحاسن 1/192 - الكافي (ط - الإسلامية) 1/10؛ (ط - دارالحدیث) 1/24

از هیبت و جلال او خاصان درگاه الهی در برابر نام مبارکش سر خضوع و تعظیم پیش می آورند تا چه رسد به اینکه به حضور انورش شرفیاب شوند. در اکرام و تعظیم نام مقدسش، نقل است از جناب ابی هارون از اصحاب حضرت امام صادق (علیه السلام) که:

«وجود گرامیشان (یعنی حضرت امام صادق (علیه السلام)) وقتی نام حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) را می شنید بعنوان تعظیم با صورت به طرف زمین رو می کردند و می فرمودند: محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) به حدی که نزدیک بود گونه مبارکشان به زمین برسد»

هزار مرتبه شستن دهان به مشک و گلاب *** هنوز نام تو بردن کمال بی ادبیست

و در ملکوت اعلاى الهی نیز به صفات حمیده و منزلتی بس رفیع و جلالتی بی نظیر ستوده گشته که در زیارتشان عرض می نمایم:

«..و الْمَطَاعَ فِي مَلَكُوتِهِ الْأَحْمَدَ مِنَ الْأَوْصَافِ الْمُحَمَّدَ...» (1)

..و پیروی شده در ملکوتش، پیامبر ستوده تر در صفات، و پسندیده بر دیگر اشراف..

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) درباره ائمه اطهار (علیهم السلام) مطلبی فرمودند که از آن، جایگاه اسوه یگانه خلقت (حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)) مشخص می شود:

«..الَّذِينَ قَرَنَهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِنَفْسِهِ وَ نَبِيِّهِ...» (2)

..همانهایی که خدای عز و جل، ایشان را قرین به نفس خویش و پیامبر

ص: 30

1- بحار الانوار 97/184

2- الکافی (ط - الإسلامية) 2/415؛ (ط - دارالحديث) 4/198 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم)

نام پیامبرش (صلی الله علیه و آله و سلم) را با نام خود قرین ساخته و نفس ائمه اطهار (علیهم السلام) را نیز به خود و نبی اش. با این جلالت و عظمت وصف ناپذیر، حق تعالی وجود مقدس چنین گوهر گرانبهایی را غرق در دریاهاى کرامت و بزرگی نموده است. در زیارتش عرض می کنیم:

«..الَّذِي عَمَسَتْهُ فِي بَحْرِ الْفَضِيلَةِ لِلْمَنْزِلَةِ الْجَلِيلَةِ وَ الدَّرَجَةِ الرَّفِيعَةِ وَ الْمَرْتَبَةِ الْخَطِيرَةِ..» (1)

خدایا! او را فرودی در دریای فضیلت و منزلت بلند و درجات بسیار بالا.

جناب مجلسی (رحمة الله) در بحار الانوار درباره این غواص اقیانوس بیکران انوار الهی می نویسد: از حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) روایت شده که حضرتش فرمودند:

«خداوند متعال بود و چیزی با او نبود، سپس نخستین چیزی که آفرید نور حبیب محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) بود و این امر چهارصد و بیست و چهار هزار سال پیش از آفرینش آب، عرش، کرسی، آسمان ها، زمین، لوح، قلم، بهشت، دوزخ، فرشتگان، حضرت آدم و حوا بود. هنگامی که خداوند متعال نور پاک پیامبر ما حضرت محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله و سلم) را آفرید، آن نور پاک هزار سال در پیشگاه خداوند احدیت، تسبیح الهی می گفت و حمد و ستایش خدا را می نمود. خداوند متعال نیز به او نظر رحمت می کرد و می فرمود:

ص: 31

1- إقبال الأعمال (ط - القديمة) 2/606 - الإقبال بالأعمال الحسنة (ط - الحديثة) 3/126 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 97/185 - زاد

«يَا عَبْدِي أَنْتَ الْمُرَادُ وَأَنَا الْمُرِيدُ وَأَنْتَ خَيْرَتِي مِنْ خَلْقِي فَوَعِزَّتِي وَجَلَالِي لَوْلَاكَ مَا خَلَقْتُ الْأَفْلَاكَ وَلَا الدُّنْيَا وَلَا الْأَرْضَ فَمَنْ أَحَبَّكَ أَحَبَّنِي وَمَنْ أَبْغَضَكَ أَبْغَضَنِي..» (1)

ای بنده من! تو مراد و من مرید هستی، تویی برگزیده من از میان مخلوقاتم. به عزت و جلال سوگند اگر تو نبودی افلاک را نمی آفریدم. هر که تو را دوست بدارد، او را دوست می دارم و هر که تو را مبغوض بدارد، او را مبغوض می دارم.»

آنگاه نور پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) درخشید و شعاع پرتوش بالا کشید، خداوند متعال از آن نور، دوازده حجاب آفرید. نخست؛ حجاب قدرت، سپس حجاب عظمت، حجاب عزت، حجاب هیبت، حجاب جبروت، حجاب رحمت، حجاب نبوت، حجاب کبریاء، حجاب منزلت، حجاب رفعت، حجاب سعادت، حجاب شفاعت و کرامت.

آنگاه خدای متعال دستور داد تا نور رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) وارد حجاب قدرت شود، نور حضرتش وارد شد در حالی که می گفت:

«سبحان العلی الأعلى»: پاک و منزّه است خدای بلند مرتبه.

آنگاه دوازده هزار سال در آنجا ماند. سپس خدای متعال دستور داد تا وارد حجاب عظمت گردد. نور حضرتش در حالی که می گفت:

«سبحان عالم السرّ و أخفی»: پاک و منزّه است خدای آگاه از راز و نهان.

وارد آن حجاب گردید و یازده هزار سال در آنجا ماند. سپس وارد حجاب

ص: 32

عزّت شد در حالی که می گفت:

«سبحان الملك المتّان»: پاك و منزّه است پادشاه بخشنده.

و ده هزار سال در آنجا ماند. آنگاه وارد حجاب هیبت شد در حالی که می گفت:

«سبحان من هو غنی لا یفتقر»: پاك و منزّه است خدای بی نیازی که هرگز نیازمند نگردد.

و نه هزار سال در آنجا ماند. آنگاه وارد حجاب جبروت شد در حالی که می گفت:

«سبحان الکریم الأکرم»: پاك و منزّه است خدای کریم و بزرگواری.

و هشت هزار سال در آنجا ماند. سپس وارد حجاب رحمت شد در حالی که می گفت:

«سبحان ربّ العرش العظیم»: پاك و منزّه است پروردگار عرش عظیم. و هفت هزار سال در آنجا ماند.

آنگاه وارد حجاب نبوت شد در حالی که می گفت:

«سبحان ربّك ربّ العزّ عمّا یصفون»: پاك و منزّه است پروردگار تو، پروردگار عزّت، از آنچه وصف کنندگان وصف نمایند.

و شش هزار سال در آنجا ماند. آنگاه وارد حجاب کبریایی شد در حالی که می گفت:

«سبحان العظیم الأعظم»: پاك و منزّه است خدای عظیم و بزرگتر.

و پنج هزار سال در آنجا ماند. آنگاه وارد حجاب منزلت شد در حالی که می گفت:

«سبحان العليم الكريم»: پاك و منزه است خدای دانا و كريم.

و چهار هزار سال در آنجا ماند. آنگاه وارد حجاب رفعت شد در حالی که می گفت:

«سبحان ذی الملك و الملكوت»: پاك و منزه است خدایی که صاحب ملك و ملكوت است.

و سه هزار سال در آنجا ماند. آنگاه وارد حجاب سعادت شد در حالی که می گفت:

«سبحان من یزیل الأشیاء و لایزول»: پاك و منزه است خدایی که همه چیز را از بین می برد بی آنکه خودش زایل گردد.

و دو هزار سال در آنجا ماند. آنگاه وارد حجاب شفاعت شد در حالی که می گفت:

«سبحان الله و بحمده، سبحان الله العظيم»: پاك و منزه است خدا و به حمد و ستایش او گویا هستم، پاك و منزه است خدای عظیم.

و هزار سال در آنجا ماند. امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می فرمایند:

«آنگاه خداوند متعال از نور حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) بیست دریای نور آفرید که در هر دریا علومی بود که جز خدای

متعال هیچ کس از آن آگاهی ندارد. سپس خدای متعال به نور حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

وارد دریای عزّت شو، پس وارد شد.

آنگاه فرمود:

وارد دریای صبر شو، پس وارد شد.

ص: 34

وارد دریای خضوع شو، وارد دریای تواضع، وارد دریای رضایت و خشنودی، دریای وفا، دریای حلم و بردباری، دریای تقوا و پاکدامنی، دریای ترس و خشیت (الهی)، دریای توبه و انابه، دریای عمل، دریای مزید و فزونی، دریای هدایت، دریای صیانت، دریای حیاء، تا سرانجام وارد بیست دریا گردید.

هنگامی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) از آخرین دریا بیرون آمد، خدای متعال فرمود:

ای حبیب من! و ای سرور پیامبرانم! و ای نخستین آفریده هایم! و ای آخرین پیامبرانم! تو شفیع روز محشر هستی.

در این موقع، نور رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به سجده افتاد، وقتی برخاست قطراتی به تعداد یکصد و بیست و چهار هزار از بدن مبارکش بر زمین چکید؛ خدای متعال از هر قطره از نور حضرتش، پیامبری آفرید.

هنگامی که خلقت انوار کامل گردیدند، آنان گرد نور حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) طواف می نمودند، همانگونه که حاجیان دور خانه خدا در مسجد الحرام طواف می کنند، آنان خدای را تسبیح نموده و به حمد و ستایش حضرت باری تعالی مشغول شده و می گفتند:

«..سُبْحَانَ مَنْ هُوَ عَالِمٌ لَا يَجْهَلُ سُبْحَانَ مَنْ هُوَ حَلِيمٌ لَا يَعْجَلُ سُبْحَانَ مَنْ هُوَ غَنِيٌّ لَا يَفْتَقِرُ..» (1)

پاك و منزه است آنکه داناست و هرگز نادانی ندارد، پاك و منزه است آنکه بردبار است و هرگز شتاب ندارد، پاك و منزه است آنکه بی نیاز

ص: 35

است و هرگز نیاز ندارد.

در این هنگام خدای متعال آنها را مورد خطاب قرار داده و فرمود: «آیا می شناسید من کیستم؟»

نور مقدس حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) از انوار دیگر پیشی گرفته و گفت:

«..أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ رَبُّ الْأَرْبَابِ وَمَلِكُ الْمُلُوكِ..» (1)

تویی خدایی که معبودی جز تو نیست، یگانه ای که شریک نداری، پروردگار ارباب و پادشاه ملوکی.

در این هنگام از جانب حضرت حق ندا آمد: «تو برگزیده من، حیب من و بهترین مخلوقاتم هستی، امت تو بهترین امت از میان مردمان است.»

آنگاه خدای متعال از نور حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) گوهری آفرید و آن را به دو بخش تقسیم نمود. پس با دیده هیبت به بخش نخست نگریست و آن، آب گوارای شیرین گشت و با دیده شفقت و مهربانی به بخش دوم نگریست و از آن، عرش را آفرید و آن بر روی آب استوار شد. و از نور عرش کرسی را آفرید و از نور کرسی، لوح را آفرید و از نور لوح، قلم را آفرید و به قلم فرمود: توحید و یگانگی مرا بنویس.

قلم از این کلام خدای متعال هزار سال بی هوش گشت، چون به هوش آمد، فرمود: بنویس. عرض کرد چه بنویسم؟ فرمود:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلَيَّ وَ لِي اللَّهُ»

ص: 36

معبودی جز خدا نیست، محمد پیامبر خداست، علی ولی خداست.

همین که قلم نام مبارک حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) را شنید به سجده افتاد و گفت:

«سُبْحَانَ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ سُبْحَانَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ الْجَبَّارِ...» (1)

پاك و منزه است آنكه يگانه و قهار است، پاك و منزه است آنكه عظيم و بزرگتر است.

سپس سر از سجده برداشت و نوشت:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلِيٌّ وَلِيُّ اللَّهِ»

آنگاه گفت: پروردگار! محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) چه کسی است که نامش را به نامت و یادش را به یادت قرین کرده ای؟

خدای متعال فرمود:

«... يَا قَلَمُ فَلَوْلَاهُ مَا خَلَقْتُكَ وَلَا خَلَقْتُ خَلْقِي إِلَّا لِأَجَلِهِ فَهُوَ بَشِيرٌ وَنَذِيرٌ وَسِرَاجٌ مُنِيرٌ وَشَفِيعٌ وَحَبِيبٌ فَعِنْدَ ذَلِكَ انشَقَّ الْقَلَمُ مِنْ حَلَاوَةِ ذِكْرِ مُحَمَّدٍ (صلی الله علیه و آله و سلم)...» (2)

ای قلم! اگر او نبود، تو را نمی آفریدم و مخلوقاتم را نیافریدم جز به خاطر او، او مژده دهنده، ترساننده، چراغ درخشان، شفیع و حبیب است. در این موقع بود که قلم از شیرینی یاد محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) شکفته گردید و گفت:

سلام بر تو ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)!

خدای متعال فرمود:

سلام و رحمت و برکات من بر تو باد. آنگاه خدای متعال فرمود: قضا و

ص: 37

1- الأنوار فی مولد النبی (صلی الله علیه و آله و سلم) (علیهما السلام) - بحار الأنوار (ط - بیروت) 15/29؛ 54/200 منهاج البراعة فی

شرح نهج البلاغة (خوئی) 1/387

2- بحار الأنوار (ط - بیروت) 15/29؛ 54/201 - منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة (خوئی) 1/387

قدر مرا و آنچه من تا روز قیامت می آفرینم بنویس. سپس خدای متعال فرشتگانی را آفرید که بر محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و آل محمد (علیهم السلام)، تا روز قیامت صلوات فرستاده و برای امتش طلب آمرزش نمایند. آنگاه خدای متعال از نور حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) بهشت را آفرید و آن را با چهار چیز تزیین نمود: تعظیم، جلالت، سخاوت و امانت.

و آن را برای اولیاء و اطاعت کنندگانش قرار داد، سپس به باقی مانده آن گوهر با دیده هیبت نگریست. [تا آخر حدیث...]

در کتاب شریف کافی آمده حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«همانا خدای متعال بود و هیچ پدیده ای نبود، سپس پدیده و مکان را آفرید و نور الانوار را آفرید که همه نورها، از آن نور گرفت و از نور خود که همه نورها از آن نور یافته در آن (نور الانوار) جاری نمود»

این گونه این نور در لباس بشری رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) جای گرفت و رحمت و برکتی گشت برای جمیع کائنات. بدینسان با ظهور چنین نوری و رحمت و وسعه خداوند به جمیع مخلوقات؛ تماماً عطا گردید چنانکه حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در این باره فرمودند:

«...ثُمَّ بَعَثَ مُحَمَّدًا (صلی الله علیه و آله و سلم) رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ وَ تَمَّمَ بِهِ نِعْمَتَهُ...» (1)

خداوند محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) را برانگیخت تا رحمتی برای جهانیان باشد و به وسیله او نعمت خود را تمام کند.

ص: 38

1- الغيبة (للطوسی) 288 - الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی) 2/468؛ 4/288 - نوادر الأخبار فیما يتعلق بأصول الدین (للفیض) 237 - إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات 2/127 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 53/194 - ریاض الأبرار فی مناقب الأئمة الأطهار (علیهم السلام) 2/486

و این نور مقدس (حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)) از طرف پروردگارش ماموریت یافت تا به تمامی خلائق، فضایل و کرامتی که سراسرش مهر، رحمت، صفا، آرامش و... بود برساند چنانچه وجود گرامیش فرمودند:

«إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (1)

برای کامل کردن فضایل اخلاقی برانگیخته شده ام.

تا این که تمامی بشریت پیاموند رشد و چگونه زیستن را. چنانکه قرآن شریف نیز بر این مطلب اشاره دارد:

«لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ..» (2)

«قطعاً برای شما در (اقتدا) به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) سرمشقی نیکوست»

وجود نورانی و ملکوتی حضرتش را لباس بشریت پوشانیدند، تا بندگان

ص: 39

1- مکارم الأخلاق 8 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 16/210؛ 68/382؛ 108/222 - تفسیر نور الثقلین 5/392 - مستدرک الوسائل و

مستنبط المسائل 11/187

2- سوره مبارکه احزاب آیه شریفه 21- مولف گرامی القطرة گوید: اینکه می فرماید «در آن زمان، هیچ پدیده ای نبود»، یعنی چیزی از ممکنات خلق نشده بوده، گویا «کان» - همانند قیل و قال - مصدر به معنی کائن است. و شاید مراد از «نور الانوار» نخستین، همان نور پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می باشد، زیرا که اوست که ارواح خلائق را با علوم، کمالات، هدایات و معارف، نورانی و روشن نمود، بلکه هموست که سبب پیدایش موجودات و علت غایی آنهاست. و اینکه می فرماید: «در آن جاری نمود» یعنی در «نور الانوار». و منظور از اینکه می فرماید «از نور خود، که همه نورها از آن نور یافته» یعنی: از نور ذات خدای سبحان که از افاضات و هدایای اوست که همه انوار حتی نور الانوار مزبور نیز از آن، نور یافته است. و منظور از اینکه می فرماید: «از آن نور» همان «نور الانوار نخستین» است. و منظور از اینکه می فرماید: «زیرا پیش از آنها چیزی به وجود نیامده بود» یعنی پیش از نور آنها، همانهایی که از آن آفریده شدند یا اینکه این نور نخست از ذوات ارواح آفرید و منظور از «پاک و پاکیزه» بودن آنها در زمان خودشان است. و قطره ای از رحمت بی کران اقیانوس محمدی (صلی الله علیه و آله و سلم) بوده که هنگام مفارقت روح از بدن نقل است که: جناب عزرائیل شروع کرد به گرفتن جان از نوك انگشت پا به سوی زانوی پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)، در این حال رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: صبر کن، آیا جان امتم را همین طور می گیری؟ عرض کرد نه یا رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) من با شما با احتیاط و مدارا رفتار میکنم. آنگاه پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) رحمه للعالمین فرمودند: برادرم عزرائیل من حاضر من سختیها را تحمل کنم اما تو با امتم (محبین امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)) مدارا کنی.

گمگشته در بیابانهای جهل و نادانی، و غرق شدگان در رذایل و پستی، و بیماران روحی (حقارت، عقده، تکبر، حسادت و...) را که در چنگال رذایل محکوم به نابودی شده اند، نجات بخشد. اوست (حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)) طبیعی آسمانی برای درمان همه دردهای مخلوقات و چه طبیب بی نظیری، آنهم برای بیماران فراموش شده، چنانکه حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در اوصاف سرورش می فرماید:

«طَبِيبٌ دَوَّارٌ بِطَبِّهِ، قَدْ أَحْكَمَ مَرَاهِمَهُ، وَأَحْمَى مَوَاسِمَهُ، يَضَعُ مِنْ ذَلِكَ حَيْثُ الْحَاجَةُ إِلَيْهِ مِنْ قُلُوبِ عُمَى، وَ آذَانَ صُمَّ، وَالسِّدْنََةَ بُكْمٍ، مُتَّبِعٌ بِدَوَائِهِ مَوَاضِعَ الْغَفْلَةِ وَ مَوَاطِنَ الْحَيْرَةِ» (1)

پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله و سلم) مانند طبیعی سیار است... که با داروهای خویش در جستجوی بیماران فراموش شده و سرگردان است.

داروها و مرهم هایش را به خوبی مهیا ساخته و ابزار (پزشکی) داغ کردن خود را (در هنگام اضطرار به داغ کردن) گذاشته است تا در آنجا که مورد نیاز است قرار دهد.

همانند قلبهای نابینا و کور از درک حقایق و گوشهای کر و زبانهای گنگ. با دارو و درمان خود به جستجوی بیمارانی که دچار غفلت گشته اند و آنان که سرگردان می باشند، در حرکت است.

کسانی که (بیمارانی که) دلهای آنان به نور حکمت روشن نگشته و از

ص: 40

1- نهج البلاغة (للصبيحي صالح) 156 - عيون الحكم و المواعظ (لليثي) 319 - شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد [معتزلي - عامه] 7/183 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 34/240 - رياض الأبرار في مناقب الأئمة الأطهار (عليهم السلام) 2/87 - مكاتيب الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم) 1/190

دانش نفوذ کننده در قلبها بهره مند نشده و برخورد ایشان با دانش و حکمت همانند برخورد چهارپایان با سنگهای سخت است.

وجود مقدسش طبیعی شد برای بیماران مضطر و گرفتار در چنگال جهالت، که با طبابت خویش بیماران فراموش شده (و فراری از درگاه احدیت) را از دام شهوات و خودخواهیها رهانیده و افسار نفس سرکش آنان را به حریم پروردگار بسته. ماموریت اصلی آن نور مقدس، روشن نمودن تاریکیها و بازگشت فراریان به سوی روشنائیها و نیکیها بوده چنانکه نقل است:

عرب بیابانی وارد مدینه شد و یکسره به مسجد آمد تا مگر از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) سیم و زری بگیرد. وی هنگامی وارد شد که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در میان اصحاب و یاران خود بودند. اعرابی حاجت خویش را بیان کرد و عطایی خواست. پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) چیزی به او دادند ولی او قانع نشد و آن را اندک شمرد و زیاده بر آن، سخن درشت و ناهنجاری بر زبان آورد و نسبت به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) جسارت کرد. یاران پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) سخت در خشم شدند و چیزی نمانده بود که آزاری به او برسانند، ولی رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) مانع شدند.

آنگاه رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) اعرابی را با خود به خانه بردند و مقداری دیگر به او کمک کردند. در این حال اعرابی از نزدیک مشاهده کرد که وضع زندگانی پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)، هیچ شباهتی به وضع زندگی امپراطوران و پادشاهان و دیگر فرمانروایان تاریخ ندارد، سیم و زری در زندگی پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) انباشته نشده است. پس از این، اعرابی اظهار رضایت کرد و کلامی تشکر آمیز بر زبان راند. در این هنگام رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

”تو دیروز در مسجد سخن درشت و ناهنجاری نسبت به من بر زبان آوردی

که موجب خشم اصحاب من شد. من می ترسیدم از سوی آنها به تو گزندی برسد، ولی اکنون در خلوت و در حضور من این کلام تشکر آمیز را بر زبان می آوری. آیا ممکن است این کلام را در میان جمعیت اصحاب من و در مسجد تکرار کنی تا خشم و نفرت آنها از تو رفع گردد؟“

اعرابی گفت: مانعی ندارد. روز دیگر اعرابی به مسجد آمد و در حالی که یاران پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) جمع بودند، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) رو به یاران کردند و فرمودند: این مرد اظهار میدارد که از ما راضی شده، آیا چنین است؟ اعرابی گفت: آری چنین است. همان کلام تشکر آمیز را که در خلوت به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) گفته بود، در میان مسجد و در حضور اصحاب پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) تکرار کرد. یاران پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) با شنیدن سخنان اعرابی خشنود و شادمان شدند و...

آنگاه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) خطاب به اصحاب خود فرمودند:

«اگر من دیروز شما را آزاد گذاشته بودم، حتماً این اعرابی را کشته بودید و بیچاره در حال کفر و بت پرستی از دنیا رفته بود ولی من مانع دخالت و خشم شما شدم و در نتیجه او را با نرمی و صبر تسلیم خدا و آیین و مذهبش کردم»

جابر از حضرت امام باقر (علیه السلام) نقل کرده که آن حضرت فرمودند غلامی از یهودیان بود که خدمت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) زیاد مشرف می شد و به قدری نسبت به آن حضرت ابراز محبت کرد که گاهی پیغمبر اکرم او را به خدمت گرفته و او را برای انجام کاری می فرستادند یا به وسیله او نامه خود را می رساندند مدتی محضر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) مشرف نشد. حضرت از حال آن غلام جويا گشتند شخصی که آنجا حاضر بود گفت او را در حالی

دیدم که روزهای آخر عمرش را سپری می کند پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) با گروهی از اصحاب خود به عیادت غلام آمدند و یکی از برکات پیغمبر اکرم این بود که با هیچکس صحبت نمی کردند مگر اینکه آن شخص به زبان می آمد پیغمبر اکرم کنار بستر غلام آمدند و نام او را صدا زدند غلام چشم هایش را گشود و گفت بله یا ابوالقاسم پیغمبر فرمودند بگو که شهادت می دهم به یگانگی خدا و اینکه من رسول او هستم غلام نگاهی به پدرش کرد و چیزی نگفت مرتبه دوم به او فرمودند غلام دوباره نگاهی به پدرش کرد و چیزی نگفت مرتبه سوم و نیز به همین منوال تکرار شد او به پدرش نظر کرد و چیزی نگفت پدرش به او گفت اگر میخواهی بگو که اگر نمی خواهید چیزی نگو اختیار با خودت است غلام گفت شهادت می دهم که نیست خدایی جز خدای یگانه و شهادت می دهم که تو فرستاده او هستی و از دنیا رفت آنگاه رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به پدر غلام فرمودند از پیش ما خارج شد و او را به ما بسپارید و سپس به اصحاب و یاران خویش فرمودند او را غسل دهید و کفن کنید و نزد من بیاورید تا بر او نماز بخوانم آن حضرت از منزل خارج شدند در حالی که می فرمودند سزاوار آن خدایی است که امروز به سبب من یک نفر را از آتش جهنم نجات داد.

انس بن مالک می گوید:

خَدَمْتُ النَّبِيَّ (ص) تِسْعَ سِنِينَ فَمَا أَعْلَمُهُ قَالَ لِي قَطُّ هَلَّا فَعَلْتَ كَذَا وَ كَذَا وَ لَا عَبَّ عَلَيَّ شَيْئاً قَطُّ (1)

من مدت نه سال پیامبر را خدمت کردم و هیچ گاه ندیدم که ایراد گرفته و گفته باشد: چرا چنین نکردی و یا کردی؛ و هرگز از من ایراد نگرفت

ص: 43

با این همه شان و منزلت که شایسته سلطان عالم حضرت خاتم (صلی الله علیه و آله و سلم) بود ولیکن در برابر مردم در نهایت فروتنی زیست می فرمودند:

يا سَلْمَانُ، لا تَصْنَعُ بي ما تَصْنَعُ الْأَعْجِمُ بِمُلُوكِهَا، أَنَا عَبْدٌ مِنْ عِبِيدِ اللَّهِ أَكُلُ مِمَّا يَأْكُلُ الْعَبْدُ، وَأَقْعُدُ كَمَا يَقْعُدُ الْعَبْدُ. (1)

ای سلمان! رفتاری را که عجمها با شهریاران خود می کنند با من نکن. من بنده ای از بندگان خدا هستم و مانند بنده غذا می خورم و مانند بنده نشست و برخاست می کنم.

ص: 44

1- بحار الانوار، ج 76، ص 63.

رأفت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز از نکات برجسته اخلاقی این آیه الله الأعظم است.

در برخی مواقع به ظاهر افراد می نگریست. مثلاً با اینکه منافقان را می شناخت اما بخاطر اینکه به ظاهر اسلام آورده بودند، نه تنها آنها را رسوا نمی ساخت بلکه سعی می نمود همواره با عطف و مهربانی، آنها را اصلاح کند.

در برخی اوقات نیز به باطن افراد می نگریست. مثلاً کسی ایمان قوی تری داشت، نزد وی ارجحیت داشت و کسی که ایمانش کامل نبود یا اشخاص منافق را در جایگاه های خودشان قرار می داد و فضل و برتری هر کس را بر اساس ایمانی که در قلب وی نفوذ کرده قرار می داد.

همه این نگاه ها با امر الهی صورت می گرفت. یعنی هر جا که امر الهی لزوم را در نگاه ظاهری می دید، رفتار بر اساس ظاهر می نمود و هر جا که امر الهی لزوم را در نگاه باطنی و جایگاه حقیقی می دید، به باطن افراد می نگریست. می توان گفت که نگاه بر اساس ظاهر بیشتر برای هدایت و نگاه

باطن بیشتر برای حفظ جایگاه و فضل افراد صورت می گرفت. پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله و سلم) در تفسیر آیه شریفه:

(وَ اصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ) (1)

«خویشتن را به همراهی با کسانی شکبیا ساز که صبح و شام پروردگار خویش را می خوانند...»

نمونه ای از عطوفت پیامبر که به باطن نگریست و ظاهر را رها نمود قضیه بینوایان و اغنیای قریش می باشد:

«کسانی (از قریش) که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از آنان به منظور تمایل یافتن به اسلام دلجویی می کرد (مولفة القلوب) نزد او آمدند... و گفتند: ای پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)! اگر در صدر مجلس بنشین و این بینوایان و بوی گند ایشان را از ما دور کنی... [و آن بینوایان جبهه هایی پشمین و ژنده بر تن داشتند...]. ما در کنار تو خواهیم نشست و به سخنان تو گوش فرا خواهیم داد، هیچ چیز اینان مانع آمدن ما نمی شود، پس چون آیه یاد شده نازل شد، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) برخاست و به جستجوی ایشان (مستضعفان و مستمندان) برآمد و در پایین مسجد به ایشان رسید، که ذکر خدا می کردند. چون آنان را دید فرمود:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَمْتَنِي حَتَّىٰ أَمَرَنِي أَنْ اصْبِرَ نَفْسِي مَعَ رِجَالٍ مِنْ أُمَّتِي...» (2)

«سپاس خدای را که ما از جهان نبرد تا آنکه فرمان داد که خویشتن را به نشستن با مردانی از امت شکبیا سازم (و عادت دهم)، زیستن من با

ص: 46

1- سورة مبارکه كهف آیه شریفه 28

2- تفسیر الصافی 3/241 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 22/44؛ 69/2 - تفسیر نور الثقلین 3/258 - تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب

تمامی معصومین (علیهم السلام) همین روش و شیوه خاضعانه و عادلانه را داشتند. بعنوان نمونه؛ عبدالله بن صلت گوید:.. در سفر حضرت امام رضا (علیه السلام) به خراسان با حضرتش همراه بودم. روزی به دستور امام (علیه السلام) سفره انداخته شد و به دستور حضرتش غلامان سیاه و غیر سیاه همه بر سر سفره طعام دعوت شدند. به امام (علیه السلام) عرضه داشتم: فدایت شوم، آیا بهتر نیست که اینان بر سر سفره ای جداگانه بنشینند؟ فرمودند:

«مَهْ إِنَّ الرَّبَّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَاحِدٌ وَ الْأُمُّ وَاحِدَةٌ وَ الْأَبُّ وَاحِدٌ وَ الْجَزَاءُ بِالْأَعْمَالِ» (1)

خاموش! که پروردگار همه یکی است، و مادر یکی (حضرت حوا)، و پدر یکی (حضرت آدم) و پاداش (امتیاز و برتری) به اعمال است.

تقسیم بیت المال توسط خاتم الانبیاء (صلی الله علیه و آله و سلم)

اما روش پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در مورد تقسیم اموال و بیت المال این بود که در نخستین فرصت مناسب آنرا در میان طبقه مستمند قسمت می نمود و از نگهداری طولانی بیت المال اباء می ورزید و از این نظر، وقتی در بستر بیماری به خاطر آورد که دیناری چند، پیش همسرش دارد، فوراً از او خواست که آنها

ص: 47

1- الکافی (ط - الإسلامية) 8/230؛ (ط - دارالحدیث) 15/525 - الوافی 4/470 - وسائل الشیعة 24/265 - هداية الأمة إلى أحكام الأئمة (علیهم السلام) 8/95 - حلیة الأبرار فی أحوال محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و آله الأطهار (علیهم السلام) 4/473 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم) 26/165 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 49/101 - عصر زندگی 155

را به حضور او بیاورد. وقتی دینارها را در برابر حضرتش گذاردند، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) آنها را در دست گرفتند و فرمودند:

«محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) چه گمانی به خدای متعال دارد؟ اگر خدا را ملاقات کند و اینها پیش او باشد؟ پس دستور دادند که حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) آنها را در میان فقرا تقسیم فرماید» (1)

و این عنایت در صورتی انجام می گرفت که خود، تنگدست و گرسنه بود. حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می فرماید:

«رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فَعَرَفْتُ فِي وَجْهِهِ الْجُوعَ فَاسْتَقَيْتُ لِامْرَأَةٍ مِنَ الْأَنْصَارِ عَشْرَ دَلَاءٍ فَأَخَذْتُ عَشْرَ تَمْرَاتٍ وَ أَسْرَةَ مِنْ كُرَاتٍ فَجَعَلْتُهَا فِي حَبْرِي ثُمَّ أَتَيْتُ بِهَا فَأَطْعَمْتُهَا» (2)

حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) را دیدم و از چهره اش گرسنگی را دریافتم پس آمدم و برای زنی از انصار ده سطل آب بردم و از وی ده دانه خرما و بسته ای تره گرفتم و در دامن خویش قرار دادم و آنگاه نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آوردم و حضرت را اطعام نمودم.

عدالت

عدالت اجتماعی، یکی از آرزوهای جوامع بشری در طول تاریخ بوده و هست و همه کسانی که به گونه ای اداره جامعه را به عهده دارند یا می خواهند آن را به عهده گیرند نیز آن را در دستور کار خود قرار داده، یا وعده تحقق آن

ص: 48

1- کتاب فروغ ابدیت 500 - طبقات کبری (ابن سعد - عامه) 2/238

2- المحاسن 2/511 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 63/201

را به مردم می دهند. بر این اساس، یکی از شعارهای اساسی حاکمان، گروهها و اشخاصی که بنوعی تلاش دارند به حاکمیت سیاسی و اجتماعی برسند، برقراری و اجرای عدالت است. خداوند در قرآن می فرماید:

(لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...) (1)

«به راستی [ما] پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و میزان را فرود آوردیم تا بین مردم عدالت برقرار نمایند...»

از این آیه شریفه میتوان به دو نکته رسید: اول اینکه برپایی عدالت در جامعه، یکی از اهداف ارسال پیامبران، از جمله پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)، است و این، خود، نشان دهنده اهمیت بحث عدالت است که به مثابه یک هدف برای رسالت پیامبران از سوی خداوند متعال مطرح است و از سوی دیگر، به ابزار لازم برای این کار نیز - که همانا کتاب و میزان است - اشاره شده است. بنا بر این، برای برقراری عدالت در جامعه، نیازمند به دو عامل اساسی هستیم:

1. قانون عادلانه؛ 2. مجریان عادل که این قوانین را به صورت عادلانه و به دور از هر گونه تبعیض، در جامعه اجرا نمایند. در این راه، چه قانونی بهتر از قانون قرآن و چه کسی شایسته تر از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه اطهار (علیهم السلام) وجود دارد؟!

در این راستا حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) خطاب به همه کسانی که مدعی برقراری عدالتند فرمودند:

ص: 49

1- سوره مبارکه حدید آیه شریفه 25

«أَوَّلُ مَنْ يَدْخُلُ النَّارَ أَمِيرٌ مُتَسَلِّطٌ لَمْ يَعْدِلْ...» (1)

اولین کسی که به جهنم می رود فرمانروای قدرتمندی است که به عدالت رفتار نمی کند..

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل البیت (علیهم السلام) نسبت به عدالت و حق الناس و دُیون، آن چنان محتاط بودند که حتی حقوق حیوانات را نیز در نظر می گرفتند. حضرت امام سجاد (علیه السلام) سوار بر شتری به حج می رفتند. شتر در رفتن، بیش از معمول کندی می کرد. حضرت امام سجاد (علیه السلام) تازیانه ای چرمین به دست داشتند آن را بالا بردند تا آهسته بر آن شتر بزنند تا شاید کمی تندتر برود ولی نزدند و فرمودند:

«الْتَأْتَتْ عَلَيْهِ نَاقَتُهُ فَرَفَعَ الْقَضِيبَ وَأَشَارَ إِلَيْهَا وَقَالَ لَوْلَا خَوْفُ الْقِصَاصِ لَفَعَلْتُ وَفِي رِوَايَةٍ آهٍ مِنْ الْقِصَاصِ وَرَدَّ يَدَهُ عَنْهَا» (2)

اگر بیم قصاص و حساب و کتاب روز قیامت نبود (می زد). [و در روایتی دیگر فرمودند] آه و افسوس از باز پس دادن قصاص.

مناقضین مانع عدالت گستری

پس از شهادت جانگداز پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله و سلم) پرچم عدل (حکومت) به دست اولین وصیش درآمد. اما دشمنان به ظاهر دوست، از روی کینه و حسادت

ص: 50

1- بحار الأنوار (ط - بیروت) 66/393؛ 69/126؛ 72/341

2- کتاب نسیم هدایت 297 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 46/91 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 18/262 - مناقب آل ابی طالب (علیهم السلام) (ابن شهر آشوب) 4/155 - شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار (علیهم السلام) 3/273

نخواستند عدل در زمین پیاده شود و نتوانستند آنرا در دست حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) ببینند، پس وی را تا جائیکه میشد (بیست و پنج سال) خانه نشین کردند. متأسفانه حتی وقتی به خلافت ظاهری دست یافت نیز او را رها ننموده، پس از سالها اذیت و آزار، و ضرب و شتم همسرش وجود مقدسش را با شمشیر کینه و عداوت، در حال نماز مورد تهاجم قرار دادند. درباره این بی وفایی، ابراهیم قمی در تفسیر خود در ذیل آیه 56 از سوره مبارکه اعراف:

(وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا)

«بعد از اصلاح امور در زمین، [امر الهی را] فاسد نکنید»

طبق روایتی می فرماید:

«..أَصْلَ لِحْهَآ بِرَسُولِ اللّٰهِ (صلی الله علیه و آله و سلم) وَ بِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (علیه السلام) فَأَفْسَدُوا حِينَ تَرَكُوا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (علیه السلام)»

(1)

[خداوند] زمین را به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و امیرالمؤمنین علی (صلی الله علیه و آله و سلم) اصلاح نمود. و مردم زمین را فاسد کردند آنگاه که حضرت امیرالمؤمنین علی (صلی الله علیه و آله و سلم) را ترک گفتند.

حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در راه اجرای عدالت، تلاشهای زیادی نمودند، ولی هزار افسوس که منافقان مانع ایجاد کردند و فاجعه آفریدند. ظلم و بی عدالتی ای که توسط منافقان صدر اسلام بنا نهاده شد، تا امروز جریان دارد. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در رابطه با چنین کج رفتاری می فرمایند:

ص: 51

1- تفسیر القمی 1/236 - تفسیر الصافی 2/206 - البرهان فی تفسیر القرآن 2/559 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 36/148 - تفسیر نور

الثقلین 2/41 - تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب 5/109

«سوگند به خدایی که دانه را شکافت و آدمیان را آفرید، اگر علم را از معدن آن (وجود گرامی حضرت علی (علیه السلام)) اقتباس کرده بودید و خیر را از جایگاه آن خواستار شده بودید و از میان راه به رفتن پرداخته بودید و راه حق را از طریق روشن آن پیموده بودید، راههای شما هموار می گشت و نشانه های هدایتگر پدید می آمد و اسلام شما را فرا می گرفت (یعنی به برکت خورشید ولایت گرما و روشنی و تمامی برکات بر شما نازل می گشت) و به فراوانی غذا می خوردید (هیچ گونه کمی و فقر وجود نداشت و همگان در امور دنیوی کفایت می شدند) و دیگر هیچ عائله مندی بی هزینه نمی ماند و بر هیچ مسلمان و غیر مسلمانی ستم نمی رفت» (1)

به خاطر اجرای عدالتش بود که گروهی دورش را خالی نمودند و در نهایت محاسن شریفش را به خون آغشته کردند. حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) درباره گروهی از مردم مدینه که به معاویه (لعنت الله علیه) پیوستند چنین فرمودند:

«...وَعَلِمُوا أَنَّ النَّاسَ عِنْدَنَا فِي الْحَقِّ أَسْوَةٌ فَهَرَبُوا إِلَى الْأَثَرَةِ فَبُعِدُوا لَهُمْ وَ سَحَقُوا...» (2)

آنان دانستند که مردم نزد ما در حق برابرند، پس به برتری جستن از دیگران و امتیاز بیشتر گرفتن و تبعیض قائل گشتن گراییدند. پس دوری از رحمت خدا بر آنها باد.

از دقت زیاد در اجرای عدالت بین طبقات جامعه، خطاب به یکی از حکام مناطق فرمودند:

ص: 52

1- عصر زندگی 127 - کافی 8/432 - الحیاه 2/493 - الکافی 8/32

2- نهج البلاغه (للصباحی صالح) 461 - خصائص الأئمة (علیهم السلام) (خصائص أمير المؤمنين (علیه السلام)) 113 - شرح نهج البلاغه لابن أبي الحديد [معتزلی - عامه] 18/52 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 33/522 - مکاتیب الأئمة علیهم السلام 1/388؛ 2/121

«...ثُمَّ وَاسِ بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ بِوَجْهِكَ وَ مَنْطِقِكَ وَ مَجْلِسِكَ حَتَّى لَا يَطْمَعَ قَرِينُكَ فِي حَيْفِكَ وَ لَا يَأْسَ عَدُوُّكَ مِنْ عَدْلِكَ..» (1)

سپس در روبرو شدن و سخن گفتن و نشستن (مسلمانان) نزد تو، برابری را مراعات نما تا چنان نباشد که نزدیکان تو در بی عدالتی تو طمع ببندند و دشمن از عدالت تو ناامید.

ص: 53

1- الكافي (ط - الإسلامية) 7/413؛ (ط - دارالحدیث) 14/653 - من لا يحضره الفقيه 3/15 - الوافي 16/909 - وسائل الشيعة 27/212 - الحياة 2/758 - عصر زندگی 159

غدیر زمینہ ساز حکومت مہدویت (عجل اللہ تعالیٰ فرجہ الشریف)

وجود گرامی پیامبر اکرم (صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم) علی رغم موانع فراوانی کہ از ناحیہ منافقین ایجاد شده بود، و تحمل اذیت‌های زیادی، توانستند پایه های حکومت واحد جهانی را پی ریزی نمایند و با رنج‌های زیاد، جاده سعادت و هدایت بشریت را برای حضرت مهدی (عجل اللہ تعالیٰ فرجہ الشریف) هموار سازند و در واقع ظهور و برپا نمودن حکومت عدل جهانی، مرهون زحمات بی شائبہ پیامبر گرامی (صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم) است. همینطور تحمل آزارهای مشرکین. (1)

عصاره زحمات و تلاش‌های بی وقفہ پیامبر گرامی (صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم) با معرفی نمودن مقامات، مراتب معنوی و جلالت شأن حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در غدیر... بلکه آمدن تمامی یازده وصی، در راستای حکومت توحید بود که بدست مبارک مهدی موعود (عجل اللہ تعالیٰ فرجہ الشریف) تحقق خواهد یافت.

حضرت رسول اکرم (صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم) حجت را بر همه این افراد تمام کرده، در عین حالی که اولین وصی خویش را به عنوان مشعل دار هدایت معرفی نمودند، از تبیین باطن و واقع غدیر که تداوم امامت و هدایتگری بود، نیز فروگذار نکردند. خصوصاً اینکه در رابطه با حکومت جهانی و بی نظیر حضرت مهدی (عجل اللہ تعالیٰ فرجہ الشریف) زبان به سخن گشوده، اهمیت آن را ابراز داشتند و به صراحت از آن یاد کردند. حکومت الهی حضرت صاحب الامر مهدی (عجل اللہ تعالیٰ فرجہ الشریف) به عنوان یک اصل برای مردم تمامی اعصار معرفی گردید. حضرت ختمی مرتبت (صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم) برای تثبیت و تبیین

ص: 54

1- نمونه ای از آن رنج‌ها و اذیت‌های کفار، قضیہ دردناک در محاصره قرار دادن پیامبر گرامی (صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم) در دره ای به نام شعب ابی طالب (علیه السلام) است.

«غدیر حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) و ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)» نهایت سعی و تلاش خویش را به کار بستند، تا آنجا که فرمودند:

«بخدا سوگند هر گاه آفتاب را در دست راست من و ماه را در دست چپ من قرار دهند (یعنی سلطنت تمام عالم را در اختیار من بگذارند) که از تبلیغ آیین و هدف خود دست بردارم، محال است که قبول کنم جز این که بر مشکلات پیروز آیم و به مقصد نهایی خود برسم و یا در راه هدف خود جان سپارم» (1)

چرا چنین نباشد جایی که حق تعالی به پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

(..وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ..) (2)

«..و اگر [امر غدیر را] انجام ندهی رسالت الهی را انجام نداده ای..»

در واقع مسأله غدیر اختصاص به روز غدیر و حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) نداشت، بلکه در باطن قضیه، دستور حق تعالی ظاهر نمودن مسأله انتظار و حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بوده. با این فرمان الهی، سنگ بنای رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) برای شناساندن اولین وصی و سوق دادن به سوی آخرین سفیر الهی (حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)) گذارده شد. پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«الْمَهْدِيُّ مِنَّا يَخْتِمُ الدِّينَ بِنَا كَمَا فُتِحَ بِنَا» (3)

مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از ماست همچنان که دین به وسیله من آغاز گردید، همان طور توسط فرزندم مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خاتمه می یابد.

ص: 55

1- سیره ابن هشام ح 1/256/266 - بحار الأنوار 9/143

2- سوره مبارکه مائده آیه شریفه 67

3- إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات 5/256 - نشانه های ظهور او (محمد خادمی شیرازی) 40 - الامام المهدي (عليه السلام) عند

اهل السنه خ ج 2

باری، وجود نورانیش در قالب بشری جا گرفت تا انسانها بتوانند اوامر و نواهی خداوند را از لسان الله (حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)) بشنوند و با فراگیری دستورات و فرامین الهی، جایگاههای خود را در بهشت برای همیشه مشخص نمایند و از جود، کرم و خوان گسترده و جاودانه حق تعالی استفاده نمایند. اساس رسالت مقدسش، رهایی بندگان خدا از ظلمت و پستی؛ و هدایت به سوی نور و آرامش و صفا بود. لذا آنجا که بنا به تقدیر الهی خورشید رسالت غروب می کند، بایستی هدایت بشریت به سوی سعادت و رستگاری، توسط کسانی که توان، لیاقت و شایستگی راهنمایی و هدایتگری را دارند، انجام شود. طبق عقل، نقل خصوصاً وصایای پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله و سلم)، نگهداری چراغ هدایت بدست دوازده وصی که همه يك نور (کلهم نورٌ واحد) و متصل به معدن نور مقدس پیامبرگرامی (صلی الله علیه و آله و سلم) بودند [به امر الهی] داده شد. حکمت و مصلحت الهی برای امتحان مردمان دوره آخرالزمان، در غیبت آخرین وصی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) رقم خورد و محرومیت، سرگردانی، حیرت و تبعات ناشی از پنهان بودن (غیبت) وجود مقدسش عارض مسلمانان گشت. لذا پیغمبر گرامی (صلی الله علیه و آله و سلم) و تمامی یازده وصی بعد از او (علیهم السلام)، به مردم آزمایش بزرگ عصر غیبت وصی دوازدهم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) [آخرین وصی] را تذکر می دادند تا بنیه اعتقادی، ارتباط قلبی و فعالیت برای آماده سازی بستر سلطنت و تشریف فرمایی وجود گرامی بقیه الله را در خود فراهم نمایند. پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله و سلم) برای پرفروغ نمودن خورشید رسالت، خلائق را برای نجات از غرقاب دنیایی به سوی آخرین وصیش امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) توجه می دهند

و می فرمایند:

«..أَلَا إِنَّهُ الْعُرْفُ فِي بَحْرِ عَمِيقٍ..» (1)

آگاه باشید که او (مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)) منجی خلائق در دریای متلاطم زندگیست.

چنانکه رسالت و سیره پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز نجات همه مخلوقات بود. کسی درباره راه و روش حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از حضرت امام صادق (علیه السلام) پرسید، حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند: راه و روش او چون پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است.

«..يَهْدِي مَا كَانَ قَبْلَهُ كَمَا هَدَى رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) أَمْرَ الْجَاهِلِيَّةِ وَيَسْتَأْنِفُ الْإِسْلَامَ جَدِيدًا» (2)

هرچه را پیش از او باشد ویران میکند، چنانکه پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) (نظام) جاهلیت را ویران ساخت و اسلام را از نو می سازد (و تربیت و آموزش می دهد).

حضرت امام باقر (علیه السلام) فرمودند:

ص: 57

1- الإحتجاج على أهل اللجاج (للطبرسي) 1/64 - تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب 4/182

2- الغيبة (للنعماني) 231 - حلية الأبرار في أحوال محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و آله الأطهار (عليهم السلام) 6/321 - مهدی موعود (ترجمه جلد 51 بحار الأنوار) 1123

«..إِذَا خَرَجَ يَقُومُ بِأَمْرِ جَدِيدٍ وَكِتَابٍ جَدِيدٍ وَ سُنَّةٍ جَدِيدَةٍ وَ قَضَاءٍ جَدِيدٍ..» (1)

هنگامی که قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ظهور کند، شیوه های نو و کتاب جدید و روشهای تازه می آورد و در قضاوت روش جدیدی دارد.

حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«إِذَا قَامَ الْقَائِمُ (عجل الله تعالی فرجه الشریف) جَاءَ بِأَمْرِ جَدِيدٍ كَمَا دَعَا رَسُولُ اللَّهِ فِي بَدْءِ الْإِسْلَامِ إِلَى أَمْرِ جَدِيدٍ» (2)

هنگامی که قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ظهور کند، آیین جدیدی با خود می آورد همچنانکه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در آغاز اسلام، مردم را به آیین جدید دعوت می کرد.

اولین شاخصه مهم و موفقیت يك حاکم آنها به صورت حکومت واحد جهانی، «عدالت» و «رفتار عادلانه» با تمامی اقشار جامعه است. چنانکه تمام مرزها، بالا و پایینها، طبقه بندی ثروتمند و فقیر و.. همگی برداشته خواهند شد. حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می فرمایند:

«..فَيَرِيكُمْ كَيْفَ عَدْلُ السَّيِّرَةِ وَيَحْيِي مَيِّتَ الْكِتَابِ وَ السُّنَّةِ» (3)

(حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)) آن وقت عدالت گستری و روش پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در عدالت را به شما نشان خواهد داد و کتاب و سنت که پیش از او مرده اند را زنده خواهد نمود.

این مردن سنت و کتاب نبود مگر به دست منافقین امت (لعنت الله عليهم اجمعين). وجود گرامی حضرت ختمی مرتبت (صلی الله علیه و آله و سلم) از شدت اذیت و آزار دشمنان دوست نما، فرمودند:

«مَا أُوْذِيَ نَبِيٍّ مِثْلَ مَا أُوْذِيَ» (4)

ص: 58

1- الغيبة (للنعماني) 255 - إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات 5/165 - حلية الأبرار في أحوال محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و آله الأطهار (عليهم السلام) 6/320 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 52/231

2- بحار الأنوار (ط - بيروت) 52/338

3- در شرح نهج البلاغه ابن ابی الحديد سنی معتزلی این عبارت اضافه تر آمده است: «الساق الشدة و منه قوله تعالى (يَوْمَ يَكْشَفُ عَنْ سَاقٍ)» - نهج البلاغه (للصبحي صالح) 196 - شرح نهج البلاغه لابن أبي الحديد 9/41 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 31/549؛ 51/130

4- مناقب آل أبي طالب (عليهم السلام) (لابن شهر آشوب) 3/247 - كشف الغمة في معرفة الأئمة (عليهم السلام) (ط - القديمة) 2/537 - الوافي 2/235 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 39/56

هیچ پیامبری همانند من آزار ندید.

با تأسف بسیار، هیچ گونه سپاسی از زحمات طاقت فرسای مولا ایشان به عمل نیاوردند و تمامی کار خیر و برکات که به وسیله قیام پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله و سلم) نازل گشته بود، همه را نادیده گرفتند چنانکه حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرمودند:

«..كَانَ رَسُولُ اللَّهِ مُكْفَرًا لَا يَشْكُرُ مَعْرُوفُهُ..» (1)

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) (نعمتی بود که) کفران می شد. از جهت کارهای نیکی که می کرد سپاسگزاری نمیشد. احسان او شامل همه اعم از عرب و عجم و فریسی بود. چه کسی بیشتر از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به خلق نیکی می کرد؟ ما اهل بیت (علیهم السلام) نیز مورد ناسپاسی هستیم و از جهت نیکبایمان در حق خلق سپاسگزاری نمی شویم. مومنان خوب نیز این گونه اند از کارهای خیرشان قدردانی نمی شود.

نه این که تشکری در کار نبود، بلکه دائماً قلب مطهرش را مالا مال از غم و غصه می نمودند. حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) درباره اندوه پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«..وَتَجَرَّعَ فِيهِ كُلَّ غُصَّةٍ..» (2)

(رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)) در راه خدا هر غصه ای را فرو خورد.

همچنین قلب مطهر مولا صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که تنها وصی باقیمانده او

ص: 59

1- الکافی (ط - الإسلامية) 2/251 - الوافی 5/760 - وسائل الشیعة 16/308 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم) 9/317 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 16/223؛ 64/260؛ 72/42 - تفسیر نور الثقلین 1/384 - تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب 3/205 - نسیم هدایت 153

2- نهج البلاغة (للصباحی صالح) 307 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 18/224؛ 69/176

می باشد از دست طغات عالم و نیز مدعیان دیانت، علی الدوام مالا مال از غم و غصه است. در غیبت وجود مبارکش هر طور دلشان می خواهد؛ با دگرگونیهای فراوان و نوآوریهای بی مورد، در دین تغییر و تحول ایجاد کرده تا اینکه دهها فرقه، که هر کدام مدعی ایمان حقیقی بوده و عبودیت خالص را از آن خود میدانند، سر برآوردند. امام زمان شیعیان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) حقیقت و عملکردهای ناشایست انسانها را می بیند و همانند جد گرامیش (صلی الله علیه و آله و سلم) حسرات و اندوه ها را فرو می خورد. چنانکه خطاب به جد بزرگوارش در زیارت ایشان عرضه می داریم:

«..وَقَدْ أَسْرَّ الْحَسْرَةَ وَأَخْفَى الرَّفْرَةَ وَتَجَرَّعَ الْغُصَّةَ..» (1)

به تحقیق نماند کرد حسرت را و پنهان نمود ناله و آه را، غم و اندوه را در گلو فرو برده...

«..وَاحْتَمَلْتُ الْأَذَى فِي جَنْبِهِ..» (2)

و شما یا رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) متحمل آزار شدی به خاطر او (خداوند متعال)

وجود گرامیش متحمل آن همه مصائب و اذیتها شدند تا این که بشریت از گمراهی و ظلم ستمگران نجات یابد. در زیارتشان عرضه می داریم:

«..وَمُنْقَذِ الْعِبَادِ مِنَ الْهَلَكَةِ..» (3)

..شما (رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)) نجاتبخش بندگان از هلاکت بودید..

ص: 60

1- إقبال الأعمال (ط - القديمة) 2/606 - زاد المعاد - مفتاح الجنان 262

2- إقبال الأعمال (ط - القديمة) 2/605 - الإقبال بالأعمال الحسنة (ط - الحديثة) 3/124 - المزار (شهيد الاول) 12 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 97/184 - زاد المعاد مفتاح الجنان 261

3- علل الشرائع 2 - المزار الكبير (لابن المشهدی) 66 - المزار (للشهيد الاول) 14 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 97/178؛ 97/185 - زاد المعاد - مفتاح الجنان 261

در زمان پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، چون بشر دیو صفت و طوایف خونخوار و ستمکار، نخواستند از حب ریاست و برتری جویی دست بردارند در لباس دوست، موقعیت خود را آراستند و نقاب دین بر چهره کریه و پلید خویش کشیدند تا بتوانند در موقعیتی مناسب، این نور الهی را خاموش گردانند. از روی کینه و عداوتی که با وجود گرامیش پیدا کرده بودند در تمام مراحل پیشرفت حکومت الهی، مرموزانه و منافقانه موانع زیادی را در سر راه پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله و سلم) می گذاشتند تا تخریبگر دین خدا شوند و بدین سبب به اهداف شوم خود دست یابند. اولین و شدیدترین فشارها و موانعی که به دست منافقان به ظاهر متدین به وجود آمد، این بود که سعی کردند تا قُوْتِ بازو و بینایی چشم رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)؛ یعنی حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) را از پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بگیرند و با خدعه و نیرنگ، این وجود گرامی و رحمت الهی را از میان بردارند. غافل از این که پیغمبر گرامی (صلی الله علیه و آله و سلم) می باید نور رأفت و رحمت خاصه خدا را به رسم امانت به وصیش بسپارد، تا برسد به دست با کفایت آخرینشان که مأموریت اصلی او منتشر کردن این نور در سراسر گیتی است. خداوند از ازل اراده نمود و به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) مأموریت داده بود که امانتی را به آخرین وصیش برساند و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) باید در راه انجام این مأموریت سرنوشت ساز، اذیتها و رنجهای طاقتفرسا را متحمل می شدند. درباره این مأموریت خطیر فرمودند:

«یا به هدفم می رسم یا در راه آن جان خواهم داد» (1)

درباره انتقال این نور، وجود مقدس پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در خطبه غدیر

ص: 61

«مَعَاشِرَ النَّاسِ النُّورُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي مَسْلُوكِ ثُمَّ فِي عَلِيٍّ ثُمَّ فِي النَّسْلِ مِنْهُ إِلَى الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ الَّذِي يَأْخُذُ بِحَقِّ اللَّهِ وَبِكُلِّ حَقٍّ هُوَ لَنَا»
(1)

ای گروه مردمان! آن نور خدای تبارک و تعالی در من قرار گرفته است پس در وجود مبارک حضرت علی (علیه السلام) و پس از او در نسل ایشان تا قائم مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که حق خدا را بازستاند و همینطور همه حقوق از دست رفته ما را.

در برابر نور پرفروغ مهدویت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هیچ ظلمتی را نشاید که عرض اندام نماید؛ زیرا جد گرامیش حضرت محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«..وَلَا حَقَّ إِلَّا مَعَهُ وَلَا نُورَ إِلَّا عِنْدَهُ..» (2)

آگاه باشید که حقی جز با او (مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)) و نوری جز در پیش او نیست.

چنانچه در سحر و طلوع فجر روز جمعه هفدهم ربیع الاول سال پانصد و هفتاد و یک میلادی، مطابق با بیست و هشتم نisan نوری از مشرق، فضای عالم را برای همیشه روشن ساخت. آن نور مقدس حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) به زمین آمد تا بعد از انتقال از اصلاّب پاک به ارحام مطهر، در سحرگاه شب جمعه پانزدهم ماه شعبان سال دویست و پنجاه و پنج یا دویست و پنجاه و شش هجری قمری که با حروف ابجد مطابق با کلمه «نور» است، با تولد وجود مقدس

ص: 62

1- بحار الانوار طبع بیروت 37/211 - الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی) 1/61

2- الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی) 1/64 - تفسیر الصافی 2/64 - إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات 5/184 - البرهان فی

تفسیر القرآن 2/236 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 37/214 - تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب 4/183

حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، فضای عالم را برای همیشه منور سازد. در شأن و جلالت این نور مقدس، پیامبرگرامی (صلی الله علیه و آله و سلم) به حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرمودند:

«... يَا أَبِي وَأُمِّي سَجِي جَدِّي ص وَشَبِيهِ وَشَبِيهِ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ جُيُوبُ النَّوْرِ - أَوْ قَالَ جَلَابِيبٍ - يَتَوَقَّدُ مِنْ شُعَاعِ ضِيَاءِ الْقُدْسِ...»

(1)

پدر و مادرم فدای کسی که (مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)) همنام و شبیه من و شبیه موسی بن عمران (علیه السلام) است. پوششی از نور او را فرا گرفته که ساطع شده از رشحات انوار قدسی پروردگار است.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در روز غدیر به مسأله مهدویت به عنوان یک اصل پرداختند. آن وجود نورانی را از بین برنده تاریکیها، نابود کننده ستمها، و یاری رساننده ستمدیدگان معرفی نمودند. وجود، حقیقت و باطن نوری امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نه از عناصر زمین و آسمان، بلکه از اعلاء علیین است. صفات فعل ساحت ربوبی که در وجود مقدسش متجلی گردیده مسبب از بین رفتن ظلمتها و تبدیل آن به روشنایی همیشگی در موعد مقرر خواهد شد.

«... وَ تُشْرِقُ الْأَرْضُ بِنُورِهِ...» (2)

زمین به نورش (حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)) روشن گردد.

(وَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا...) (3)

ص: 63

1- الغيبة (للنعمانی) 180 - عیون أخبار الرضا (علیه السلام) 2/7 - کمال الدین و تمام النعمة 2/371 - دلائل الإمامة (ط - الحديثة) 460 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 36/338؛ 51/109 - تفسیر نور الثقلین 5/386

2- کمال الدین و تمام النعمة 1/280؛ 2/639 - مقتضب الأثر فی النص علی الأئمة الإثنی عشر (علیهم السلام) 9 - الإنصاف فی النص علی الأئمة الإثنی عشر (علیهم السلام) 235 - عوالم العلوم و المعارف والأحوال - الإمام [حضرت امیرالمؤمنین] علی بن ابی طالب (علیهما السلام) 193

3- سورة مبارکه زمر آیه شریفه 39

«و زمین به نور پروردگارش روشن می شود»

«وَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِكُمْ» (1)

زمین به نور شما [انمه اطهار (علیهم السلام)] روشن می شود.

این نور، از نور الانوار و شعاع آن از مبداء اصلی (اول ما خلق الله، نور نبیک (صلی الله علیه و آله و سلم)) است. مرحوم شرف الدین در کتاب تأویل الآیات در تفسیر آیه شریفه ذیل می گوید:

«وَ الشَّمْسُ وَ ضُحَاهَا» (2)

«قسم به خورشید و تابش آن»

مراد از خورشید رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) است و مقصود از تابش خورشید و نور آن حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و ظهور آن حضرت می باشد. (3)

آثار خورشید به تابش و اشعه آن است و شعاع مقدس مهدویت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است که هدایتگر مردم به آفتاب عالمتاب محمدی (صلی الله علیه و آله و سلم) خواهد بود، چنانکه حضرت امام باقر (علیه السلام) فرمودند:

«إِنَّ ذَلِكَ يَكُونُ عِدَّةَ خُرُوجِ الْمَهْدِيِّ (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ (صلی الله علیه و آله و سلم)، فَلَا يَبْقَى أَحَدٌ إِلَّا أَقْرَبَ بِمُحَمَّدٍ (صلی الله علیه و آله و سلم)» (4)

این امر هنگام خروج مهدی آل محمد (علیهم السلام) محقق خواهد شد پس در آن

ص: 64

1- فرازی از زیارت جامعه کبیره

2- سوره مبارکه شمس آیه شریفه 1

3- تأویل الایات 777

4- إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات 5/145 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم) 5/137 - مجمع البیان ذیل آیه شریفه 33 از سوره مبارکه توبه

موقع کسی نمی ماند مگر این که به رسالت پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) اقرار می کند.

اقرار به رسالت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) از سوی مردم به سبب رؤیت اخلاق رسول ختمی مرتبت (صلی الله علیه و آله و سلم) است. قهراً کسی که جانشین رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) باشد می تواند به اخلاق نبوی با مردم رفتار نماید. بدیهیست شخص متخلق به اخلاق برترین سفیر الهی (صلی الله علیه و آله و سلم)، شبیه ترین فرد به وی است. چنانکه حضرت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«.. وَ مَهْدَى أُمَّتِي أَشْبَهُ النَّاسِ بِي فِي شَمَائِلِهِ وَأَقْوَالِهِ وَأَفْعَالِهِ..» (1)

مهدی امت من، در شمایل و اقوال و افعال شبیه ترین مردم به من است.

«او مانند جدش حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) رحمة للعالمین و مهربان بر جهانیان است و هنگام ظهور پرچم پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را در دست و پیراهن وی بر تن و شمشیر آن حضرت را در دست دارد و نشانه های ظاهری و باطنی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در او نمایان است» (2)

همچنین وجود گرامی پیامبرگرامی (صلی الله علیه و آله و سلم) در انتظار حاکمیت عدلی فراگیر در سراسر زمین به عنوان يك منتظر واقعی، انتظار خویش را در روز غدیر این چنین اعلام فرمودند:

«يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُوَاطِيءُ اسْمُهُ اسْمِي وَ خَلْقُهُ خَلْقِي يَمْلَأُهَا قِسْطًا وَعَدْلًا» (3)

ص: 65

-
- 1- كفاية الأثر في النص على الأئمة الإثني عشر (عليهم السلام) 11 - كمال الدين و تمام النعمة 1/257 - كشف الغمة في معرفة الأئمة (عليهم السلام) (ط - القديمة) 2/510 - إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات 2/76 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 36/283؛ 52/379
 - 2- منتخب الاثر 490 - روز نجات 124
 - 3- عقد الدرر 31 - بحار الانوار 51/82

مردی از اهل بیت من خارج می شود که نامش همنام من و خویش هم خوی من است. زمین را پر از عدل و داد می نماید.

این حاکمیت از آن نوری است که انتخاب شده روز ازل است. مؤید این مطلب فرمایش گهربار وجود مقدس حامل این نور (حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)) می باشد.

«..أَلَا إِنَّهُ خَيْرُهُ اللَّهُ وَ مُخْتَارُهُ..» (1)

آگاه باشید که او (مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)) برگزیده و انتخاب شده خداست.

«وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ..» (2)

«و پروردگار تو هر چه را بخواهد می آفریند و برمی گزیند، و آنان اختیاری ندارند..»

او برگزیده شد تا فقط يك آیین را در جهان برقرار سازد که به وسیله تابش نور آن، همه نورهای خیالی [ظلمات در لباس نور] تا ابد خاموش گردند. رسول مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«أَلَا إِنَّهُ الظَّاهِرِ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» (3)

آگاه باشید که او (مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)) بر همه ادیان پیروز می شود.

وجود مبارکش با قدرت الهی و با نیروهای خارق العاده و اعجاز، تمامی کره

ص: 66

1- روضة الواعظین و بصیرة المتعظین (ط - القديمة) 1/97 - الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی) 1/64 - تفسیر الصافی 2/64 -

البرهان فی تفسیر القرآن 2/236 - تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب 4/182 - إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات 5/184؛ 5/251

2- سورة مبارکة قصص آیه شریفه 68

3- إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات 2/186

خاکی را تسخیر خواهد کرد. اوست کسی که به نصرت الهی، دین خدا را در سراسر زمین حاکم خواهد نمود:

«..أَلَا إِنَّهُ نَاصِرٌ دِينَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ...» (1)

آگاه باشید که او (مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)) یاور دین خدای متعال است.

اوست که از خود چیزی نمی گوید الا به اراده و امر خدا؛ زیرا که حق به زبان مبارک او سخن خواهد گفت، چنانکه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«..أَلَا إِنَّهُ الْمُخْبِرُ عَنْ رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ الْمُتَّبِعُ بِأَمْرِ إِيْمَانِهِ...» (2)

آگاه باشید که او (مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)) آنچه بگوید از پروردگارش می گوید و به امر ایمانش هشدار می دهد.

شنیده ها، اسرار و علومی را از ناحیه پروردگارش افشاء مینماید. از جوشش علومش همگان را به بهره های فراوان مادی و معنوی خواهد رسانید. در این رابطه پیامبرگرمی (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«..أَلَا إِنَّهُ الْغُرَّافُ فِي بَحْرِ عَمِيقٍ...» (3)

آگاه باشید که او (مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)) نهی خروشان از اقیانوس بیکران (احدیت) است.

در زمان ظهورش همه مخلوقات باید در دریای بیکران انوار مُطَهَّر (4) مهدویت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خویشان را تطهیر کنند تا از هرگونه جهل و سرگردانی نجات یابند

ص: 67

1- التحصين لأسرار ما زاد من كتاب اليقين 589 - العدد القوية لدفع المخاوف اليومية 179 - تفسير الصافي 2/63 - إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات 5/251 - تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب 4/182

2- تفسير الصافي 2/64 - تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب 4/183

3- الإحتجاج على أهل اللجاج (للطبرسي) 1/64 - تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب 4/182

4- مطهّر با مطهّر فرق میکند. اولی به معنای پاک کننده و دومی به معنای پاک شده می باشد.

و به علوم و رازهای نهانی آگاه شوند، چنانکه جد گرامیش حضرت محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«..أَلَا إِنَّهُ وَارِثُ كُلِّ عِلْمٍ وَ الْمُحِيطُ بِهِ..» (1)

آگاه باشید که او وارث هر دانش و دربرگیرنده تمامی علوم است.

و با این احاطه علمی، زینده است که سلطنت هفت آسمان و زمین متعلق به آن نور مقدس و تحت سیطره و پوشش آن وجود گرامی قرار گیرد. جد گرامیش (صلی الله علیه و آله و سلم) چنین بشارتی را به جهانیان داده است:

«..أَلَا إِنَّهُ الْمُفَوَّضُ إِلَيْهِ..» (2)

آگاه باشید که فرمانروایی جهان هستی به او (مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)) واگذار شده است.

آری، او شایسته چنین پادشاهی است و لباس قدرت و جبروت الهی بر اندام آن وجود مبارک، زینده میباشد؛ زیرا اوست ظاهر کننده قدرت خدا (قدرت الله). جدش رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرمودند:

«..أَلَا إِنَّهُ الرَّشِيدُ السَّيِّدُ..» (3)

آگاه باشید که او (مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)) رشید و متین است.

با این قدرت و علم خدادادی، هیچ چیزی از سیطره و قدرت او خارج نیست

ص: 68

1- الإحتجاج على أهل اللجاج (للطبرسی) 1/64 - تفسير الصافی 2/64 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 37/214 - إلزام الناصب فی

إثبات الحجة الغائب (عجل الله تعالی فرجه الشریف) 1/435

2- روضة الواعظین و بصیرة المتعظین (ط - القديمة) 1/97 - الإحتجاج على أهل اللجاج (للطبرسی) 1/64 - تفسير الصافی 2/64 -

إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات 5/184 - البرهان فی تفسير القرآن 2/236

3- همان آدرس قبلی

و تمامی بتها به تبر الهی وجود گرامیش شکسته خواهد شد. از پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل است که فرمودند:

«..أَلَا إِنَّهُ لَا غَالِبَ لَهُ وَلَا مَنْصُورَ عَلَيْهِ..» (1)

آگاه باشید که احدی بر او (مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)) چیره نخواهد گشت و کسی بر علیه او یاری نخواهد شد.

او تنها فرمانروایی است که همگان در زیر سایه عدلش به حق خویش خواهند رسید و هیچ باطل، طبقه بندی و مرزی در جهان وجود نخواهد داشت.

«..أَلَا إِنَّهُ فَاتِحُ الْحُصُونِ وَ هَادِمُهَا..» (2)

آگاه باشید که او (مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)) گشاینده و درهم کوبنده مرزهاست.

چنین حاکمی که همه طغات در برابر عظمت و جلالت و سلطنت الهی او به خاک ذلت می افتند، بهترین و عالیترین پادشاه، واسطه و امین خداوند بر مخلوقات است. حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرمایند:

«..أَلَا إِنَّهُ وَلِيُّ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ حَكْمُهُ فِي خَلْقِهِ وَ أَمِينُهُ فِي سِرِّهِ وَ عَلَانِيَتِهِ..» (3)

آگاه باشید که او (مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)) ولی خدا در روی زمین و داور او در میان مردم و امین او در آشکار و نهان است.

ص: 69

-
- 1- روضة الواعظین و بصیرة المتعظین (ط - القديمة) 1/97 - الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی) 1/64 - تفسیر الصافی 2/64 - إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات 5/184 - البرهان فی تفسیر القرآن 2/236 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 37/214
 - 2- روضة الواعظین و بصیرة المتعظین (ط - القديمة) 1/97 - الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی) 1/64 - التحصین لأسرار ما زاد من کتاب یقین 588 - تفسیر الصافی 2/63 - إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات 5/183
 - 3- روضة الواعظین و بصیرة المتعظین (ط - القديمة) 1/97 - الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی) 1/64 - تفسیر الصافی 2/64 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 37/214 - ...

این حاکم امین باید متصل و منتسب به حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) باشد. چرا که تنزیل و بیان حق بر عهده رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) بود. پس اجرای آن نیز باید بر عهده رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) باشد یا شخصی که از خود او باشد. (1) درباره این نسبت، جد گرامیش فرمودند:

«لا تقوم الساعة حتى يلي رجل من اهل بيتي يواطىء اسمه اسمي» (2)

رستاخیز به پا نمی شود تا هنگامی که از اهل بیت من که همنام با من است فرمانروا شود.

هر کسی در زیر بیرق چنین فرمانروای عادل قرار بگیرد، به یقین از هلاکت دور خواهد بود زیرا جد بزرگوارش (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«لَنْ تَهْلِكَ أُمَّةٌ فِي أَوْلِيهَا وَعَيْسَى (عليه السلام) فِي آخِرِهَا وَ الْمَهْدِي (عجل الله تعالى فرجه الشريف) فِي وَسْطِهَا» (3)

هرگز هلاک نمی شود امتی که من در اول و عیسی (علیه السلام) در آخر آن و مهدی (عجل الله تعالى فرجه الشريف) در وسط آن باشد.

ص: 70

1- مانند برگرداندن ابوبکر از ابلاغ ده آیه اول سوره براءت و دادن این مسئولیت به حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) به دستور پروردگار. وقتی حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)، ابوبکر (لعنت الله عليهم اجمعين) را برای ابلاغ فرستاد، مول هنوز چند منزلی نرفته بود که جناب جبرئیل (علیه السلام) نازل شد و گفت خدای متعال می فرماید کسی لیاقت این عمل را ندارد جز تو یا کسی که از خودت باشد. بنابراین، حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)، حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) را فرستاد و ابوبکر را برگرداند. حضرت مهدی از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) است چنانکه امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) از پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بود.

2- امام زمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) در کلام نبوی 40 - مسند احمد حنبل 3/376** در مسانید شیعه اینطور ذکر شده است: «.. لو لم يبق من الدنيا الا يوم لطول الله ذلك اليوم حتى يلي رجل من عترتي اسمه اسمي يملأ الأرض عدلاً وقسطاً كما ملئت ظلماً وجوراً»: تفسير الصافي 3/444 - تفسير نور الثقلين 3/620 - البرهان في تفسير القرآن 4/96 - مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول 2/351

3- كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) 2/474؛ 2/484 - إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات 5/227؛ 5/232 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 51/85؛ 51/93 - حضرت امام زمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) در کلام نبوی 42 - البيان گنجی شافعی [عامه]

خوشا به حال آنانی که این پادشاه مهربان را درک کنند. سلطانی که تمامی کمالات و صفات خوبان عالم یکجا در وجود نورانش جمع شده است.

«...وَمِنَّا مَهْدَى هَذِهِ الْأُمَّةِ (عجل الله تعالى فرجه الشريف)، لَهُ غَيْبَةٌ مُوسَى (عليه السلام) وَبَهَاءُ عِيسَى (عليه السلام)، وَحُكْمُ دَاوُدَ (عليه السلام)، وَصَبْرُ أَيُّوبَ (عليه السلام)» (1)

مهدی این امت از ماست، که غیبت حضرت موسی (علیه السلام) و عظمت و شأن و مرتبت حضرت عیسی (علیه السلام) و حکم حضرت داوود (علیه السلام) و صبر حضرت ایوب (علیه السلام) را یک جا دارد.

با این همه صفات پسندیده، علم و قدرت خدایی، زمام جمیع خلائق، بخصوص مردمی که لجام گسیخته بوده و راه نفاق را از صدر اسلام تا کنون در پیش گرفته، را بدست خواهد گرفت. با منطق و دلایل عقلانی و با رفق و مهربانی پیش خواهد رفت و چون لایق نعمت هدایت نشدند، آنگاه با شمشیر اصلاحشان خواهد نمود. چنانکه جد گرامیشان (صلی الله علیه و آله و سلم) پیش بینی نمودند:

«...لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَمْلِكَ الْعَرَبَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُوَاطِئُ اسْمُهُ اسْمِي...» (2)

دنیا سپری نمی شود تا مردی از اهل بیت من که همنام من است زمام امور عرب را به دست بگیرد.

نه این که زمام تمام ممالک عربی را بلکه جمیع کره خاکی در سیطره یگانه

ص: 71

1- إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات 2/155 - الإنصاف في النص على الأئمة الإثني عشر (عليهم السلام) 68 - امام زمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) در کلام نبوی 45

2- إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات 5/228؛ 5/244 - حلية الأبرار في أحوال محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و آله الأطهار (عليهم السلام) 6/435؛ 6/444؛ 6/447 - رياض الأبرار في مناقب الأئمة الأطهار (عليهم السلام) 3/36 - إلزام الناصب في إثبات

الحجة الغائب (عجل الله تعالى فرجه الشريف) 1/156 - امام زمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) در کلام نبوی 39 - سنن ترمذی [اهل عامه] 4/505 ح 2230

پادشاه در خواهد آمد؛ همانگونه که در شب معراج حق تعالی به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

«ای محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) من به دست آخرین وصی تو زمین را از وجود دشمنان خود پاک خواهم ساخت و حکومت شرق و غرب عالم را به او خواهم داد. بادهای مسخر او خواهم نمود. ابرهای تندرآگین [دارای رعد و برق] سخت را رام او خواهم کرد و او را از طریق اسبابی به سفر کردن به آسمان ها موفق خواهم داشت» (1)

و درباره قدرت و سیطره او (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، حضرت امام باقر (علیه السلام) می فرمایند:

«... أَمَا شَ بَّهَهُ مِنْ جَدِّهِ الْمُصَّ طَفَى (صلی الله علیه و آله و سلم) فَخُرُوجُهُ بِالسَّيْفِ وَ قَتْلُهُ أَعْدَاءَ اللَّهِ وَ أَعْدَاءَ رَسُولِهِ (صلی الله علیه و آله و سلم) وَ الْجَبَّارِينَ وَ الطَّوَاغِيَتِ وَ أَنَّهُ يَنْصَرُّ بِالسَّيْفِ وَ الرَّعْبِ وَ أَنَّهُ لَا تُرَدُّ لَهُ رَايَةٌ...» (2)

مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از این لحاظ با جدش محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) شباهت دارد که با شمشیر قیام می کند و دشمنان خدا و رسول و زورگویان و طاغوتیان را به قتل می رساند و همانا او با شمشیر و ترس یاری میشود و هیچیک از پرچمهایش شکست خورده بر نمی گردد.

پیامبرگرامی (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

ص: 72

-
- 1- خورشید مغرب 39 - عیون اخبار الرضا (علیه السلام) 1/262 - علل الشرایع 1/5 - إكمال الدين 1/366 - بحار الأنوار 52/312
 - 2- او خواهد آمد 145 - کمال الدین و تمام النعمة 1/327 - منتخب الأنوار المضيئة في ذكر القوائم الحجة (عجل الله تعالی فرجه الشریف) 176 - بحار الأنوار (ط بیروت) 51/218

«المَهْدِي (عجل الله تعالى فرجه الشريف) رَجُلٌ مِنْ عِزَّتِي يَقَاتِلُ عَلَي سُنَّتِي كَمَا قَاتَلْتُ أَنَا عَلَي الْوَحْيِ» (1)

مهدی (عجل الله تعالى فرجه الشريف) مردی است از عترت من. بر اساس سنت من جنگ می کند، همانطور که من بر اساس وحی آسمانی پیکار کردم.

در واقع انگیزه این جنگ چیزی جز ریشه کن نمودن ظلم و بیدادگری، و گرفتن انتقام خون مظلومان و بندگان صالح خداوند، نیست. پیامبرگرمی (صلی الله علیه و آله و سلم) در ادامه خطبه غدیریه می فرماید:

«..أَلَا إِنَّهُ الْمُنتَقِمُ مِنَ الظَّالِمِينَ..» (2)

آگاه باشید که او (مهدی (عجل الله تعالى فرجه الشريف)) انتقام گیرنده از ستمگران است.

داغها و آزاری که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) از مشرکان و منافقان دید، فقط به دست این حاکم از قلب مبارک پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)، زدوده می شود.

«..أَلَا إِنَّهُ قَاتِلُ كُلِّ قَبِيلَةٍ مِنْ أَهْلِ الشُّرْكِ..» (3)

آگاه باشید که او (مهدی (عجل الله تعالى فرجه الشريف)) کشنده همه قبایل مشرکان است.

مشرکان و منافقین امت برای خاموش کردن نور خدا، یاران و عزیزانش را کشتند. بر حسب آنچه از آیات و روایات بر می آید، کسی جز آن نور مقدس، قدرت انتقام ندارد. فرمودند:

ص: 73

1- التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن 178 - کتاب او خواهد آمد 143 - ینابیع الموده [عامه] 2/179

2- روضة الواعظین و بصیرة المتعظین (ط - القديمة) 1/97 - الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی) 1/64 - تفسیر الصافی 2/63 - إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات 2/186؛ 5/183؛ 5/251 - البرهان فی تفسیر القرآن 2/236 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 37/213

- تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب 4/182 - إلزام الناصب فی إثبات الحجة الغائب (عجل الله تعالى فرجه الشريف) 1/432

3- الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی) 1/64 - تفسیر الصافی 2/63 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 37/213 - تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب 4/182 - عوالم العلوم و المعارف و الأحوال - الإمام [امیرالمؤمنین] علی بن ابی طالب (علیهما السلام) 189

«..أَلَا إِنَّهُ مُدْرِكُ كُلِّ نَارٍ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ..» (1)

آگاه باشید که او (مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)) خونخواه خون همهٔ دوستان خدا است.

با نابودی همهٔ ستمگران، تمامی پدیده‌های شوم و انحرافات دینی که به وسیلهٔ ایادی و طرفداران کفار و منافقین صدر اسلام بوجود آمده، برطرف خواهد شد. در روایت فرموده اند:

«..إِذَا قَامَ الْقَائِمُ (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دَخَلَ الْكُوفَةَ وَ أَمَرَ بِهَدْمِ الْمَسَاجِدِ الْأَرْبَعَةِ حَتَّى يَبْلُغَ أَسَاسَهَا..» (2)

وقتی حضرت قیام می کنند وارد کوفه می شوند فرمان به خرابی چهار مسجد در کوفه خواهد داد.

عدالت حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تمام بدعتها و انحرافات را که به مرور زمان در اسلام پدید آمده است، از بین خواهد برد و اسلام را از نوزنده خواهد کرد. تخریب بعضی از بناها و مساجد هم طبق همین اصل [یعنی زدودن بدع و انحرافات] انجام خواهد گرفت.

ص: 74

-
- 1- روضة الواعظین و بصیرة المتعظین (ط - القديمة) 1/97 - الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی) 1/64 - إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات 5/183 - تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب 4/182
- 2- الغيبة (للطوسی) 475 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 52/333 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 80/353 - ریاض الأبرار فی مناقب الأئمة الأطهار (علیهم السلام) 3/192 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 3/368؛ 17/121 - إلزام الناصب فی إثبات الحجة الغائب (عجل الله تعالی فرجه الشریف) 2/235

«...الْقَائِمُ (عجل الله تعالى فرجه الشريف) يَهْدِمُ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ حَتَّى يَرْدَّهُ إِلَى أَسَاسِهِ وَ مَسْجِدَ الرَّسُولِ (صلى الله عليه وآله وسلم) إِلَى أَسَاسِهِ وَيَرْدُّ الْبَيْتَ إِلَى مَوْضِعِهِ وَأَقَامَهُ عَلَى أَسَاسِهِ...» (1)

حضرت مهدی (عجل الله تعالى فرجه الشريف) مسجد الحرام و مسجد النبی (صلى الله عليه وآله وسلم) را خراب می کنند و آن را بنا بر اساس اصلی اش باز می گردانند و خانه کعبه را نیز به مکان اصلی اش برمی گردانند و آنرا بر پایه هایش برپا می کند.

حضرت امام صادق (علیه السلام) در روش و سیاق حضرت مهدی (عجل الله تعالى فرجه الشريف) می فرمایند:

«يَصْنَعُ كَمَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) يَهْدِمُ مَا كَانَ قَبْلَهُ كَمَا هَدَمَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) أَمْرَ الْجَاهِلِيَّةِ وَيَسْتَأْنِفُ الْإِسْلَامَ جَدِيداً» (2)

همان کاری که رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) انجام داد مهدی (عجل الله تعالى فرجه الشريف) هم انجام می دهد. بدعتهای موجود را خراب میکند، چنانکه رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) اساس جاهلیت را منهدم نمود، آنگاه اسلام را از نو بازسازی می نماید.

همانطور که برای بازسازی ساختمان، به عمودی بسیار محکم نیاز است که بتواند وزن تمامی طبقات را تحمل نماید، هیچ ستونی قویتر از عدالت نیست و حقیقت اسلام هویدا نمی گردد مگر به رعایت عدالت در طبقات اجتماعی و در همه ابعاد و شئون جامعه. زندگی بر اساسی که پایه های حکومتی پیامبر گرامی (صلى الله عليه وآله وسلم) بر آن [عدل و تساوی حقوق] پایه ریزی می شود. حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در جواب طلحه و زبیر که خواستار حقوق بیش تر از

ص: 75

1- الغيبة (للطوسي) 472 - إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات 5/136 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 52/333 - جامع أحاديث الشيعة (للبروجردی) 30/1006

2- الغيبة (للنعماني) 231؛ 233 - شرح الأخبار في فضائل الأئمة الأطهار (عليهم السلام) 3/563 - إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات 5/161 - حلية الأبرار في أحوال محمد (صلى الله عليه وآله وسلم) وآله الأطهار (عليهم السلام) 6/321؛ 6/323 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 52/353؛ 52/354

دیگران شدند فرمودند:

«..أَلَيْسَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ يَقْسِمُ بِالسَّوِيَةِ بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ..» (1)

آیا پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) حقوق مسلمین را به تساوی قسمت نمی کرد؟

رفتار بر اساس عدل [مطلق الهی] از کسی سر نمی زند مگر متصل به عدالت الهی باشد. بسی جای شگفتی است که بعضی از عوام به جستجوی عدالت و مساوات در افراد هم‌رتبه خویش هستند، حال آنکه اینگونه رفتار فقط از امام معصوم سر می زند و جز چهارده نور پاک، کسی را نباید که عدالت در همه شئون داشته باشد. چنان که امام صادق (علیه السلام) درباره پیامبرگرمی (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«يُقْسِمُ لِحَفَظَاتِهِ بَيْنَ أَصْحَابِهِ فَيَنْظُرُ إِلَى ذَا وَ يَنْظُرُ إِلَى ذَا بِالسَّوِيَةِ..» (2)

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نگاه کردن خود را نیز میان اصحاب تقسیم می کرد و به این و آن برابر و مساوی می نگریست.

نحوه عدالت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

حضرت امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز طبق روش مقتدای خود حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) با کارگزاران حکومتی برخورد و

ص: 76

-
- 1- دعائم الإسلام 1/384 - مناقب آل أبي طالب (عليهم السلام) (ابن شهر آشوب) 2/111 - مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم) 25/161 - بحار الأنوار (ط بیروت) 41/116 - خورشید مغرب 308
 - 2- الکافی (ط - الإسلامية) 2/671؛ 8/268؛ (ط - دار الحديث) 4/767؛ 15/608 - مجموعة ورام 2/176 - الوافی 3/707؛ 5/621 - وسائل الشیعة 12/143 - مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم) 12/577؛ 26/265 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 16/260؛ 16/280؛ 108/225 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 8/481

عمل خواهند نمود. زیرا برترین روش، همان اجرای عدالت است. حاکمیت عدالت بر مردم، به خصوص از طرف اصحاب و کارگزاران حکومتی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، باعث ثبات زمین و پرورش آن، و بالطبع منفعت همگانی از همه امکانات می شود و معنی آیه (وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا..). مصداق پیدا می کند. حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با یارانش پیمان می بندد و از آنان بیعت می گیرد که (به این اصول عمل کنند):

مسلمانی را دشنام ندهند... حریمی را هتک نکنند، به خانه ای هجوم نبرند، کسی را به ناحق نزنند، طلا، نقره و گنج ذخیره نکنند، همچنین گندم و جو (مواد غذایی) اندوخته نسازند، مال یتیمان را نخورند... لباس خز و حریر (لباس های اشرافی) نبوشند. کمرندهای زرین نبندند، گندم و جو (فرآورده های خوراکی) را احتکار نکنند، در امور معاش به اندک بسنده کنند... لباس درشت بپوشند و (در حال عبادت و نماز) صورت بر خاک بگذارند... و در راه خدا به جهادی شایسته دست یازند. (1) (زاهدانه زندگی کنند و از فریبندگیهای دنیا دوری گزینند) امام (علیه السلام) خود نیز متعهد می شود که از همان راهی که آنان می روند برونند و چون آنان لباس بپوشند و بر مرکوبی مانند مرکوب آنان سوار شوند و چنان باشند که آنان هستند، به اندک بسنده کنند و زمین را با یاری خدای از دادگری آکنده سازند، پس از آن که از ستم آکنده شده باشد... و

ص: 77

1- منتخب الاثر 469 - اشراف زادگان و امیران و شاهان و شاهزادگان کمرندهای زرین می بستند و امام (علیه السلام) در بیعت خویش پیمان می گیرد که کارگزاران حکومت و یارانش از این شیوه های طاغوتی، غیر اسلامی و اشرافیگری بپرهیزند.

آری، تساوی حقوق، اول باید از حاکم، دولتمردان، انصار و اصحاب شروع شود. قبلاً بیان شد که آخرین وصی پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بروش اولین وصی پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله و سلم) عمل خواهد نمود، عدالت در تمامی دستگاههای حکومتی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به صورت بسیار جدی اجرا خواهد شد، چنانکه فرموده اند:

«عَلَامَةُ الْمَهْدِيِّ (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، أَنْ يَكُونَ شَدِيداً عَلَى الْعُمَّالِ جَوَاداً بِالْمَالِ رَحِيماً بِالْمَسَاكِينِ» (2)

علامت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آن است که نسبت به عمال، کارگزاران و ماموران دولتی خویش بسیار سختگیر بوده و بخشنده است و بی دریغ مال به این و آن دهد و با ناتوانان و مستمندان بسیار رحم دل و مهربان است. در رفتار چنان است که گویی با دست مبارك خود، کره و عسل بدهان مسکینان می نهد، چونان حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) زندگی می کند، و با پارسایی زندگی نماید.

جد گرامیش رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) نیز با یتیمان چنین رفتاری داشتند. حبیب بن ثابت می گوید:

مقداری عسل به بیت المال آوردند، حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) دستور داد یتیمان را حاضر کردند. در موقعی که عسل را بین مستحقین تقسیم می فرمودند، وجود گرامی حضرتش بدهان یتیمان عسل می گذاشت،

ص: 78

1- التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن 295 - منتخب الاثر 469 - الملاحم و الفتن 49؛ 122

2- شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار (علیهم السلام) 3/561 - خورشید مغرب 31 - المهدی الموعود 1/276-277

عرض کردند این عمل برای چیست؟ فرمودند:

«..إِنَّ الْإِمَامَ أَبُو الْيَتَامَى وَإِنَّمَا الْعَقْتُهُمْ هَذَا بِرِعَايَةِ الْآبَاءِ..» (1)

همانا امام، پدر یتیمان است غسل بدهان یتیمان میگذارم و بجای پدران از دست رفته، نسبت به آنها عطوفت پدری می ورزم.

بدینسان با وجود آن همه قدرت حکومتی، خود را با پایین ترین طبقه جامعه یکسان می نمود. چنانکه فرمودند:

«أَفْتَعُ مِنْ نَفْسِي بِأَنْ يَقَالَ هَذَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَلَا أُشَارِكُهُمْ فِي مَكَارِهِ الدَّهْرِ..» (2)

آیا باید تنها به این خرسند باشم که مرا امیرالمؤمنین بخوانند و در تلخیهای روزگار شریک مردم نباشم؟..

هیچ فرقی به لحاظ سیطره، ولایت، حاکمیت، روش، سیاق و.. بین پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و اولین وصی و آخرین وصی وجود نخواهد داشت، چنانکه حضرت امام صادق (علیه السلام) می فرمایند:

«..وَسَ يَدُنَا الْقَائِمُ (عجل الله تعالى فرجه الشريف) مُسَدِّدٌ ظَهْرُهُ إِلَى الْكَعْبَةِ وَيَقُولُ يَا مَعْشَرَ الْخَلَائِقِ أَلَا... وَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى مُحَمَّدٍ (صلی الله علیه و آله و سلم) وَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (علیه السلام) صَدَّقُوا اللَّهَ عَلَيْهِمَا فَهَذَا أَنَا ذَا مُحَمَّدٍ (صلی الله علیه و آله و سلم) وَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (علیه السلام)..» (3)

ص: 79

-
- 1- الكافي (ط - الإسلامية) 1/406؛ (ط - دارالحدیث) 2/346 - الوافي 3/653 - مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم) 4/340 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 27/248؛ 41/123
 - 2- نهج البلاغة (للصبحي صالح) 418 - شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد [معتزلي - عامه] 16/287 - مكاتيب الأئمة (عليهم السلام) 1/106
 - 3- الهداية الكبرى 397 - مختصر البصائر 443 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 53/9 - رياض الأبرار في مناقب الأئمة الأطهار (عليهم السلام) 3/218 - إلزام الناصب في إثبات الحجة الغائب (عجل الله تعالى فرجه الشريف) 2/213 - كتاب نشانه های ظهور او (علیه السلام) 169 - الامام المهدي (عجل الله تعالى فرجه الشريف) من المهد الى الظهور 516

سید و آقای ما قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پشت به خانه کعبه تکیه می دهند و می فرمایند: ای مردم! هر کسی می خواهد به حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و حضرت علی (علیه السلام) نظر کند به من بنگرد و من محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و علی (علیه السلام) هستم.

یعنی در واقع حقیقت پیغمبر گرامی (صلی الله علیه و آله و سلم) در روز ظهور به شکل حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ظاهر می شود (کلهم نور واحد) چنانکه می فرمایند:

«هر چیزی که شما مردم از ناحیه پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) باید می دیدید و به ظهور می رسید در من مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خواهید دید»

چنان که حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) می فرمایند:

«امام قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در روز ظهور در کنار خانه کعبه ندا بردارد که...»

«...مَنْ حَاجَّني فِي مُحَمَّدٍ (صلی الله علیه و آله و سلم) فَأَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِمُحَمَّدٍ (صلی الله علیه و آله و سلم) وَمَنْ حَاجَّني فِي النَّبِيِّينَ (عليهم السلام) فَأَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِالنَّبِيِّينَ (عليهم السلام)» (1)

هر کس با من در حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) محاجه کند پس من از همه مردم اولی هستم به حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و هر کس با من در پیامبران محاجه کند پس من از همه مردم اولی هستم به پیامبران. (آن کس که از حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) سخن گوید، من وارث حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و آن کس که از پیامبران سخن گوید، من وارث و یادگار پیامبران)»

مؤید این سخن، فرمایش دیگر از پیغمبر گرامی (صلی الله علیه و آله و سلم) است:

«يُخْرِجُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي وَيَعْمَلُ بِسُنَّتِي...» (2)

ص: 80

1- الغيبة (للنعماني) 281 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 52/238؛ 52/305 - عصر زندگی 357

2- كشف الغمة في معرفة الأئمة (عليهم السلام) (ط - القديمة) 2/472 - حلية الأبرار في أحوال محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و آله الأطهار (عليهم السلام) 6/461 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 51/82

مردی از اهل بیت من قیام می کند و به سنت و روش من عمل می نماید.

محمد بن مسلم گوید: از امام باقر (علیه السلام) درباره سیره حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پرسش نمودم که چون قیام کند به کدام سیره با مردم رفتار می کند فرمود:

«بِسِيرَةِ مَا سَارَ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) حَتَّى يَظْهَرَ الْإِسْلَامُ» (1)

به سیره ای عمل می کند که رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) خدا عمل کرد تا اسلام را آشکار سازد.

و نیز پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«الْقَائِمُ (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مِنْ وُلْدِي.. وَ شَمَائِلُهُ شَمَائِلِي وَ سُنَّتُهُ سُنَّتِي يَقِيمُ النَّاسَ عَلَى مِلَّتِي وَ شَرِيعَتِي وَ يَدْعُوهُمْ إِلَى كِتَابِ رَبِّي عَزَّ وَ جَلَّ..» (2)

قائم از فرزندان من است،... چهره او چهره من است، مردم را بر طاعت و دین من فرا می خواند و آنان را به سوی کتاب خدا و قرآن راهنمایی می کند.

یعنی به روش (قرآن)، رفتارهای عادلانه داشته و همانند وصی اول، به عدالت همگانی اهتمام دارند. در نحوه اجرای این امر الهی، بسیار سختگیر و با دقتی کامل عمل می نمایند چنان که نقل است:

«رُفِعَ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) رَجُلٌ مُؤْمِنٌ اشْتَرَى أَرْضاً مِنْ أَرْضِي الْخَرَجِ فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع لُهُ مَا لَنَا وَعَلَيْهِ مَا عَلَيْنَا - مُسَدِّمًا كَانَ أَوْ كَافِرًا لَهُ مَا لِأَهْلِ اللَّهِ

ص: 81

1- تهذيب الاحكام 6/156 - وسائل الشيعه 15/77

2- كمال الدين و تمام النعمة 2/411 - إعلام الوری بأعلام الهدی (ط - القديمة) 425؛ (ط - الحديثه) 2/227 - نوادر الأخبار فيما يتعلق بأصول الدين (للفيض) 223 - إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات 5/147 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 51/73 - كتاب او (عليه السلام) خواهد آمد 122

مرد مسلمانی زمینی از زمینهای خراج (2) را خرید، حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرمودند: سود و زیان او و سود و زیان ما یکی است، خواه مسلمان باشد خواه کافر، هر سودی یا زیان به ما برسد به او هم خواهد رسید.

مساوات در عهد حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

از جمله اموال عمومی که غاصبانه به افرادی خاص داده شده است قطایع است. یعنی زمینهایی از اراضی خراجی، که به نزدیکان حکام داده می شد. این اموال بذل و بخششهایی بود که موجب تشکیل طبقه ای ممتاز در جامعه می گردید. معمولاً پادشاهان و حکام ظالم به اطرافیان و درباریان اموال و زمینهایی را هدیه می نمودند. حضرت امام صادق (علیه السلام) در بازگرداندن این اموال و زمینها به صاحبان آنها، می فرمایند:

«إِذَا قَامَ قَائِمُنَا اضْمَحَلَّتِ الْقَطَائِعُ فَلَا قَطَاعَ» (3)

ص: 82

1- تهذیب الأحكام (تحقیق خراسان) 4/147 - الوافی 18/992 - وسائل الشیعة 15/157 - ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار 6/428

2- زمینهایی که در جهاد با مشرکین و کفار به عنوان غنیمت بدست می آیند را زمینهای خراجیه می گویند. این زمینها، ملک جمیع مسلمین الی یوم القیامة (بطناً بعد بطن) می باشد و منافع حاصله از آن باید در امور مسلمین صرف شود. حاکم شرعی (معصوم یا نماینده او) آن زمینها را در اختیار زارعین قرار داده و به مقدار صلاحدید خود از آنها خراج (مالیات زمین) می گیرد. البته در این نوع زمینها چند شرط معتبر می باشد: الف) بوسیله لشکر کشی و قهر و غلبه بدست آمده باشد. ب) جهاد و لشکرکشی به إذن معصوم (علیه السلام) باشد. ج) زمین در حال فتح کردن، مُحیة و آباد باشد. (یعنی بیابان و بایر نباشد)

3- قرب الإسناد (ط - الحدیثة) 80؛ 411 - وسائل الشیعة 17/222 - إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات 5/144 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 52/309؛ 97/58؛ 97/66 - کتاب عصر زندگی (محمد حکیمی) 145

چون ظهور و حکومت قائم (عجل الله تعالى فرجه الشريف) دائر شود، قطاق از میان می رود و دیگر اقطاعی در میان نخواهد بود.

حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می فرمودند:

«..وَأَعْطَيْتُ كَمَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) يُعْطِي بِالسَّوِيَةِ، وَلَمْ أَجْعَلْهَا دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ..» (1)

..من مانند پیامبر (صلى الله عليه وآله وسلم) (بیت المال را) برابر و مساوی به همه می دهم و آن را ویژه اغنیاء نمی سازم..

و نیز وجود گرامیش (حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)) فرمودند:

«..وَلَوْ كَانَ الْمَالُ لِي لَسَوَّيْتُ بَيْنَهُمْ فَكَيْفَ وَإِنَّمَا الْمَالُ لِلَّهِ..» (2)

...اگر این مالها از خود من بود مردم را در تقسیم برابر با یکدیگر در نظر می‌گرفتم، تا چه رسد به آن که این اموال متعلق به خداست.

حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) چنین عجایی را در تساوی حقوق بین حاکم و رعیت می آفرینند:

«..فَوَاللَّهِ مَا أَنَا وَ أَحِيرَى هَذَا إِلَّا بِمَنْزِلَةٍ وَاحِدَةٍ وَأَوْمَى بِيَدِهِ إِلَى الْأَجِيرِ» (3)

...به خدا سوگند من و این کارگرم در يك منزلت به لحاظ حقوق اجتماعی

ص: 83

-
- 1- کتاب سلیم بن قیس الهمالی 2/723 - الکافی (ط - الإسلامية) 8/61؛ (ط - دارالحدیث) 15/156 - الوافی 26/57 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلى الله عليه وآله وسلم) 25/135 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 34/174
 - 2- نهج البلاغة (للصباحی صالح) 183 - شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد [معتزلی - عامه] 8/109 - الحیة / ترجمه احمد آرام 5/182؛ 2/394
 - 3- مناقب آل أبي طالب (عليهم السلام) (لابن شهر آشوب) 2/111 - الحیة / ترجمه احمد آرام 2/412؛ 5/185 - عصر زندگی 165

(مساوی) هستیم با دست مبارک به کارگر اشارت نمودند.

پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله و سلم) در مورد بی اعتباری نظام طبقاتی و تبعیض؛ و مساوی قرار دادن حق و حقوق تمامی اقشار جامعه بر اساس عدل می فرمایند:

«إِنَّ النَّاسَ مِنْ عَهْدِ آدَمَ إِلَى يَوْمِنَا هَذَا مِثْلُ أَسْنَانِ الْمُشْطِ لَا فَضْلَ لِلْعَرَبِيِّ عَلَى الْعَجَمِيِّ وَلَا لِلْأَحْمَرِ عَلَى الْأَسْوَدِ إِلَّا بِالتَّقْوَى..» (1)

مردمان! از زمان حضرت آدم (علیه السلام) تا کنون چون دندان‌های شانه مساویند و عرب بر غیر عرب و (نژاد) سرخ بر سیاه برتری ندارد مگر به تقوا.

حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز در تقسیم اموال به سیره جدش عمل خواهد نمود. امام هدایت؛ حضرت امام صادق (علیه السلام) می فرمایند:

«..إِذَا قَامَ سَارَ بِسِيرَةِ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) إِلَّا أَنَّهُ يَبِينُ آثَارَ مُحَمَّدٍ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)..» (2)

وقتی که قائم قیام کرد به سیره رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) رفتار می کند با این تفاوت که آثار حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) را تفسیر و بیان می نماید.

در تثبیت این شیوه، پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«أَبْشُرْكُمْ بِالْمَهْدِيِّ.. يَقْسِمُ الْمَالَ صِحَاحًا فَقَالَ رَجُلٌ مَّا صِحَاحًا قَالَ بِالسَّوِيَةِ بَيْنَ النَّاسِ..» (3)

ص: 84

-
- 1- الغارات (ط-الحديث) 2/823 - الإختصاص 341 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 22/348 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 12/89 - الحياة /ت احمد آرام 5/178؛ 6/12 - عصر زندگی 155
- 2- الغيبة (للنعمانی) 164 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 52/347 - مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) (ترجمه جلد 51 بحار الأنوار) 482 - او (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خواهد آمد 144
- 3- كشف الغمة فی معرفة الأئمة (عليهم السلام) (ط - القديمة) 2/483 - حلية الأبرار فی أحوال محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و آله الأطهار (عليهم السلام) 6/476 - بهجة النظر فی إثبات الوصاية و الإمامة للأئمة الإثنی عشر (عليهم السلام) 185 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 51/92 - خورشید مغرب 308 - مسند احمد حنبل [عامه] 3/37

شما را مژده می دهد به مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)... مال را به صورت «صحاح» تقسیم میکند. مردی از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) پرسید صحاح چیست؟ پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: تقسیم میان همه به يك مقدار.

پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«...وَيَسْوَى بَيْنَ النَّاسِ حَتَّى لَا تَرَى مُحْتَاجاً إِلَى الزَّكَاةِ...» (1)

مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مال را بین مردمان به تساوی قسمت می کند که دیگر محتاجی دیده نمی شود تا به او زکات دهند.

وجود اقدسش حقوق هیچ کسی را نزد خود محبوس نمی کند، همانطور که جدش حضرت خاتم الانبیاء (صلی الله علیه و آله و سلم) با امت خویش این گونه بودند. در روایتی آمده است که پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«من دیشب خوابم نبرد، زیرا يك یا دو درهم (تردید از گوینده است) که باید به مستحق می رساندم نزد من مانده است» (2)

اگر حقوق افراد جامعه بر اساس عدالت، مساوی و برابر تقسیم گردد، دیگر نیامنی پیدا نمیشود. البته این کار محال است الا در حکومت حَقَّةُ الهی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف). هر کسی از حکام و پادشاهان وقتی به سلطنت رسیدند مدعی عدالت بودند، ولی تا به امروز حکومت عادلانه که به صورت حقیقی و مستدام در جریان باشد در هیچ جایی پدید نیامد، مگر به صورت مقطعی در زمان پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله و سلم) و حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام). ولی

ص: 85

1- بحار الأنوار (ط - بیروت) 52/390 - إلیام الناصب فی إثبات الحجة الغائب (عجل الله تعالی فرجه الشریف) 2/253 - الحیاة /

ترجمه احمد آرام 5/205؛ 6/751 - خورشید مغرب 308

2- کتاب نسیم هدایت 299

متأسفانه به علت خرابکاری و کارشکنیهای منافقین، حکومت عادلانه این دو بزرگوار ادامه پیدا نکرد.

در ازمنه سالفه نیز در مقطعی، به اندازه مقداری با اجرای عدالت، توانسته بودند جامعه را نزدیک به نرمال برسانند و چون اسباب تداوم عدالت مهیا نبود، به روز ظهور مهدی آل محمد (علیهم السلام) موکول گشت. جناب ذوالقرنین در یکی از مسافرتهايش در گذارش به شهری افتاد. دید که مردمان در امنیت، رفاه، عزت و آرامش به سر می برند. ذوالقرنین در شگفت شد و علت را جویا گشت. آنان در پاسخ، مبنای حکومت شهر خویش را بر پایه عدالت خواهی مطرح نمودند و بیان کردند که از آثار عدل است که چنین حکومتی بوجود آمده. پس چون ایشان را دید به آنها فرمود:

«ای مردم مرا از وضع خود آگاه کنید که من تمام خاور، باختر، خشکی، دریا، پستی، بلندی، روشنایی و تاریکی زمین را پیمودم ولی با همانند جامعه شما رو برو نشدم. چرا گور مردگانتان بر در خانه هایتان است؟

گفتند: برای این که مرگ را فراموش نکنیم و یادش را از دلهایمان بیرون نبریم.

فرمود: چرا خانه هایتان درب ندارد؟

گفتند: در میان ما دزد و مشکوکی نیست و جز انسان های امین در میان ما کسی نیست.

فرمود: چرا فرماندهانی ندارید؟

گفتند: ما به یکدیگر ستم روا نمی داریم.

فرمود: چرا حاکمانی در میانتان نیست؟

ص: 86

گفتند: ما با یکدیگر دشمنی نمی ورزیم.

فرمود: چرا پادشاهی ندارید؟

گفتند: ما ثروت اندوزی نمی کنیم.

فرمود: چرا بر یکدیگر برتری ندارید و متفاوت نیستید؟

گفتند: زیرا با یکدیگر مواسات و مهربانی می ورزیم.

فرمود: چرا با یکدیگر نزاع نمی کنید و اختلاف ندارید؟

گفتند: به سبب نزدیکی و الفت قلب هایمان و اصلاح میان خودمان.

فرمود: چرا زیاده روی و کشتار میان شما نیست؟

گفتند: زیرا اراده خود را بر طبیعتمان و بردباری را بر هوسهایمان چیره کرده ایم.

فرمود: چرا وحدت دارید و بر راه مستقیم سیر می کنید؟

گفتند: زیرا به یکدیگر دروغ نمی گوئیم و نیرنگ نمی زنیم و پشت سر یکدیگر بدگوئی نمی کنیم.

فرمود: مرا خبر دهید که چرا میان شما فقیر و کمبودداری یافت نمی شود؟

گفتند: زیرا ما به طور مساوی تقسیم می کنیم.

فرمود: چرا میان شما انسان خشن و تندخویی وجود ندارد؟

گفتند: زیرا خود را به افتادگی و فروتنی پرورده ایم.

فرمود: چرا خداوند طولانیترین عمرها را به شما داده است؟

گفتند: چون به حق رفتار می نماییم و به عدالت حکم می کنیم» (1)

این، نمونه و تصویری جزئی از حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خواهد بود. البته جامعه ای که جناب ذوالقرنین دیدند، با حکومت واحد جهانی حضرت

ص: 87

مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قابل قیاس نیست. شاید اغراق نباشد اگر بگویم آینه بهشت برزخی؛ که انشاءالله خداوند با دعای مومنین در حق چنین روزگاری تعجیل فرماید. در ظرافت عمل و سختگیری در اجرای عدالت مقتدایش حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) نقل است که فرمودند:

«..وَاللَّهُ لَوْ وَجَدْتُهُ قَدْ تَزَوَّجَ بِهِ النِّسَاءَ وَ مَلَكَ بِهِ الْإِمَاءَ لَرَدَدْتُهُ..» (1)

به خدا سوگند اگر چنان می دیدم که با آن (اموال)، زن به همسری گرفته شده و کنیز به ملکیت درآمده، باز آنها را برمی گرداندم.

چنانکه فرزندش حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز در اجرای عدالت و دادخواهی از مظلوم، سختگیرند. اینها و صدها تعلیم دیگر همه بیانگر خط اصلی حرکت تشیع و برنامه حکومت اسلامی حضرت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) بود که در تاریخ به ثبت رسیده و در عمل، جریان یافته است.

اصبغ بن نباته میگوید: نزد امیرالمؤمنین (علیه السلام) رفتم دیدم در فکر فرو رفته است و با انگشت مبارکش بر زمین خط می کشد. گفتم: ای امیرالمؤمنین (علیه السلام) چه شده است که در فکر فرو رفتید؟ فرمودند:

«در مورد مولودی می اندیشم که از نسل من است و او مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است که زمین را از عدل و داد پر کند پس از آنکه از ستم و بیداد آکنده

ص: 88

1- مناقب آل ابی طالب (علیهم السلام) (لابن شهر آشوب) 2/110 - شرح نهج البلاغة لابن ابی الحدید [معتزلی - عامه] 1/269 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 41/116؛ 97/59 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 13/66

نمونه ای از سختگیری آن حضرت (علیه السلام) در اجرای عدالت:

«حق هر حقداری را بگیرد و به او دهد حتی اگر حق کسی زیر دندان دیگری باشد، از زیر دندان انسان متجاوز و غاصب بیرون کشد و به صاحب حق بازگرداند» (2)

«.. إِذَا قَامَ الْقَائِمُ حَكَمَ بِالْعَدْلِ وَازْتَفَعَ فِي أَيَّامِهِ الْجَوْرَ وَآمَنَتْ بِهِ السُّبُلُ وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ بَرَكَاتِهَا وَرَدَّ كُلَّ حَقٍّ إِلَى أَهْلِهِ..» (3)

هنگامی که قائم (علیه السلام) قیام کند، بر اساس عدالت حکم می کند و در روزگار او ستم از بین می رود و راهها بوسیله او امن شده و زمین برکات خویش را خارج می کند و هر را حقی به صاحبش می رساند..

حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می فرماید:

«.. وَأَعْطَيْتُ كَمَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) يُعْطِي بِالسَّوِيَةِ، وَلَمْ أَجْعَلْهَا دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ..» (4)

... من چون پیامبر (صلى الله عليه وآله وسلم) (بیت المال) را برابر (به همه) می دهم و آن را ویژه اغنیاء نمی سازم.

ص: 89

1- کمال الدین 1/289

2- خورشید مغرب 31 - المهدی موعود 1/279-282

3- روضة الواعظین و بصيرة المتعظین (ط - القديمة) 2/265 - إعلام الوری بأعلام الهدی (ط - القديمة) 462 - إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات 5/149؛ 5/180 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 52/338 - إلزام الناصب فی إثبات الحججة الغائب (عجل الله تعالى فرجه الشريف) 2/232

4- کتاب سلیم بن قیس الهلالی 2/723 - الکافی (ط - الإسلامية) 8/61؛ (ط - دارالحديث) 15/156 - الوافی 26/57 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلى الله عليه وآله وسلم) 25/135 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 34/174

حضرتش در تفصیل تساوی حقوق طبقات برتر جامعه فرمودند:

«مبادا کسانی از شما بگویند که دنیا به ایشان رو آورد، پس مانند کسانی که املاکی فراهم آوردند و نه‌رهایی روان ساختند و بر اسبان راهوار سوار شدند و کنیزکان زیبا به خدمت گرفتند و چون آنان را از کارهایی که می‌کردند بازداشتیم و به حدود و حقوقشان آشنا ساختیم، این کار را برای خود ننگ و عار بدانند و خشمگین شوند و بگویند که پسر ایطالب (علیهما السلام) ما را از حقوقمان محروم ساخت. بدانید که هر کس از مهاجران و انصار، از اصحاب رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) که خود را از لحاظ همصحبتی با پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) برتر از دیگران می‌شمارد، باید بداند که برتری آشکار مربوط به فردای قیامت است و در نزد خدا است و پاداش و اجر آن را خدا خواهد داد و هر کس که دعوت خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را پذیرفت و به دین ما درآمد و رو به قبله ما ایستاد، مستحق حقوق و حدود اسلام است.

شما بندگان خدایید و مال، مال خداست و میان شما برابر پخش خواهد شد و هیچ کس را در آن بر دیگری برتری نیست و به پرهیزکاران فردا در نزد خدا نیکوترین جزا و برترین پاداش داده خواهد شد.

خدا، دنیا را پاداش و ثواب پرهیزکاران قرار نداده، بلکه آنچه در نزد خداست برای نیکوکاران بهتر است. و چون فردا شود، انشاءالله به نزد ما بیایید که مالی هست و آن را میان شما تقسیم خواهیم کرد و هر يك از شما چه عرب و چه عجم، خواه جیره خوار بیت المال باشد یا نباشد، باید که حاضر شود و تخلف نوزد...»

به هنگام تقسیم، سهل بن حنیف گفت: یا امیرالمؤمنین این شخص تا دیروز غلام من بود و او را آزاد کردم! فرمودند:

«به او نیز همان اندازه می دهیم که به تو می دهیم»

پس به هر يك سه دينار داد و هيچ كسى را بر ديگرى ترجيح نداد. (1)

روش تمامی ذوات مقدسه (علیهم السلام) چنین بود. در این مورد، مفضل (راوی معروف) می گوید: سالی در حج، به هنگام طواف، خدمت حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) بودم. در طواف، حضرت امام [امام هدایت، صادق آل محمد (علیهم السلام)] نگاهی به من کردند و فرمودند: چرا این گونه اندوهگین و برافروخته ای؟ گفتم: فدایت شوم، بنی عباس و حکومتشان را می بینم، این مال، تسلط، قدرت و جبروت را. اگر این همه در دست شما بود، ما هم با شما در آن سهیم بودیم. امام (علیه السلام) فرمودند:

«ای مفضل! بدان، اگر حکومت در دست ما بود، جز سیاست شب (عبادت، اقامه حدود و حقوق الهی و حراست مردم) و سیاحت روز (سیر کردن و رسیدگی به مشکلات مردم و...) و خوردن خوراکیهای خشك و نامطبوع و پوشیدن جامه های درشت، یعنی جز همان روش امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) چیزی در کار نبود، که اگر جز این عمل شود، پاداش آن، آتش دوزخ است» (2)

در سخن حضرت امام صادق (علیه السلام) حکمت پذیرش چنین زندگی دشوار و ناگواری، تبیین شده است و آن مسئولیت بزرگ اداره جامعه و سامان بخشیدن به وضع زندگی انسانها است. دستیابی به چنین آرمانی بزرگ، فداکاریها و گذشتهای فراوانی لازم دارد و تحمل رنجها و دشواریهای بسیاری را می طلبد.

ص: 91

1- کتاب عصر زندگی 168 - کافی 8/360 - الحیة 2/262 - فارسی 262-264

2- بحار الانوار 52/359

امامت بر مردم، نیازمند این سیره و روش است؛ و در فکر آسایش خلق بودن و لحظه ای برای آنان نیاسودن، شرط اصلی آن می باشد. آنان که در زندگیهای مرفه و آسوده به سر می برند، با شادی روزگار را می گذرانند، دم از آسایش خلق و رفاه توده های رنجدیده انسانی می زنند، سخن به گزافه می گویند و ادعایی پوچ دارند. در احادیث ما که مُرْسَم وضعیت زندگی شخصی آن امام بزرگ (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است، بر همانندی و همسانی زندگی وی با زندگی بسیار ساده پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و زندگی اولین و آخرین وصی حضرتش تاکید شده است. که در این باره، حضرت امام صادق (علیه السلام) می فرمایند:

«..فَوَ اللَّهُ مَا لِيَأْسُهُ إِلَّا الْغَلِيظُ وَ لَا طَعَامُهُ إِلَّا الْجَشِبُ..» (1)

به خدا سوگند او (مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)) جامه ای درشت می پوشد و خوراک خشک و ناگوار می خورد.

حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را در نهایت آرزوی یک انسان توصیف نموده و در سایه برکات عدالت حکومت بقیة الله (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هر نوع رنج و بیچارگی را از آحاد بشر مرفوع می دانند:

«..وَبِهِ (بالمهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)) يَخْرُجُ ذَلَّ الرَّقِّ مِنْ أَعْنَاقِكُمْ..» (2)

به دست مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بندهای بردگی از گردن همه گشوده می گردد.

ص: 92

1- الغيبة (للنعماني) 233 - منتخب الأنوار المضيئة في ذكر القائم الحجة (عجل الله تعالی فرجه الشریف) 32 - إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات 5/162 - حلية الأبرار في أحوال محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و آله الأطهار (عليهم السلام) 6/324 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 52/354 - عصر زندگی 348

2- الغيبة (للطوسي) 185 - إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات 5/122 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 51/75 - عصر زندگی 62

بردگی انسان در برابر انسان، شیطان یا هر چیز مادی و دنیوی دیگری، برداشته می شود و به سبب خروج از بردگی دنیا، ورود در بندگی الله جل جلاله میسر می شود.

«..حَتَّى يَمْلَأَ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا وَعُدْوَانًا..» (1)

زمین را از داد و عدل آکنده گرداند، پس از آن که از بیداد و ستم آکنده شده باشد.

بدهکاری نمی ماند جز این که بدهی او پرداخت می شود. کسی کشته نمی شود مگر این که دیه آن را می پردازد و تنی به قتل نمی رسد مگر اینکه بدهیهای او را می پردازد و خانواده اش را چون دیگر افراد جامعه اداره می کند.

در احادیث، درباره شیوه رفتار و برنامه های امام منجی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، از مسایل شگفت آور و به ظاهر کوچک نیز سخن رفته است؛ مثلاً در روایاتی آمده است که در دوران ظهور پنجره هایی که به معابر باز شده است، بسته می شود و ناودانها و آبراههایی که به خیابانها و کوچه ها می ریزد، مسدود می گردد. اینگونه مسایل که در اجتماع امروز، امور فرعی و کم اهمیت به شمار می آید، ولی در آن دوران بر اثر تعلیم و گسترش عدالت، مورد اهتمام قرار میگیرد و آسایش انسانها در این امورات از دست با کفایت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تأمین می گردد. حضرت امام باقر (علیه السلام) فرمودند:

ص: 93

1- تفسیر العیاشی 1/66 - إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات 5/171 - البرهان فی تفسیر القرآن 1/352 - حلیة الأبرار فی أحوال محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و آله الأطهار (علیهم السلام) 6/461 - بهجة النظر فی إثبات الوصایة و الإمامة للأئمة الإثنی عشر (علیهم السلام) 173 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 52/225 - إلزام الناصب فی إثبات الحجة الغائب (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

2/98

«..وَيُوسِّعُ الطَّرِيقَ الْأَعْظَمَ.. وَيَهْدِيهِمْ كُلَّ مَسْجِدٍ عَلَى الطَّرِيقِ وَيَسُدُّ كُلَّ كُوَّةٍ إِلَى الطَّرِيقِ وَكُلَّ جَنَاحٍ وَكَيْفٍ وَمِيزَابٍ إِلَى الطَّرِيقِ..» (1)

(هنگامی که قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قیام کند) راههای بزرگ و اصلی را توسعه می دهد.. و تمام مساجدی را که به گونه ای مانع راه است، خراب می کند و همه دریاچه ها و پنجره هایی که به راهها گشوده شده یا بالکنها، نودانها و فاضلابهایی که در راههای عمومی قرار گرفته است، می بندد.

مسایل یاد شده در سخن حضرت امام باقر (علیه السلام) هر کدام به نوعی بیانگر گسترش عدالت اجتماعی، تصحیح روابط انسانی و حدود زندگی و نشان دهنده زدودن همه موانع زیست درست و معقول انسانهاست. به آن کوته فکرانی که گمان می کنند حکومتهای الهی و معنوی به مسایل مادی زندگی توجه نمی کنند، تذکر داده شده است که حتی اگر مسجدی مانع راه و معبر پرجمعیت عمومی بود ویران می گردد. و بدین طریق عدالت مهدویت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در تمامی روزنه ها و شئون زندگی نفوذ خواهد کرد.

«..أَمَّا وَاللَّهِ لَيَدْخُلَنَّ عَلَيْهِمْ عَذْلُهُ جَوْفَ بُيُوتِهِمْ كَمَا يَدْخُلُ الْحَرُّ وَالْقُرُ» (2)

حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) عدالت را همچنان که سرما و گرما وارد خانه ها می شود، وارد خانه های مردمان کند و دادگری او همه جا را بگیرد.

وجود مبارك امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در رعایت حقوق دیگران و عدالت ورزی در

ص: 94

-
- 1- الغيبة (للطوسي) 475 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 52/333؛ 101/254؛ 109/146 - رياض الأبرار في مناقب الأئمة الأطهار (عليهم السلام) 3/192 - منتخب الأنوار المضيئة في ذكر القائم الحجة (عجل الله تعالی فرجه الشریف) 194
 - 2- الغيبة (للنعماني) 297 - إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات 5/167 - حلية الأبرار في أحوال محمد (صلى الله عليه وآله وسلم) وآله الأطهار (عليهم السلام) 6/327 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 52/362 - خورشيد مغرب 36

کوچکترین موارد، مانند امور معنوی، حساسیت و دقت به خرج می دهند. نقل است که سخن گویان دولت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از نخستین مرحله در مکه فریاد می زنند:

«هر کس نماز فریضه خویش را در کنار حجرالاسود و محل طواف خوانده است و اکنون می خواهد نماز نافله بخواند به کناری رود تا آن کس که می خواهد نماز واجب بخواند (بیاید و) بخواند» (1)

این نیست مگر اجرای احکام خالص الهی بر پایه های عدالت که از شگفتیها و اعمال اختصاصی دستگاه حکومتی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خواهد بود.

آری بنای این حکومت بر اساس انصاف پایه گذاری می گردد و از آثار آن رعایت حقوق همه انسانها در عصر طلایی امام هدایت؛ حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، می باشد. از این رو تمامی جامعه در صلح و صفا بر مبنای چنین گفتار زیبایی از اهل بیت (علیهم السلام) زندگانی طولانی را در بهشت مهدویت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) سپری خواهند کرد که فرموده اند:

“آنچه را برای خود نمی پسندی برای دیگران نیز نپسند و آنچه را برای خود پسندی برای دیگران نیز نپسند”.

حضرت امام باقر (علیه السلام) در وسعت فضل و بخشش یگانه سلطان کائنات فرمودند:

«همه اموال جهان در نزد حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) گرد آید؛ آنچه در دل زمین است و آنچه بر روی زمین، آنگاه حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به مردم بگوید:

ص: 95

«...تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا قَطَعْتُمْ فِيهِ الْأَرْحَامَ وَ سَفَكْتُمْ فِيهِ الدَّمَاءَ الْحَرَامَ وَ رَكِبْتُمْ فِيهِ مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ...» (1)

بیاید این اموال را بگیرید؛ اینها همان چیزهایی است که برای به دست آوردن آنها قطع رحم کردید، خونها به ناحق ریختید و مرتکب گناهان شدید بیاید و بگیرید.

پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«أُبَشِّرُكُمْ بِالْمَهْدِي... يَمْلَأُ اللَّهُ قُلُوبَ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ) غَنَّى وَ يَسَدُّ عَنْهُمْ عَدْلُهُ حَتَّىٰ يَأْمُرَ مُتَادِيًا يَنَادِي يَقُولُ مَنْ لَهٗ فِي الْمَالِ حَاجَةٌ... فَيُرْدُهُ وَ لَا يَقْبَلُ مِنْهُ فَيَقَالُ لَهُ إِنَّا لَا نَأْخُذُ شَيْئًا أُعْطِينَاهُ...» (2)

شما را به مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بشارت می دهم که دلهای پیروان حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) را پر از بی نیازی می کند. عدالتش همه جا را فرا می گیرد، تا آنجا که دستور می دهد کسی با صدای بلند صدا زند: هرکس نیاز به مالی دارد برخیزد. هیچکس جز يك نفر بر نمی خیزد. حضرت امام عصر (علیه السلام) دستور می دهد مال قابل ملاحظه ای را در اختیار او قرار دهند اما او نیز به زودی پشیمان می شود و آن اموال را باز می گرداند. پس امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می فرماید ما چیزی را که عطا کردیم پس نمی گیریم...

ص: 96

-
- 1- الغيبة (للنعماني) 237 - علل الشرائع 1/161 - سرور أهل الإيمان في علامات ظهور صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
 - 114 - إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات 5/115 - حلية الأبرار في أحوال محمد (صلى الله عليه و آله و سلم) و آله الأطهار (عليهم السلام) 6/208 - بحار الأنوار (ط بيروت) 51/29؛ 52/351 - رياض الأبرار في مناقب الأئمة الأطهار (عليهم السلام) 3/25 - إلزام الناصب في إثبات الحجة الغائب (عجل الله تعالی فرجه الشریف) 1/161؛ 1/433 - خورشيد مغرب 33
 - 2- كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) 2/483 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 51/92 - او خواهد آمد 41

حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرمودند:

«... وَ تُخْرَجُ لَهُ الْأَرْضُ أَفَالِيدَ كَبِدِهَا وَ تُلْقَى إِلَيْهِ سَلْمًا مَقَالِيدَهَا...» (1)

... زمین آنچه را در اعماق خویش دارد برای وی (مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)) بیرون دهد و همه امکانات و برکات خویش را در اختیار او گذارد.

خداوند متعال به برکت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) زمین را با بارانهای سودمند سیراب می سازد و زمین هم نباتات خود را می رویاند. دامها فراوان می شود و آنچنان وضع زندگانی مردم خوب می شود که فقیری پیدا نمی شود که زکات قبول کند و مردم به آنچه که خداوند از فضل و کرم خویش روزی کرده است، قانع می شوند و از دیگران بی نیاز. (2)

حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می فرمایند:

«آن زمان که قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ما قیام کند آسمان چنانکه باید، باران می فرستد، زمین گیاه رویاند، کینه ها از سینه ها بیرون رود، حیوانات نیز با هم سازگاری کنند آن چنان جهان امن شود که حتی زنی با همه زیور خود از عراق درآید و تا شام برود (کسی متعرض او نشود) و نه زمینی بی سبزه باشد و نه درنده ای او را نگران سازد» (3)

همچنان که برکات از دل زمین بیرون می ریزد، بر اثر اجرای عدالت و

ص: 97

-
- 1- نهج البلاغة (للصباحي صالح) 196 - الغيبة (للطوسي) 180 - الأملی (للطوسي) 513 - كشف الغمة في معرفة الأئمة (عليهم السلام) (ط - القديمة) 2/472 - إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات 5/121؛ 5/139؛ 5/225 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 31/549؛ 51/74؛ 51/130 - إلزام الناصب في إثبات الحجة الغائب (عجل الله تعالی فرجه الشریف) 1/161
 - 2- اعيان الشيعه حالات امام دوازدهم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) 150
 - 3- الخصال - منتخب الاثر 473 - النوادر 189

رعایت انصاف، کینه ها نیز از قلوب آدمیان بیرون ریخته می شود. در این باره حضرت صدیقه کبری (علیها السلام) می فرمایند:

«..وَالْعَدْلُ تَسْبِيْقًا لِلْقُلُوبِ..» (1)

عدالت مایه پیوند یافتن دلها (و تحکیم روابط اجتماعی) است.

حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می فرمایند:

«..وَلَوْ قَدْ قَامَ قَائِمًا.. وَ لَذَهَبَتِ الشَّحْنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ..» (2)

... آنگاه که قائم ما قیام کند... کینه ها از دلها بیرون رود.

و چون همه قلبها با همدیگر الفت یافتند و مردم رؤف شدند، آنگاه همیاری و انساندوستی تحقق می یابد. اسحاق بن عمار می گوید: نزد حضرت امام صادق (علیه السلام) بودم و ایشان از تساوی مردم با یکدیگر و حقی که هر کسی بر دیگری دارد، سخن گفت. من سخت در شگفت شدم. حضرت امام (علیه السلام) فرمودند:

«إِنَّمَا ذَلِكَ إِذَا قَامَ الْقَائِمُ وَجَبَ عَلَيْهِمْ أَنْ يَجْهَزُوا إِخْوَانَهُمْ وَأَنْ يَقُوهُمْ» (3)

این به هنگام حکومت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ماست که در آن روزگار، واجب است بر همگان که به یکدیگر وسایل رسانند و نیرو و قوتی ببخشند.

ص: 98

-
- 1- الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی) 1/99 - الوافی 5/1064 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 29/223 - عصر زندگی 64
 - 2- الخصال 2/626 - منتخب الأنوار المصنیه فی ذکر القائم الحجة (عجل الله تعالی فرجه الشریف) 203 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم) 5/270؛ 25/130 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 10/104؛ 52/316
 - 3- تفسیر العیاشی 2/259 - مصادقة الإخوان 36 - وسائل الشیعة 12/27 - البرهان فی تفسیر القرآن 3/421 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 53/71 - تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب 7/208 - عصر زندگی 207

در مجموع تمامی برکات و نعمتهای خداوند رو می شود، چنان که پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله و سلم) درباره دوران باشکوه و زندگانی بهشتی عصر ظهور می فرمایند:

«...يَتَنَعَّمُ أُمَّتِي فِي زَمَانِهِ نَعِيمًا لَمْ يَتَنَعَّمُوا مِثْلَهُ قَطُّ...» (1)

.. در زمان او (حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)) مردم به نعمتهایی دست می یابند که در هیچ زمانی دست نیافته باشند. بهترین نعمت بعد از ولایت و سلامت در دین، صحت بدن است که به برکت وجود نازنین مولا صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تمامی بیماریهای کوچک و بزرگ تا ابد محو خواهند شد. در این باره حضرت امام سجاد (علیه السلام) می فرمایند:

«إِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَذْهَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَنْ شِيعَتِنَا الْعَاهَةَ...» (2)

هر گاه قائم ما قیام کند، خداوند عزوجل از شیعیان ما بیماری را برطرف می سازد.

از خصوصیات و اوصاف عدالت گستری حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) این است که عدل و انصاف بر تمامی مخلوقات حتی بر جانوران وحشی پرتو می افکند. جناب سید بن طاووس (رحمة الله) در کتاب «سعد السعود» گوید: من در صحف ادیس نبی (علیه السلام) خواندم که نوشته بود، در زمان ظهور:

«...فَلَا يُؤْذِي بَعْضُهُمْ بَعْضًا وَأَنْزَعُ حُمَةً كُلِّ ذِي حُمَةٍ مِنَ الْهَوَامِ وَغَيْرِهَا وَأُذْهِبُ سَمَّ كُلِّ مَا يَلْدَغُ...» (3)

ص: 99

-
- 1- الوافی 2/470 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 51/78
 - 2- الخصال 2/541 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 52/317 - مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) (ترجمه جلد 51 بحار الأنوار) 1110 - ریاض الأبرار فی مناقب الأئمة الأطهار (علیهم السلام) 3/186
 - 3- سعد السعود للنفوس منضود 34 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 52/384 - إلزام الناصب فی إثبات الحجة الغائب (عجل الله تعالی فرجه الشریف) 2/246 - کمال هستی در عصر ظهور 129

هیچ چیزی به چیز دیگر زیان نمی رساند و هیچ چیز از چیز دیگر نمی ترسد و خزندگان و چهارپایان در میان مردم می گردند و هیچ يك به دیگری زیان نمی رساند.

با این اوصاف هیچ نقطه ای از زمین نمی ماند مگر این که زیر سایه حکومت عادلانه امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قرار گیرد، تا از برکت عدالت ایشان و دقت در این امر، ابر رحمت مهدویت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بر سر تمام مخلوقات سایه افکند. چون حضرتش تشریف بیاورند هیچ جایی در زمین باقی نماند مگر این که از برکت عدل و احسان مولا، فیض برد و زنده شود. حتی جانوران و گیاهان نیز از برکت، عدالت، و نیکویی بهره مند گردند و تمامی برکات و نعمات خداوند عیان می شود.

آنچنان سرور و خرمی گسترده شود و بحدی تابش نور مهدویت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پر فروغ است که پرندگان در آسمان نیز اظهار شادمانی و نشاط می کنند. در این باره پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«...يَرْضَى بِخِلَافَتِهِ أَهْلُ السَّمَاءِ وَالطَّيْرِ فِي الْجَوْ...» (1)

به حاکمیت او (مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)) تمامی اهل آسمان ها و نیز پرندگان هوا خوشحال می شوند.

نه تنها پرندگان، بلکه به فرموده پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله و سلم) و اولین وصی او حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، ساکنان هفت آسمان نیز در زمان حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مسرور خواهند گشت:

ص: 100

«...يَفْرَحُ بِخُرُوجِهِ أَهْلُ السَّمَاوَاتِ وَ سُكَّانُهَا...» (1)

اهل آسمانها و ساکنان آنها با ظهور او شادمان می شوند.

حال سرور و شادی انسانها تا چه اندازه خواهد بود؟ و زیباتر از آن، خوشحالی اهل انتظار زمان غیبت که به ظهور مولا (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خواهند رسید چگونه و چه مقدار خواهد بود؟ از امامان معصوم (علیهم السلام) نقل گشته که می فرمایند:

«خداوند متعال سینه های مجروح منتظرین آن حضرت را شفا دهد و عقده از دل آنان برطرف نماید»

وجود گرامی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز در عالم اعلاء با تمام انبیاء و اولیاء (علیهم السلام) برای قیام منجی آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و نابودی و انزجار از جبت و طاغوت، اظهار خوشحالی و سرور می نمایند. زیرا نابودی آن دو بُت آنچنان دارای اهمیت فوق العاده ای است که در زیارت امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آمده:

«...وَأَنَّكَ حَيٌّ لَا تَمُوتُ حَتَّى تُبْطِلَ الْجِبْتَ وَ الطَّاغُوتَ...» (2)

همانا شما (یا صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)) زنده و پاینده هستید تا این که روزی [دو بُت] جبت و طاغوت به دست شما نابود گردد.

جمیع اهل زمین و آسمانها آن روز عظیم استثنایی (یوم الله (3)) را به شادی و سرور خواهند پرداخت و دل مجروح خویش را پس از سالها رنج و اندوه که

ص: 101

1- الغيبة (للنعمانی) 215 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 51/40 - القطره 1/252

2- المزار الكبير (لابن المشهدی) 657 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 99/103

3- در احادیث و آیات قرآن تصریح شده که ایام الله سه روزند (ایام جمع یوم است). یکی روز ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) "یوم الله ظهور"، یکی رجعت ائمه اطهار (علیهم السلام) و دشمنانشان (لعنت الله علیهم اجمعین) برای انتقام "یوم الله رجعت" و سومی روز قیامت "یوم الله قیامت". - سورة مبارکه بقره آیه شریفه 203؛ سورة مبارکه جاثیه آیه شریفه 14؛ سورة مبارکه ابراهیم آیه شریفه 5

از ناحیه منافقین به قلب مبارک اهل بیت (علیهم السلام) رسیده بود، تسکین و التیام خواهند بخشید، زیرا قلبهای پر از غم و اندوه پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله و سلم) و آل الله (علیهم السلام) جز ظهور مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، مرهم و شفای نخواهد داشت. این زخمهای عمیق و دردهای فراوان، طیب حاذق و زبردست می طلبد. در دوران حاکمیت پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله و سلم) بزرگترین رنج و غصه، اذیت و آزاری بود که از ناحیه منافقین به ایشان وارد می شد و براساس مصلحت پیشرفت اسلام و انتشار دین خدا اقتضا می کرد که همه آن غصه ها را پنهان نمایند. همانگونه که در زیارت پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) عرضه می داریم:

«..وَقَدْ أَسْرَّ الْحَسْرَةَ وَ أَخْفَى الزُّفْرَةَ..» (1)

..به تحقیق پنهان کرد حسرت را و پنهان نمود ناله و آه را..

آن روز پایه بدعتهاى جبت و طاغوت فرو می پاشد و انحرافات نوآوران در دین، تخریب میگردد. مکتبی بر پایه خداپرستی، عدل و انصاف که از برکاتش رفاه و آسایش است، پدید می آید. چنانکه حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می فرماید:

«..فیریکم کیف عدل السیره و یحیی میت الكتاب و السنّة..» (2)

پس عدالت و دادگری را (مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)) به شما می نمایاند و قوانین مرده قرآن و سنت را (دگر باره) زنده می کند.

حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مانند حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) رفتار کرده و بر سنت

ص: 102

1- إقبال الأعمال (ط - القديمة) 2/606 - زاد المعاد - مفتاح الجنان 262

2- نهج البلاغه 425

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)، پافشاری می نماید. حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در سیره خاتم الانبیاء (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«سِيرَتُهُ الْقَصْدُ وَ سُنَّتُهُ الرُّشْدُ وَ كَلَامُهُ الْفَصْلُ وَ حُكْمُهُ الْعَدْلُ» (1)

سیرت او میانه روی در کار بود و سنت او رشد و کمال را نمایان می نمود. سخنش حق را از باطل جدا می کرد داورى او از روی عدالت بود.

و نیز می فرمایند: [حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)] آن چه را که در جاهلیت بود باطل کرد و با اجرای عدالت با مردم رو به روشد و نیز همین گونه خواهد بود حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف):

«وَ كَذَلِكَ الْقَائِمُ إِذَا قَامَ يُبْطِلُ مَا كَانَ فِي الْهُدْنَةِ مِمَّا كَانَ فِي أَيْدِي النَّاسِ وَ يَسْتَقْبِلُ بِهِمُ الْعَدْلَ» (2)

چون قیام کند آن چه را که در دوران فترت (عصر غیبت) در دست مردم بوده است باطل می کند و با عدالت با ایشان رو به رو می شود.

چنین عدالت فراگیری در کل کره خاکی در هیچ عصری تحقق پذیر نیست، مگر به دست مولا صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که در زیارت شریفش خواستار چنین روزگار طلایی و ظهور عدالت هستیم:

«...اللَّهُمَّ طَهِّرْ مِنْهُمْ بِلَادَكَ... وَ حَتَّى تُبَيِّرَ بَعْدْلَهُ ظِلْمَ الْجَوْرِ... وَ تُوَضِّحَ بِهِ مَعَاقِدَ

ص: 103

-
- 1- نهج البلاغة (للصباحي صالح) 139 - شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد [معتزلى - عامه] 7/62 - نهج الحق و كشف الصدق 140 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 16/379 - منهاج البراعة فى شرح نهج البلاغة (خونى) 7/97 - الحياة / ترجمه احمد آرام 2/60 - مكاتيب الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم) 1/191
- 2- تهذيب الأحكام (تحقيق خراسان) 6/154 - الوافى 15/141 - وسائل الشيعة 15/77 - إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات 5/68 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 52/381 - الحياة / ترجمه احمد آرام 6/544

خداوندا! سرزمینها را به دست مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پاک گردان... تا با فروغ عدالت او سیاهیهای ستم زوال پذیرد و پایگاههای حق آشکار گردد و عدلِ ناشناخته، شناخته شود.

از آثار این بوستان بهشتی (حکومت مهدویت (عجل الله تعالی فرجه الشریف))، افشای علوم حَقُّه الهی، معارف ناگفتنی، انتشار فضایل و مناقب محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و آل محمد (علیهم السلام) و بروز همه علمی خواهد بود که تا دیروز پنهان مانده بود. با افشای علوم و اشاعه عدل، پایگاههای حق در سراسر کره زمین برپا خواهد شد. طبق روایت فوق، قوانین مرده قرآن و سنت، فضایل و حقایقی که از محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و آل محمد (علیهم السلام) در قرآن نهفته است، آشکار می گردد و تمامی قلوب و عقول مردم به فضایل بیشمار و مناقب کثیر ذوات مقدسه (علیهم السلام) معترف و معتقد می گردد. از کارهای مهم حکومت عدل این است، هر چیزی را بر جای خود می نهد. در بحار الانوار این دعا درباره حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) رسیده است:

«... وَ اَبْدَى مَا كَانَ نَبَذَهُ الْعُلَمَاءُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ فِيمَا أُخِذَ مِيثَاقُهُمْ عَلَيَّ اَنْ يَبِينُوهُ لِلنَّاسِ وَ لَا يَكْتُمُوهُ...» (2)

حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آشکار می سازد مسایل (و حقایق) را که عالمان آنها

ص: 104

-
- 1- مصباح المتعبد و سلاح المتعبد 1/410 - جمال الأسبوع بكمال العمل المشروع 509 - البلد الأمين و الدرع الحصين 81 - المصباح للكفعمي (جنة الأمان الواقية) 549 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 92/331؛ 99/113
 - 2- مصباح المتعبد و سلاح المتعبد 1/160 - مهج الدعوات و منهج العبادات 66 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 82/232

را دور افکندند (و از نشر و اظهار آن خودداری کردند)، حقایقی که از ایشان (بزرگان دین) پیمان گرفته شده بود تا آنها را به مردمان باز گویند و از آنان پوشیده ندارند.

حضرت امام صادق (علیه السلام) نیز در راستای این مطلب فرمودند:

«إِذَا قَامَ الْقَائِمُ (عجل الله تعالى فرجه الشريف) جَاءَ بِأَمْرٍ غَيْرِ الَّذِي كَانَ» (1)

آنگاه که قائم (عجل الله تعالى فرجه الشريف) قیام کند، بامری غیر از آنچه قبلاً بوده اظهار وجود می فرماید.

حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرمودند:

«يُعْطِفُ الْهَوَىٰ عَلَى الْهُدَىٰ إِذَا عَطَفُوا الْهُدَىٰ عَلَى الْهَوَىٰ وَيُعْطِفُ الرَّأْيَ عَلَى الْقُرْآنِ إِذَا عَطَفُوا الْقُرْآنَ عَلَى الرَّأْيِ» (2)

(چون حضرت مهدی (عجل الله تعالى فرجه الشريف) ظهور نمایند) هواپرستی را به خداپرستی بازگرداند پس از آن که خداپرستی را به هواپرستی بازگردانده باشند. آراء، نظرات و افکار را به قرآن بازگرداند پس از آنکه (منحرفان) در عصر غیبت، قرآن را به آراء، نظرات و افکار شخصی خود بازگردانده باشند.

البته در روزهای اول قیام حضرت (علیه السلام)، جهالت جُهَالٍ به اصطلاح روشنفکر و کسانی که با علم و داناییهای خود بر دیگران فخر میفرهشند و برای خویش در علم و فضیلت جایگاهی قائلند، باعث اذیت و آزار علم الله

ص: 105

1- الکافی (ط الإسلامیة) 1/536؛ (دارالحدیث) 2/710 - الغیبة (للطوسی) 473 - الوافی 2/475 - إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات 5/61؛ 5/136 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم) 6/242 - بحار الأنوار (ط بیروت) 52/332 - عصر زندگی 213

2- نهج البلاغة (للصباحی صالح) 195؛ 767 - عیون الحکم و المواعظ (للیثی) 554 - غرر الحکم و درر الکلم 813 - شرح نهج البلاغة لابن أبی الحدید [معتزلی - عامه] 9/40 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 31/549؛ 51/130

(حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)) خواهند شد. اینان همان کسانی هستند که در زمان غیبت، طبق روایت فوق، قرآن را به رای و نظرات شخصی، تفسیر و تاویل می کردند. حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) برای بازگرداندن تفسیر، تاویل و معارف حقه به جایگاه اصلی و اولیه خود، به این موانع برمی خورند (البته همهٔ بتهای با منطق قوی و الهی حضرت شکسته خواهند شد). حضرت امام صادق (علیه السلام) دربارهٔ جهالت عالم نماها فرمودند:

«آزار و اذیتی که حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به هنگام ظهور خویش از جاهلان (به ظاهر دینی) آخرالزمان می بیند، بسی سخت تر است از آزار پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) که از مردم جاهلیت دیده بود. راوی عرض کرد: این چگونه باشد؟ امام (علیه السلام) فرمودند: پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به میان مردم آمد در حالی که آنان سنگ و صخره و چوب و تخته های تراشیده (بتهای چوبی) را می پرستیدند ولی قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ما که قیام کند، برخی مردمان از کتاب خدا (قرآن) برای او دلیل می آورند و آیه های قرآن را بر طبق هوای نفس خویش تاویل و توجیه می کنند» (1)

پایه های این اعمال قبیح قبل از ظهور نهاده شده یعنی از دورهٔ خود رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)، بالاخص بعد از شهادت ایشان تا دوران غیبت، از آن به نام «فتنه در دین» یاد نموده اند (2) در عصر غیبت، همهٔ مردم به فتنه و آزمایشی بسیار سخت مبتلا خواهند شد، تا به فرمودهٔ حضرت امام صادق (علیه السلام) حق از باطل شناخته گردد، چنان که فرمودند:

ص: 106

1- غیبت نعمانی 297

2- انواع فتنه های آخرالزمان در کتاب فتنه دینی در غیبت امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، مفصلاً مورد بررسی قرار گرفته است.

«وقائِم نیز این چنین است به گونه ای که دوران غیبت ایشان طولانی می شود تا با ارتداد برخی که طینت خبیثی دارند (آشکار شود)، و خالص از باطل جدا شده و ایمان (واقعی) از پلیدی (نفاق) پاکسازی (جدا) گردد» (1)

آن چنان آتش فتنه در زمان غیبت، عظیم است که همگان را در کام خود فرو می برد و می سوزاند، جز آنانی که از روی اخلاص، پناهگاهی محکم (کَهف الحَصلین) به نام امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) برای خود برگزینند و برای نجات و سلامت دین خود دائماً با راز، نیاز و استغاثه به درگاه امام زمان خویش (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، ارتباط قلبی مستحکمی را ایجاد نمایند. حضرت امام صادق (علیه السلام) بعد از بیان فتنه های آینده به «حمران» می فرماید:

«تو از این فتنه ها آگاه و برحذر باش و نجات خودت را از خداوند طلب کن و بدان که مردم در معرض خشم الهی هستند و خداوند متعال به جهت هدفی که اراده نموده است به آنان مهلت می دهد.

پس تو مراقب باش و کوشش کن تا خداوند تو را بر خلاف رفتار مردم ببیند، پس اگر عذاب الهی رسید و تو در ظاهر با آنان بودی و از بین رفتی، به رحمت الهی رسیده ای و اگر عذاب الهی واقع نگردد و اجل عقب افتاد، مردم گمراه شده اند در حالیکه تو در باطن گمراه نشده ای و جرأت بر معصیت خداوند ننموده ای. بدان که خداوند متعال پاداش نیکوکاران را ضایع نمی کند و رحمت الهی به نیکوکاران نزدیک است» (2)

ص: 107

1- کتاب اصحاب امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) 17 - کمال الدین 371

2- منتخب الاثر 432

اقتضای عصر غیبت، تاریکی و جدایی از حقایق عالم هستی است که ناخودآگاه انسان را به ورطه هلاکت و گمراهی می کشاند. حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) در باره این ایام ظلمانی فرمودند:

«وَاللّٰهُ لَيَغِيْبَنَّ غَيْبَةً لَا يَنْجُو فِيْهَا مِنْ الْهَلَكَةِ اِلَّا مَنْ تَبَتَّهٗ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلٰى الْقَوْلِ بِاِمَامَتِهِ وَوَقَّعَهُ فِيْهَا لِلدُّعَاءِ بِتَعْجِيْلِ فَرَجِهِ» (1)

به خدا سوگند [حضرت مهدی (علیه السلام)] غیبتی می کند که در آن کسی از هلاکت نجات نمی یابد مگر آنکه خدای عز و جل وی را بر امامت آن حضرت ثابت قدم داشته و در دعا برای تعجیل فرج، موفقش بدارد.

آری تنها با استواری در قول به امامت و دعاست که انسان از تاریکی آخرالزمان به بیت النور ره می یابد و چنانچه با انواع و اقسام بشارات الهی نسبت به دولت سراسر عدل پس از ظهور که در کلام معصومین به ما گوشزد شده است همچنان در سرگردانی ظلمات و دنیای بدون توجه به امام باقی بمانیم

ص: 108

1- تحف العقول ترجمه کمره ای مقدمه 1 - الأمالی (للصدوق) 1 - إعلام الوری بأعلام الهدی (ط - الحديثة) 2/248- كشف الغمة فی معرفة الأئمة (عليهم السلام) (ط - القديمة) 2/526 - الوافی 2/395 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 52/24 - مدينة معاجز الأئمة الإثنی عشر 7/606؛ 8/69 - کمال الدین و تمام النعمة 2/384 - إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات 5/95 - إلزام الناصب فی إثبات الحجة الغائب (عجل الله تعالی فرجه الشریف) 1/319

حقیقتاً مستحق عذاب دردناک غیبت خواهیم بود و این عقوبت جهالت و عدم توجه به حکومت صالحین در پایان تاریخ است. از اثرات این غفلت غربال شدن در آزمایشات آخرالزمانی است چرا که امیرالمومنین (علیه السلام) فرمودند:

«نمی مانند جز اندکی و کمتر از اندکی»

غیبت نیز وسیله امتحان خلاق است و بر اثر طولانی شدن دوران غیبت، برخی آن را انکار خواهند کرد. حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرمودند:

«آرزومندان هلاک شوند (مولف گرانقدر، نعمانی می گوید: یعنی کسانی که در امر خدا شتاب جویی می کنند و در مقام تسلیم نیستند و این مدت را طولانی می پندارند پس قبل از آن که فرجی ببینند می میرند آنگاه خداوند از اهل صبر و تسلیم کسی را که بخواهد بر جای می گذارد تا به مرتبه شایسته اش برساند و آنان مومنان و افرادی با اخلاصند و تعدادشان اندک است که آن حضرت شماره آنان را سیصد و سیزده نفر و یا بیشتر فرموده است) و از هم گسیختگان پراکنده شوند و مومنان بر جای بمانند و چقدر اندکند سیصد نفر یا چیزی بیش تر...» (1)

منتظران حقیقی آنانند که در آخرالزمان با سختی های فراوان به غیب الهی ایمان می آورند و دین خود را حفظ می کنند آنچنان که مربی جمیع عالمین حضرت محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله و سلم)، آنان را برادران خود خطاب می فرماید. خطاب به اصحاب خود فرمودند:

«... شماها اصحاب من هستید و لکن برادران من مردمانند که در آخرالزمان می آیند. آنان به نبوت و دین من ایمان می آورند با این که مرا

ص: 109

هر يك از آنان اعتقاد و دين خویش را با هر سختی نگاه میدارد، چنان که گویی درخت خار مگیلان را در شب تاریک با دست پوست می کند یا آتش پردوام چوب تاغ در دست نگاه می دارد. آن مومنان، مشعلهای فروزانند در تاریکیها. خداوند متعال آنان را از آشوبهای تیره و تار (آخرالزمان) نجات خواهد داد» (1)

این نجات که در کلام پیامبر گرامی اسلام نقطه برتری مومنان آخرالزمان است در کلام امام حسن عسکری تفسیر می شود که در کوره راه آخرالزمان نجات از هلاکت ها را در استواری در امر امامت و توفیق در دعای برای تعجیل فرج دانسته اند نجات آنان به علت اختیار نمودن پناهگاه درست (متصل نمودن خود به آن ریسمان الهی) می باشد. چه پناهگاهی نیکو، خرم و بدور از آشوبهای زمانه. منتظر حقیقی هر روز به دنیای امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قدم میگذارد، قلبش را متوجه آن بزرگوار نموده و برای رهایی از فتنه های آخر الزمان، وساوس شیطان و مظاهر فساد، به ساحت آن امام همام (علیه السلام) استغاثه می کند و برای ایجاد زمینه دعا برای تعجیل فرج، گاه دلش را به وادی کربلا می فرستد؛ سری به خیمه های حضرت امام حسین (علیه السلام) می زند، فریاد العطش کودکان نیمه جان و بی رمق را با تمام وجود احساس میکند و لحظاتی صحنه های دلخراش و شکننده غروب عاشورا را به تماشا می نشیند، آنگاه با دل شکسته و چشمان اشک آلود، فرج منتقم کربلا را از خدا می خواهد.

ص: 110

تأسی به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) منتظر را بر آن می‌دارد که دقایقی از شبانه روز را صرف عمل عظیم «گریه و دعا» گرداند و تلاش کند دل خود و شیعیان را بیشتر متوجه و شیفته آن وجود گرامی نماید، تا بدینسان بتواند فرهنگ انتظار را گسترش دهد و برای ظهور آخرین منجی انسانها زمینه سازی نماید. دلسردیها را به دلگرمی، تیرگیها را به روشنی و ناامیدیها را به امید سرشار تبدیل سازد.

البته در عصر پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز مخلصین و مؤمنان واقعی برای انتشار رسالت و معارف دین فداکاریهای زیادی نمودند. به عنوان نمونه: روزی ابوذر (رحمة الله) به پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله و سلم) عرض کرد: من چه کنم و چه وظیفه ای برای من معین می‌فرمایید؟ پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«تو می‌توانی مبلغ اسلام در میان قبیله خود باشی...»

ابوذر (رحمة الله) گفت: «سوگند به خدا باید پیش از آن که به میان قبیله خود برگردم، ندای اسلام را به گوش این مردم برسانم و سد ممنوعیت شعار اسلام را بشکنم». او به دنبال این تصمیم، هنگامی که قریش در مسجد الحرام سرگرم گفتگو بودند وارد مسجد شد و با صدای بلند و رسا ندا در داد:

«اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمداً رسول الله»

با این صدا، حلقه انجمن شکسته شد و به سوی او هجوم بردند و او را با بیرحمی زیر ضربات خود قرار دادند و آن قدر زدند که بیهوش، نقش زمین گشت. (1)

ص: 111

هر مؤمنی موظف است که خود را مطیع پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در آن زمان و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در این زمان بداند. در جهت تبلیغ و ترویج دین هیچ فرقی میان این زمان و آن زمان قائل نشود. هر کسی همانند جناب ابوذر (رحمة الله)، ابوذر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خویش باشد و بانگ رسا و بدون واهمه برای شناساندن اسلام حقیقی سر دهد، درختی را که پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله و سلم) برای قیام فرزند خویش کاشتند، آبیاری نماید.

هر شیعه ای باید عصر غیبت را همان زمان اوایل صدر اسلام که خفقان و وحشت بود، بداند. ترویج دین با مشقت همراه است. حال چه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، چه امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرقی برایش نداشته باشد. چه بالای سرش باشند یا نباشند. در ارزش والای چنین محبینی پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله و سلم) به حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرمود:

«ای علی (علیه السلام) آگاه باش، یقین دارترین انسانها، گروهی در آخرالزمان هستند که با پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) ملاقات نکرده و حجت خداوند از آنها پنهان شده است ولی آنان به سیاهی روی سفیدی (نوشته های روی سفیدی کاغذ) ایمان آورده اند» (1)

از این رو مؤمنانی که به فرمایشات پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) ایمان دارند، با آنکه چهره وجه الهی و همایونی امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را ندیده اند، به او معرفت پیدا کرده و ایمان می آورند و برای ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دعا میکنند. عمل این گروه از مؤمنین مخلص همانند آنست که در برابر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به دفاع از وجود مقدسش

ص: 112

جان خود را در طبق اخلاص گذارده اند.

هر کسی با تلاش در میدان انتظار می تواند همانند بعضی از اصحاب پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) مانند «ابودجانه» باشد که تمام هستی خویش را در راه محبت محمد و آل محمد (علیهم السلام) فدا نمودند چنانکه نقل است:

«در جنگ احد دومین فرماندهی که بعد از امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، از حریم پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله و سلم) دفاع می کرد، ابودجانه بود. او در گرمای جنگ خود را سپر پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله و سلم) ساخته بود. تیرها بر پشت او می نشست و آن در حالی بود که حضرت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در محاصره قرار گرفته بودند. چشم پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به ابودجانه افتاد، فرمود: ابودجانه من بیعتم را از تو برداشتم حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) از من و من از او هستم. ابودجانه زارزار گریست و گفت به کجا روم؟ به سوی همسرم که خواهد مرد؟، به خانه ام روانه شوم که ویران خواهد گشت؟ و به ثروتم روگردانم که نابود خواهد شد؟ و از مرکب مرگ بگریزم که خواهد رسید؟» (1)

عصر غیبت نیز همان صحنهٔ احد، همان دشمن و همان جنگ در برابر تیر و نیزه است. محب و منتظر باید با سلاح نطق، قلم، مال و... پا به عرصهٔ نبرد نهد. در میدان انتشار فرهنگ مهدویت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از هیچ تلاشی فروگذار نکند. مقاومت و ایستادگی در این میدان، کمتر از سپر شدن در مقابل تیرهای دشمن در برابر جنگهای پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نخواهد بود.

در اثبات چنین نظریه ای متمسک می شویم به آیهٔ شریفه و عرض می نمائیم؛

ص: 113

همانگونه که آب مایه اصلی حیات هر زنده جانی است، وجود مقدس حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز «ماء معین» «آب گوارا» خوانده شده است. با ظهور آن بزرگوار است که جهان تجدید حیات میکند و چشمه سار علم، عدالت و معنویت، در سراسر گیتی ساری می شود.

(قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ) (1)

بگو اگر صبحی از خواب برخاستید و دیدید آبتان به زمین فرورفت، پس چه کسی برایتان آب صاف و گوارا خواهد آورد؟

«..أَفَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ قَالَ إِذَا غَابَ عَنْكُمْ إِمَامُكُمْ فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِإِمَامٍ جَدِيدٍ» (2)

در تفسیر آیه مذکور فرمودند معنی «چه کسی برای شما آب گوارا می آورد» یعنی زمانی که امامتان از شما غایب شد، چه کسی برایتان امام جدید می آورد؟

این «ماء معین الهی» برای جمیع ذرات هستی تکویناً ضروری است و بدون آن حیاتی وجود ندارد و نیز بدون حضور ظاهریش هدایت و عدالت نیز غائب است. اما متأسفانه بر اثر شدت کفران نعمت ولایت، تمامی ساکنان کره خاکی، از این باران رحمت الهی محروم شده اند. ظهور مقدسش حامل برکاتی است که ریزش آن بر سر موجودات، آغاز و رحمت واسعة الهی ملموس خواهد بود. بنابراین اگر کسی در روی زمین از عقل و خرد بیشتری برخوردار باشد، آثار

ص: 114

1- سورة مبارکه ملك آیه شریفه 30

2- الکافی (ط - الإسلامیة) 1/340؛ (ط - دارالحدیث) 2/157 - البرهان 5/449

عطش و فرسودگی ناشی از غیبت ماء معین، در وی هویدا خواهد شد.

انسان خردمند چون بقای معنوی و انسانی خود را وابسته به این آب زلال و چشمه سار گوارای الهی می داند، بیشتر در تلاش و تکاپو خواهد بود تا باشد که به مراد خویش رسد و رمق از دست رفته خود را باز یابد. پس با این اوصاف باید بانگ بیدارباش بلند نمود و مستان و به خواب رفته‌گان در آغوش دنیا را بیدار کرد و آنان را از تبعات و عوارض خطرناک کمبود «آب» آگاه ساخت. بیداری ایشان در گرو اقدام و تحرک دانیان است. همان گونه که فرموده اند:

«مَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى أَهْلِ الْجَهْلِ أَنْ يَتَعَلَّمُوا حَتَّى أَخَذَ عَلَى أَهْلِ الْعِلْمِ أَنْ يَعْلَمُوا» (1)

خداوند متعال از مردم نادان عهد نگرفت که بیاموزند مگر اینکه قبل از آن از دانیان عهد گرفت که آموزش دهند. (یعنی وقتی از دانیان عهد گرفته شد آموزش دهند، بطور ضمنی بر نادانها آموختن واجب میشود)

زیرا نادانان در خوابند و دانیان، بیداران جامعه دینی. و در عصر غیبت در طلب امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بودن در برابر آن وجود مقدس که مایه حیات موجودات است، وظیفه بوده و خود عرصه ای است برای امتحان انسانها. همان گونه که خلاق در مقابل دیگر تکالیف شرعی همچون نماز، روزه، خمس و... آموده می شوند، بعد از شهادت حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام)، امتحانی بس عظیم به نام «انتظار» برای شیعیان وضع گردید. در تفصیل این مطلب بیان می داریم معنای واقعی ولایت در عصر غیبت، باقی ماندن بر میثاق الهی و عهد غدیر و

ص: 115

شناخت بدعت ها و دوری از انحرافات و دعای برای فرج است. هر چند که امر فرج حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به خواست و اراده خدا بستگی دارد ولی دعا و استغاثه یقیناً در تعجیل فرج تاثیر دارد همچنان که از روایات استفاده میشود. خدای متعال نیز دستور داده است که:

(..ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ..) (1)

..بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را..

حق تعالی نحوه این درخواست و استغاثه را به حضرت موسی (علیه السلام) اینگونه فرمود:

«يَا مُوسَى قُلْ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ.. وَالْحَوَافِي الدُّعَاءِ تَشْمَلُكُمْ الرَّحْمَةُ بِالْإِجَابَةِ وَ تَهْنِئُكُمْ الْعَافِيَةُ» (2)

ای موسی (علیه السلام)! به بنی اسرائیل بگو.. در دعا، اصرار و پافشاری نمایید تا به سبب اجابت دعا رحمت و مهر، شما را فرا گیرد و عافیت و سلامتی گوارایتان گردد.

هرگاه اراده خداوند متعال به خروج و قیام منجی عالم تعلق گرفت، امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در نیمه شب جمعه ای با تلاوت آیه شریفه:

(..أَمَّنْ يَجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ..) (3)

ص: 116

1- سوره مبارکه غافر آیه شریفه 60

2- عدة الداعي و نجاح الساعي 202 - اعلام الدين في صفات المؤمنين 328 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 74/43؛ 90/375

3- سوره مبارکه نمل آیه شریفه 62

خداوند را میخواند و حق تعالی نیز بر اساس وعده خود اجابت خواهد نمود و چون روز شود یگانه خورشید عالمتاب هستی طلوع خواهد نمود و از ظالمین به حقوق محمد و آل محمد (علیهم السلام) انتقام خواهد گرفت، همچنان که پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله و سلم) فرموده:

«اوست زمینه ساز حکومت محمد و آل محمد (علیهم السلام) در زمان رجعت»

در روایتی بسیار جالب و طولانی (1)، حضرت امام صادق (علیه السلام) به سوالات مفضل در مورد نحوه قیام حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) جوابهایی فرموده اند؛ از جمله در رابطه با مسأله رجعت مفضل سوال نمود... آیا حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) با حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خواهند بود؟ امام (علیه السلام) در جواب، بیانات مفصلی می فرمایند که قسمتهائی از آن را برای شفای قلوب منتظرین حضرتش در این جا به عنوان زینت کتاب ارائه خواهم نمود.

مفضل عرض کرد: آقا! پس از ظهور، حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چه خواهد کرد؟ امام (علیه السلام) در جواب فرمودند (پس از انجام کارهایی برای برپائی حکومت):

«آن وقت حضرت امام حسین (علیه السلام) با دوازده هزار صدیق و هفتاد و دو نفری که در کربلا از یاران او بودند و با وی شهید شدند آشکار می شود.

[ای خوش آن رجعت نورانی] سپس صدیق اکبر حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (علیهما السلام) ظهور می نماید و خیمه ای که بر چهار پایه استوار باشد در نجف برای او برپا می نمایند که يك پایه آن در نجف و پایه ای در حجر اسماعیل و پایه ای در صفا و پایه ای در زمین مدینه است.

ص: 117

1- آدرس این حدیث بسیار طولانی به این شرح است: الهدایة الكبرى 415 - حلیة الأبرار 6/395 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 53/22 - عوالم العلوم 11/940 - إلزام الناصب في إثبات الحجة الغائب (عجل الله تعالی فرجه الشریف) 2/221

گویا چراغ های او را می بینم که مانند نورهای خورشید و ماه، در آسمان و زمین می درخشند. آنگاه آقای بزرگ حضرت محمد رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) با انصار و مهاجران و آنان که به او ایمان آورده اند و نبوت او را تصدیق نموده اند و در رکاب او شهید گردیده اند ظهور می نماید. با ظهور حضرت، کسانی که دعوت او را تکذیب کرده اند و درباره پیامبریش شك و تردید نموده اند و به گفتار او اعتنا نکرده اند و کسانی که گفته اند او ساحر و کاهن و دیوانه است و از روی هوای نفس سخن می گوید و آنها که با وی ستیز کردند، را حاضر می کنند تا از روی حق و عدالت، انتقام اعمالی را که از بعثت آن حضرت تا موقع ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با هر امامی و در هر وقتی از اوقات مرتکب شده و انجام داده اند از آنها بگیرد»

این است تأویل حقیقی آیه شریفه:

(وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضُّوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ * وَنُفَعِّلُهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِي فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ) (1)

و ما اراده کردیم که بر کسانی که ضعیف داشته شدند منت گذارده و آنها را امامان قرار دهیم و آنها را وارثان و قدرتمندان قرار دهیم و به فرعون و هامان و لشکریانشان بچشانیم آنچه را که از آن می ترسیدند.

مفضل عرض کرد: آقا! فرعون و هامان در آن زمان کیستند؟ فرمودند:

”اولی و دومی هستند“. عرض کرد آقا! آیا حضرت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و حضرت علی (علیه السلام) با حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خواهند بود؟ فرمودند: آری قسم به خدا،

ص: 118

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و علی (علیه السلام) ناگزیر باید قدم روی زمین بگذارند آری به خدا آنها همه جا، حتی به پشت کوه قاف و ظلمات و قعر دریاها هم می روند تا آنجایی که جایی نمی ماند جز آنکه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و حضرت علی (علیه السلام) رفته و دین خدا را در آنجا برپا می دارند.

ای مفضل گویا می بینم که ما امامان آن موقع جلوی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) جمع شده و به آن حضرت شکایت می کنیم که امت پس از او چه بلایی بر سر ما آوردند و می گوئیم امت ما را تکذیب کردند و بی اعتنایی، نفرین، لعنت و تهدید به قتل نمودند. والیان ستمگر آنها ما را از وطن بیرون آورده به پایتخت خود بردند و جمعی از ما را با سم و حبس کشتند. در این وقت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) سخت گریه می کند و می فرماید ای فرزندانم هرچه بشما رسیده، پیشتر به جدّ شما رسید.

آن وقت حضرت فاطمه زهراء (علیها السلام) تشریف می آورند و از ظلم و ستمی که به او شده، نزد پدر بزرگوارشان شکایت می کنند و آن دوران ظلم و جور را بازگو می فرمایند، زمانی که سخت محزون بودند و به شدت می گریستند و به اشعار رقیه دختر صافی تمثل جستند و شکایت می کنند که گفت:

قد کان بعدك أبناء وهنبة *** لو كنت شاهدا لم يكبر الخطب

انا فقدناك فقد الارض وابلها *** واختل اهلك فاشهدهم فقد لعبوا

ابدت رجال لنا نجوى صدورهم *** لمانايت و حالت دونك الحجب

لكل قوم لهم قرب و منزلة *** عند الاله على الادين مقرب

ياليت قبلك كان الموت حل بنا *** املوا اناس ففازوا باللذی طلبوا

یعنی: به تحقیق پس از تو (یا رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)) خبرها و بلاهایی بود که اگر شاهد آن ها بودی کارها خطیر و بزرگ تر از آن نمی شد.

بدرستی که ما تو را همانند زمینی که باران را گم کرده، گم کردیم و اهل تو مختل گردید پس تو شاهد آنها باش که چگونه با اهل تو رفتار کردند.

مردانی برای ما باطن سینه هایشان را ظاهر کردند (یعنی نفاق و کینه هایشان هویدا شد)، زمانی که تو دور شدی و حجاب ها میان تو و ما حایل گردید.

برای هر قومی نزد خدا قرب و منزلتی است بر نزدیکان نزدیکتر است.

ای کاش پیش از تو مرگ بر ما فرود می آمد، آرزو می کردند مردمی که به مقصود خویش برسند. (1)

سپس امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) از محنتهای عظیمی که پس از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دید و با آن امتحان خود را پس داد به حضرت شکایت می کند و می گوید یا رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) داستان من مانند داستان هارون است و من به شما همان را می گویم که هارون به موسی گفت:

«ابنُ أُمِّ إِنْ الْقَوْمَ اسْتَضَعُّونِي وَ كَادُوا يَقْتُلُونَنِي فَلَا تُشِمْتُ بِي الْأَعْدَاءَ وَ لَا تَجْعَلْنِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» (2)

یعنی: ای فرزند مادرم به درستی که مردم مرا ضعیف شمرده و تنها گذاشتند و نزدیک بود مرا بکشند پس تو کاری نکن که دشمن مرا سرزنش نماید و مرا با مردم ظالم قرار مده.

ص: 120

من هم صبر کردم و تسلیم حوادث شدم و راضی به رضای خدا گشتم و با مخالفتی که با من نمودند و نقض عهدهی که کردند، حجت بر آن ها تمام گردید.

ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) من متحمل رنجها و گرفتاریهایی شدم که هیچ جانشین پیغمبری در هیچ امتی متحمل نگشت تا جائیکه با ضربت عبدالرحمن بن ملجم (لعنت الله علیه)، به قتل رسیدم و خداوند به چگونگی نقض بیعت من شاهد است. طلحه و زبیر، عایشه را به بهانه ادای مراسم حج و عمره به مکه بردند ولی او را گردش داده، به بصره آوردند. من هم ناچار برای جلوگیری از بلوای آنها، عزم کردم و خدا و شما را به یاد آنها آوردم ولی آنها برنگشتند تا اینکه خداوند مرا بر آنها پیروز گردانید و خون بیست هزار نفر از مسلمانان ریخته و هفتاد دست که می خواست مهار شتر عایشه را نگه دارد، بریده شد.

ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آنچه در جنگهای شما و پس از شما دیدم از جنگ (عایشه) جمل بر من دشوارتر نبود زیرا آن جنگ از سخت ترین، هول انگیزترین و بزرگترین جنگهایی بود که من دیدم. همانطور که مرا یاد آوردی و با این آیه:

(فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ..)(1)

«پس صبر کن همانند آن که صاحبان عزم از رسولان، صبر کردند»

و آیه:

(وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ..)(2)

ص: 121

1- سورة مبارکه احقاف آیه شریفه 35

2- سورة مبارکه نحل آیه شریفه 127

«یعنی صبر کن و صبر جز برای خدا نیست»

من نیز صبر نمودم. ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بخدا قسم تاویل این آیه:

(وَ مَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَ مَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئاً وَ سَيُجْزَى اللَّهُ الشَّاكِرِينَ) (1)

واقعا پس از شما تحقق یافت که خدا می فرماید:

«محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) پیامبری است که پیش از او هم پیامبران بودند او اگر مرد و یا کشته شد شما به طریقه (جاهلیت سابق) خود باز می گردید (این را بدانید) که هر کس (پس از پذیرفتن اسلام) به طریقه سابق خود برگردد، هیچ گونه ضرری نمی تواند به خدا برساند»

ای مفضل آنگاه حضرت امام حسن (علیه السلام) برخاسته و خطاب به پیغمبر می گوید:

ای جد بزرگوار من! وقت آمدن پدرم امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) به کوفه با حضرتش بودم تا این که با ضربت عبدالرحمن بن ملجم (لعنت الله علیه)، شهید گردید همانطور که شما به او وصیت کرده بودید، پدرم نیز به من وصیت نمود چون معاویه (لعنت الله علیه) از شهادت پدرم مطلع شد زیاد زنازاده (لعنت الله علیه) را با دوستان و پنجاه هزار سرباز (لعنت الله علیهم اجمعین) به کوفه فرستاد و به او دستور داد که من و برادرم حسین (علیه السلام) و سایر برادران و بستگان و شیعیان و دوستان مرا گرفتار سازد و از ما برای معاویه (لعنت الله علیه)

ص: 122

بیعت بگیرد. هر کدام از ما حاضر نشدند گردش را زدند و سر او را برای معاویه (لعنت الله علیه) فرستادند. چون من این را دیدم از خانه بیرون آمده به مسجد جامع کوفه رفتم تا نماز بگذارم. پس از نماز به منبر رفتم و پس از حمد و ثنای الهی، گفتم: ای مردم اوضاع دنیا عوض شده و آثار دین از میان برداشته شده و بردباری کم گردیده، امروز دیگر از تحریکات شیطانی و حکم خائنین کسی آسایش ندارد.

به خدا قسم دلیلهای محکمی برای آنها آورده شد و علایم زیادی بر ایشان روشن گردید و مشکلاتشان آشکار گشت و هر لحظه منتظر بودیم که تأویل این آیه (وَ مَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ..) تحقق یابد ای مردم به خدا قسم جدم رحلت کرد و پدرم شهید شد و وسواس خناس در دلهای مردم تخم و سوسه پاشید و فتنه جویان برای ایجاد فتنه عریده ها کشیدند و بر خلاف سنت رفتار کردند.

ای وای بر آن فتنه کر و کور که صدای کسانی که مردم را به راه راست میخوانند و برای پذیرش حق و حقیقت صدا می زنند، شنیده نمی شود. در آن فتنه است که سخن نفاق آمیز آشکار می گردد و باطن تفرقه اندازان معلوم می شود و دولشکر خارجی شام و عراق به جان هم می افتند. خدا شما را رحمت کند بشتابید به سوی گشایش و نور آشکار و پرچم بزرگ و چراغی که هیچ وقت خاموش نمی شود و حقی که مخفی نمی گردد.

ای مردم از خواب غلغلت بیدار شوید و از تاریکی گمراهی که شما را احاطه کرده بدر آید. بخدائی که دانه را شکافت و انسان را آفرید و ردای عظمت پوشانید، شما را قسم می دهم جمعی از شما که دارای دلهای صاف و نیت های

خالص می باشند بدون این که آمیخته به نفاق و قصد افتراق داشته باشند، برخاسته با من بیعت کنید تا من بتوانم با شمشیر قیام کنم و اطراف کار را بر دشمن تنگ بگیرم و با نیزه ها و سُم های اسب، لشکر آنها را از میان بردارم. ای مردم خدا شما را رحمت کند، سخن بگویند و به من پاسخ بدهید.

ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) مثل این که مهر سکوت به دهان آنها زده بودند زیرا جز بیست نفر کسی دیگر به من جواب نداد. آنها برخاستند و گفتند: ای پسر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) ما با شمشیرهای خود تا پای جان برای یاری تو ایستاده ایم، فرمانبردار توئیم و هر کاری بکنی تصدیق می کنیم. هر امری داری بفرما، من به چپ و راست خود نگاه کردم دیدم جز آن بیست نفر کسی دیگر نمانده است.

در آن هنگام پیش خود گفتم من هم از جدم پیروی می کنم چه او وقتی سی و نه نفر معتقد داشت، در پنهانی خدا را پرستش نمود. چون خداوند او را به سن چهل سالگی رسانید با جماعت بیشتر امر خدا را آشکار کرده و روشن ساخت. اگر آن عده با من بودند به بهترین وجه در راه خدا جهاد می کردم.

آنگاه سر به آسمان برداشتم و عرض کردم: خداوندا من مردم را به راه راست دعوت کردم و از عذاب تو ترساندم و امر و نهی کردم ولی آنها پاسخ مثبت به من ندادند و از یاری من سر باز زدند. آنها از اجابتِ دعوتِ داعیِ حق غافل بودند و از یاری وی خودداری کردند و در پیروی از او تقصیر نمودند و به یاری دشمنان او رفتند. پروردگارا عذاب و بلای خود را بر ستمگران همیشه

می فرستی، بر اینها نیز فرو فرست. این را گفتم و از منبر به پایین آمدم و از کوفه کوچ کرده و رهسپار مدینه گردیدم در کوفه مردم دسته دسته می آمدند و می گفتند معاویه (لعنت الله علیه) دسته دسته سپاه خود را به شهر انبار و کوفه گسیل داشته و آنها هم دست به غارت و قتل مردم و زنان و اطفال آنها می زنند. من هم به آنها فهماندم که وفا ندارند، لشکری فراهم آوردم و به آنها گفتم که شما به طرف معاویه (لعنت الله علیه) خواهید رفت و پیمان و بیعت خود را با من می شکنید و همانطور که گفته بودم تحقق یافت.

آن وقت حضرت امام حسین (علیه السلام) با بدنی آغشته به خون خود و یارانش که با وی کشته شدند در جلوی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می ایستد. چون رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) او را می نگرد، زار زار می گرید. از گریه او اهل آسمان و زمین نیز گریه می کنند. حضرت فاطمه زهراء (علیها السلام) هم ناله جانکاه از دل پر درد برمی آورد از ناله و شیون و گریه و زاری آن حضرت، زمین و اهل زمین متزلزل می گردند.

سپس حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) و امام حسن (علیه السلام) در طرف راست پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و فاطمه زهراء (علیها السلام) در طرف چپ آن حضرت قرار می گیرند. پیامبر او را در آغوش می گیرد و می گوید یا حسین (علیه السلام) فدایت گردم، دیدگانت روشن باد و دیدگان من هم روشن باشد. سپس حمزه سید الشهداء عموی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در سمت راست آن حضرت می ایستد و در سمت چپ، جعفر بن ابیطالب (علیهما السلام) قرار می گیرد. ناگاه خدیجه کبری (علیها السلام) و فاطمه بنت اسد (علیها السلام) (مادر حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام))، محسن فرزند سقط شده فاطمه زهرا (علیها السلام) را بدست گرفته، ناله کنان به نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می آیند و مادرش فاطمه (علیها السلام) این آیه را

(.. هذا يَوْمُكُمْ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ) (1)

(يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا..) (2)

«این است آن روزی که وعده شده بودید». «امروز هر کس کار نیکی کرده و یا عمل بدی نموده، کرده خود را خواهد یافت. امروز هر کس آرزو می کند میان او و عمل بدش زمان دور و درازی فاصله می بود».

مفضل گفت: در این وقت حضرت امام صادق (علیه السلام) چنان گریست که محاسن مبارکش از سیلاب اشک، تر شد. سپس فرمودند:

«روشن مباد چشمی که به این گفته نگرید»

اگر شما خواننده گرامی نیز همراه با حضرت امام صادق (علیه السلام) در مصیبت خاندان وحی بالاخص حضرت امام حسین (علیه السلام) و مادر مظلومه شان حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) دلت شکست و گوشه چشمت به اندازه بال مگسی، تر گشت بدان که بهترین موقع برای جلب خشنودی حق تعالی یعنی دعا برای ظهور امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است. مفضل (رحمة الله) هم بسیار گریست و آنگاه عرض کرد: آقا! این گریه چقدر ثواب دارد؟ فرمودند:

«وقتی از روی حقیقت باشد به شماره نمی آید»

خوشا به حال کسی که هر روزه در کنج خلوت بر این عبادت عظیم مبادرت

ص: 126

1- آیه شریفه 103 از سوره مبارکه انبیاء

2- آیه شریفه 30 از سوره مبارکه آل عمران

بورزد و سپس با دل شکسته برای فرج مولا صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دعا کند.

سپس مفضل (رحمة الله) عرض کرد: آقا! چه می فرمایید درباره این آیه:

(وَإِذَا الْمَوْؤُدَةُ سُئِلَتْ * بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ) (1)

«روز قیامت از کسی که به خاک سپرده شد سوال می شود * به چه جرمی کشته شده است»

امام (علیه السلام) فرمودند:

«ای مفضل به خدا قسم این مؤوده و به خاک سپرده محسن (2)، طفل فاطمه (علیها السلام) است؛ زیرا مقصود از این آیه ماییم و هر کس جز این را بگوید او را تکذیب کنید»

مفضل (رحمة الله) عرض کرد: آقا آن وقت چه می شود؟ فرمودند: فاطمه زهرا (علیها السلام) برخاسته و عرض می کند خدایا آن روزی که به من وعده فرمودی از کسانی که به من ظلم کرده و حق مرا غصب نمودند و مرا زدند و فرزندان مرا به گریه آوردند، انتقام بگیر و به وعده خود وفا کن. در این وقت فرشتگان هفت آسمان و حاملان عرش الهی و ساکنان هوا و اهل زمین و آنها که زیر طبقه های زمین هستند با ناله و فریاد می گریند و به خدا شکایت از مصائب می کنند.

در آن روز تمام قاتلان و ظالمان به ما و آنهایی که از آنچه به سر ما آمده راضی بودند، هزار بار به قتل می رسند. نه مثل کشته شدن آنها که در راه خدا شهید می شوند، زیرا شهیدان در حقیقت نمی میرند. چنانکه خداوند فرمود:

ص: 127

1- سورة مبارکه تکویر آیات شریفه 9 و 8

2- ظاهر آیه در مورد هر مقتولی که بیگناه کشته شود بوده ولی باطن آیه اختصاص به حضرت محسن بن علی بن ابیطالب (علیهم السلام) دارد.

(وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أحياءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ * فَرحينَ بما آتاهُمُ اللهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ يَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لا هُمْ يَحْزَنُونَ) (1)

گمان مکن آنان که در راه خدا کشته شدند، مرده اند. نه، آنها زنده اند و در نزد خدایشان روزی می خورند. آنها از آنچه خداوند از فضل خودش به آنان روزی داشته است خوشحالند و هم از آنان که هنوز به آنها ملحق نشده و از پشت سر آنها می آیند مسرور و شادند که ترسی بر آنها نیست و آنها غمگین نمی باشند.

مفضل (رحمة الله) عرض کرد: آقا! بعضی از شیعیان شما بر رجعت عقیده ندارند، فرمودند: آیا آنها سخن جد ما پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و گفته ما امامان را نشنیده اند که می گوئیم:

(وَلَنذيقنَّهُمْ مِنَ الْعَذابِ الْأَذنى دُونَ الْعَذابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ) (2)

«قبل از عذاب بزرگتر، عذاب کوچکتر به آنها می چشانیم تا شاید [مراد، بقیه مردم است که با دیدن آیات الهی برگشته و ایمان بیاورند] برگردند»

ای مفضل عذاب کوچکتر، رجعت آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و عذاب بزرگتر عذاب روز قیامت است که خدا می فرماید:

(يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَ السَّمَاوَاتُ وَ بَرَزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ) (3)

«روزی که اوضاع زمین و آسمان ها دگرگون می گردد و همه در پیشگاه

ص: 128

1- سورة مبارکه آل عمران آیات شریفه 170-169

2- سورة مبارکه سجده آیه شریفه 21

3- سورة مبارکه ابراهیم آیه شریفه 48

در ادامه پس از شکایت از ظالمین و قاتلین می فرماید:

آن گاه جدم حضرت علی بن الحسین (علیهما السلام) و پدرم حضرت امام باقر (علیه السلام) برخاسته و آنچه را که از امت جفاکار دیده اند به جد بزرگوارشان رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) شکایت می کنند. سپس من برمی خیزم و از ظلم منصور، خلیفه عباسی شکایت می کنم. بعد از من فرزندم موسی بن جعفر (علیهما السلام) از هارون و پس از او علی بن موسی (علیهما السلام) از مامون و بعد از وی، فرزندش محمد بن علی (علیهما السلام) از معتصم و پس از او فرزندش علی بن محمد (علیهما السلام) از متوکل و بعد از او فرزندش حسن بن علی (علیهما السلام) از ظلم معتز شکایت می کنند.

آن وقت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) همانام جدم رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در حالیکه پیراهن آن حضرت آغشته به خون پیشانی و شکستگی دندان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بوده و فرشتگان اطراف او را گرفته اند، آمده و جلو پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می ایستد و می گوید:

”ای جد بزرگوار، شما مرا به اوصافی معرفی فرمودید که مردم مرا از روی آن بشناسند و نام و نسب و کنیه ام را ذکر کردید، با همه اینها امت وجود مرا انکار کرده و متمرد شدند و گفتند: مهدی متولد نشده و اصلاً نبوده است. و اگر هست کجاست و کی می آید؟ پدرش مرده و فرزند نداشته است و اگر او موجود و سالم می بود خدا آمدن او را تا این موقع به تاخیر نمی انداخت من هم تا کنون صبر کردم و اینک به فرمان خدا ظاهر گشته ام.“ پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرماید:

خدا را شکر می کنیم که وعده خود را درباره ما عملی ساخت و ما را وارث

زمین گردانید و در بهشت هر جا را بخواهیم مسکن می نماییم. چه خوب است پاداش عمل کنندگان و نیز می فرماید: موقع نصرت و پیروزی خدا فرا رسید و آیه:

(هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ) (1)

«اوست کسی که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاد تا او را بر همه ادیان پیروز گرداند هر چند مشرکین دوست نداشته باشند»

مصدق پیدا کرد و تاویل شد. سپس این آیه را می خواند:

(إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا * لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ وَ يَتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَ يَهْدِيكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا * وَ يَنْصُرَكَ اللَّهُ نَصْرًا عَزِيزًا) (2)

«ما فتحی آشکار برای تو نمودیم تا خداوند گناه گذشته و آینده (گناهان امت) تو را ببوشاند و نعمت خود را درباره تو تمام کند و تو را به راه راست هدایت نماید و خداوند تو را یاری ای نماید یاری کردنی عزیز و بزرگ»

مفضل عرض کرد: آقا! پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) چه گناهی کرده بود (که خدا می فرماید گناهان گذشته و آینده ترا ببخشد)، فرمودند:

ای مفضل پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) عرض کرد خدایا گناهان گذشته و آینده شیعیان برادرم علی (علیه السلام) و شیعیان اولادم که جانشینان من هستند را تا روز قیامت به من واگذار کن و مرا میان پیامبران و انبیاء، از کرده پیروانم شرمنده مگردان.

ص: 130

1- سورة مبارکه توبه آیه شریفه 33 - بخشی از آیات 28 سورة مبارکه فتح و 9 سورة مبارکه صف

2- سورة مبارکه فتح آیات شریفه 1 الی 3

خدا هم گناهان آنها را واگذار به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) کرد و همه آنها را بخشید.

مفضل (رحمة الله) گوید: در این وقت من سخت گریستم و عرض کردم آقا! این از موهبت خداوند است که به برکت وجود شما به ما رسیده است. حضرت (علیه السلام) فرمودند:

”ای مفضل شیعیانی که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) گناهان آنها را به گردن گرفت تو و امثال تو هستی. ای مفضل این حدیث را برای بعضی از شیعیان ما که در امر دین لایبالی هستند مگوزیرا به اعتماد این فضیلت، عمل به احکام دین را ترك می کنند و در نتیجه از رحمت الهی محروم می گردند“. خداوند درباره آنها فرمود:

(..وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ أَرْتَضَىٰ وَهُمْ مِنْ خَشِيَّتِهِ مُشْفِقُونَ) (1)

«اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) شفاعت نمی کنند مگر برای کسانی که خدا از آنها راضی است و آن ها نیز از خوف و خشیت الهی ترسانند»

مفضل گفت: آقا پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در موقع برانگیخته شدنش بر تمام ادیان باطله غلبه نیافت. (پس چگونه خداوند می فرماید او هنگام رجعت بر تمام ادیان غلبه می یابد)، فرمودند: ای مفضل اگر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بعد از بعثتش بر تمام ادیان غالب شده بود، دیگر نه مجوسی، نه یهودی، نه صابئیان، نه نصرانی، نه هیچ تفرقه، اختلاف، شك، نه شرك، بت پرستی، نه اوثنان لات و عزی، نه پرستش ماه و خورشید، ستارگان، آتش، سنگ بود پس (لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ) تأویلش آنروز (ظهور) است اینك این مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و این هم رجعت است که خداوند

ص: 131

می فرماید:

(وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ..) (1)

«با بی دینان بجنگید تا دیگر فتنه ای نباشد و تمام دین از آن خدا باشد..»

مفضل گفت: گواهی می دهم که از علم خداوند استفاده کرده اید و با قدرت و اقتدار او توانا گشته اید و با حکم او حرف می زنید و به دستور او عمل می نمایید. سپس حضرت (علیه السلام) فرمودند:

حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به کوفه بر می گردد و آسمان ملخهای طلایی بر آنها می بارد همانطور که خداوند در بنی اسرائیل بر ایوب پیامبر (علیه السلام) نیز فرود آورد و گنجهای طلا و نقره و گوهر زمین را به یارانش تقسیم می کند.

مفضل (رحمة الله) گفت: اگر یکی از شیعیان بمیرد و قرضی از برادران دینی یا بی دینان در گردش باشد چه می شود؟ فرمودند:

کاری که مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می کند اینست که در تمام دنیا اعلام می کند هرکس طلبی از یکی از شیعیان داشته باشد بیاید و بگوید حتی اگر سیر یا خشخاش هم در گردن یکی از شیعیان ما باشد مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) او را به صاحبش رد می کند تا چه رسد گوهرهای گرانبهای طلا و نقره و املاک.

مفضل (رحمة الله) عرض کرد: آقا! آن وقت چه می شود؟ فرمودند:

حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پس از گردش در شرق و غرب، می آید و وارد مسجد کوفه می گردد و مسجدی را که یزید بن معاویه ملعون پس از شهادت حضرت

ص: 132

امام حسین (علیه السلام) بنا نموده خراب می کند. همچنین هر مسجدی را که برای خدا ساخته نشده ویران می سازد. خدا لعنت کند بانی آن را. عرض کرد: آقا مدت سلطنت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چند سال است؟ فرمودند: خدا می فرماید:

(..فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ * فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُّوا فَمِنَ النَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ * خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِّمَا يُرِيدُ * وَأَمَّا الَّذِينَ سُعِدُوا فَمِنَ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءٌ غَيْرَ مَجْذُوزٍ) (1)

«روز قیامت مردم دو دسته میشوند یک دسته شقی و یک دسته سعید. آنها که شقی هستند در آتش (دوزخ) می باشند و در آن آتش ناله و فریاد می کنند و تا آسمانها و زمین برقرار است در آنجا می مانند مگر این که خداوند بخواهد آن ها را از آتش در آورد و خدای تو هر کاری بخواهد می کند.

و آنها که سعادت مند هستند در بهشت جای دارند و در آنجا همیشه می مانند تا گاهی که آسمانها و زمین برقرار است مگر این که خداوند بخواهد این عطای دائمی خداوند است»

و در این آیه شریفه کلمه «مجذوذ» به معنی «مقطوع» است یعنی عطای غیر مقطوع از آنها است بلکه عطایی است دائمی، ابدی و سلطنتی، ویران نشدنی و حکمی است که منقطع نمی گردد. منظور حضرت امام صادق (علیه السلام) ادامه حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و رجعت اجدادش تا به قیامت است و امری است

ص: 133

که باطل نمی شود مگر با اختیار خدا و مشیت او و اراده اش که جز او کسی نمی داند، سپس روز قیامت فرا می رسد و آن چیزهایی که خداوند در کتابش توصیف نموده است. و حمد، خدایی را که پروردگار جهانیان است و درود خدا بر بهترین خلق او محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) پیامبر و فرزندان پاکیزه او باد و سلام بیشتری بر آنها باد.

حضرت امام صادق (علیه السلام) در ذیل این آیه شریفه می فرمایند:

«(اصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ) (1) يَا مُحَمَّدُ مِنْ تَكْذِيبِهِمْ إِيَّاكَ فَإِنِّي مُنْتَقِمٌ مِنْهُمْ بِرَجُلٍ مِنْكَ وَهُوَ قَائِمِي الَّذِي سَلَطْتُهُ عَلَى دِمَائِ الظَّالِمَةِ» (2)

ای محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) صبر کن بر آنچه می گویند از تکذیب دشمنان تو را، که من به وسیله مردی از فرزندان تو از آنان انتقام خواهم گرفت و اوقائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است، آنکه او را بر خونهای ستمکاران مسلط خواهم کرد.

وجود مقدس حضرت محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله و سلم) برای چنین روزگاری، بشارتی را بیان فرمودند:

«أَبَشِّرُوا بِالْمَهْدِيِّ قَالَهَا ثَلَاثًا يَخْرُجُ عَلَيَّ حِينَ اخْتِلَافٍ مِنَ النَّاسِ وَزَلْزَالٍ شَدِيدٍ يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا» (3)

بشارت باد به مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) "و سه بار این جمله را فرمود". در زمانیکه مردم دچار اختلاف (درگیری) و دچار زلزال شدید (تزلزل در جهات مختلف

ص: 134

1- بخشی از آیه شریفه 17 سورة مبارکه ص و آیه شریفه 10 سورة مبارکه مزمل

2- تأویل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة (عليهم السلام) 492 - إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات 5/190 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 24/220 - تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب 11/210

3- الغيبة (للطوسي) 179 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 51/74

مادی و معنوی و یا زمین لرزه ها) هستند خروج خواهد کرد و زمین را از عدل و داد پر می کند پس از اینکه از بیداد و ستم پر شده باشد.

و نیز حضرتش فرمودند:

«مَعَاشِرَ النَّاسِ أُبَشِّرُوا بِالْفَرَجِ فَإِنَّ وَعْدَ اللَّهِ لَا يَخْلَفُ وَ قَضَاؤُهُ لَا يَرُدُّ (وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَيْرُ) (1) وَإِنَّ فَتْحَ اللَّهِ قَرِيبٌ..» (2)

ای گروه مردمان! بشارت باد بر شما فرج و ظهور (مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)) که به راستی وعده خداوند تخلف نمی یابد و قضای او باز نمی گردد. «او حکیم و آگاه است» و به راستی فتح و گشایش خداوند نزدیک است.

إن شاء الله مصداق آن نزدیکی (قریب) در دوران پر از ظلم و ستم چنین روزگاری خواهد بود؛ البته چنین دوران طلایی و بهشت موعود زمینی، پس از شکیبایی، صبر بر عوارض و تبعات ناشی از ظلم و ستمهای عصر غیبت و تسلیم بر تقدیرات حق تعالی و از همه مهمتر تحصیل و نشر معارف اهل بیت (علیهم السلام)، کوبیدن درب دعا برای فرج مولا صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می باشد که عاقبت هر در زدنی، باز شدن آن در است. پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«بِالصَّبْرِ يَتَوَقَّعُ الْفَرْجُ وَ مَنْ يَدْمِنُ قَرْعَ الْبَابِ يَلِجُ» (3)

به شکیبایی و صبر امید گشایش است و آن که کوبیدن در را ادامه دهد تا سر آخر باز گردد و وارد شود.

ص: 135

1- سورة مبارکه انعام آیه شریفه 18 و آیه شریفه 73 و سورة مبارکه سباء آیه شریفه 1

2- الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف 2/522 - كشف الغمة فی معرفة الأئمة (عليهم السلام) (ط - القديمة) 1/399 - كشف اليقين فی فضائل أمير المؤمنين (عليه السلام) 467 - البرهان فی تفسير القرآن 2/736؛ 4/452 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 51/67

3- كنز الفوائد 1/139 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 68/96

به امید رسیدن به بهشت زمینی و همجواری دائمی با محمد و آل محمد (علیهم السلام) هر روزه در ب دعا را خواهیم کویید.

شنیدن ندای جناب جبرئیل (علیه السلام) فرح و شادی قلب مبارک رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) را در پی خواهد داشت. همان ندائی که قرن‌هاست منتظر آن هستیم که بر فراز آسمان دنیا قرار گیرد و بگوید ای مردم، امام شما آمد. ندائی که پس از آن شاهد از بین رفتن تمامی بدیها خواهیم بود. ندائی که در پس آن انتقام از ظالمین و پیاده سازی بندگی قرار دارد. ندای فرح بخشی که ضمانت میکند دیگر ظلمی نیست و در آن دوران صفا و صمیمیت موج می زند. حتماً هر انسان عدالتخواهی با مرور این احادیث، شوق زندگی در آن دوران در او زنده می شود. ان شاءالله این وعده محقق می شود به دعائی از صمیم دل که با اشک چشم همراه شود و از سوز دل فریاد برآید که:

اللهم عجل لولیک الفرج

اللهم عجل لولیک الفرج

اللهم عجل لولیک الفرج

اللهم عجل لولیک الفرج

اللهم عجل لولیک الفرج

ص: 136

1. عدة الداعي
2. اسد الغابة. ابن اثير دارالكتب عربي بيروت لبنان
3. سيرة ابن هشام. ابو محمد عبد الملك شركة الحلبي مصر 1355 هـ و 1936 م
4. التاج ج 3
5. بحار الانوار. علامه مجلسي محمد باقر -موسسة الوفاء بيروت لبنان س 1404 ق
6. فتوح البلدان. البلاذري وفات: 279 سال چاپ: 1956 م ناشر: مكتبة النهضة المصرية - القاهرة
7. كافي. كليني محمد بن يعقوب -انتشارات اسوه چاپ 11 سال 1389
8. مقتضب الأثر. أحمد بن عياش الجوهري وفات: 401 ناشر: مكتبة الطباطبائي - قم
9. امالي طوسي. شيخ طوسي م 460 هـ.ق انتشارات دار الثيقاف قم 1414 هـ.ق
10. امالي صدوق. محمد بن علي بن حسين بن بابويه -انتشارات كتابخانه اسلاميه
11. البرهان. الزركشي وفات: 794 -جماعت عامه سال چاپ: 1376 - 1957 م ناشر: دار إحياء الكتب العربية، عيسى البابي الحلبي وشركاء
12. المحاسن برقي. ابو جعفر بن خالد برقي -مجمع عامي اهل البيت ع 1413 هـ.
13. مستدرک الوسائل. نوري ميرزا حسين - موسسه آل البيت لاهياء التراث قم

14. غيبت نعماني. ابن ابي زينب نعماني - دار الكتب الاسلامي تهران 1387 هـ.
15. الاحتجاج. طوسي احمد بن علي - نشر مرتضى مشهد مقدس س 1403ق
16. اثبات الهدى
17. ارشاد. شيخ مفيد محمد بن نعمان همان
18. كفاية الأثر. الخزاز القمي وفات: 400 سال چاپ: 1401 ناشر: انتشارات بيدار
19. مجمع البيان. فضل بن حسن طبرسي - انتشارات ناصر خسرو تهران 1406 هـ.
20. تاويل الايات. سيد شرف الدين حسيني استرآبادي م 940 هـ.ق جامعه مدرسین قم
21. روضة الواعظين. الفتال النيشابوري منشورات اشرفي قم 1365ق
22. امام زمان (عليه السلام) در كلام نبوي
23. مسند احمد. الإمام احمد بن حنبل وفات: 241
24. البيان گنجي
25. سنن الترمذي. الترمذي وفات: 279 سال چاپ: 1403 - 1983 م ناشر: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع - بيروت - لبنان
26. عيون اخبار الرضا (عليه السلام). شيخ صدوق مؤسسهُ انصاريان قم 1384 هـ.
27. الطبقات الكبرى. محمد بن سعد وفات: 230 ناشر: دار صادر - بيروت
28. مناقب علي بن ابي طالب (عليهما السلام). الخوارزمي - موفق بن احمد خطيب خوارزم

چاپ سوم -موسسه نشر اسلامى 1414هـ

29. اختصاص. شيخ مفيد محمد بن نعمان

30. علل الشرايع. محمد بن على بن حسين بن بابويه -انتشارات مكتبة الورى قم

31. أعيان الشيعة. السيد محسن الأمين وفات 1371

32. النوادر. أحمد بن عيسى الأشعري وفات: ق 3 سال چاپ: محرم الحرام 1408 ناشر: مدرسة

33. الإمام المهدي (عجل الله تعالى فرجه الشريف) - قم المقدسة

34. تحف العقول. حرانى حسن بن شعبة -موسسه انتشارات اسلامى چاپ دوم

35. إحقاق الحق (الأصل). الشهيد نور الله التستري وفات: 1019

36. برهان. سيد هاشم بحراني -دار المعجتي قم 1428 هـ.

ص: 139

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

